



قانون مجازات اسلامی

کتاب اول

کلیات

باب اول - مواد عمومی

ماده 1 - قانون مجازات اسلامی راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می شود .

ماده 2 - هر فعل یا ترك فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود .

ماده 3 - قوانین جزائی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی ، دریائی و هوائی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می گردد مگر آنکه بموجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

ماده 4 - هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است .

ماده 5 - هر ایرانی یا بیگانه ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم ذیل شود در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می شود .

1 - اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری ایران .

2 - جعل فرمان یا دستخط یا مهر یا امضاء مقام رهبری و یا استفاده از آن .

3 - جعل نوشته رسمی رئیس جمهور یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا شورای نگهبان و یا رئیس مجلس خبرگان یا رئیس قوه قضائیه یا معاونان رئیس جمهور یا رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور یا هر يك از وزیران یا استفاده از آنها .

4 - جعل اسکناس رایج ایران یا اسناد بانکی ایران مانند براتهای قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادر شده از طرف بانکها و یا اسناد تعهدآور بانکها و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق قرضه صادره و یا تضمین شده از طرف دولت یا شبیه سازی و هرگونه تقلب در مورد مسکوکات رایج داخل .

ماده 6 - هر جرمی که اتباع بیگانه که در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران هستند و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می شوند و همچنین هر جرمی که مأموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می کنند مرتکب گردند ، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات می شوند .

ماده 7 - علاوه بر موارد مذکور در مواد 5 و 6 هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد .

ماده 8 - در مورد جرائمی که بموجب قانون خاص یا عهد و پیمان المللی مرتکب در هر کشوری که بدست آید محاکمه می شود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد .

ماده 9 - مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد ، مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید .

ماده 10 - بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود در مورد ضبط دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین خواهد کرد همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع با رعایت شرایط زیر دستوررد اموال و اشیاء مذکور در فوق را صادر نماید

1 - وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد .

2 - اشیاء اموال بلامعارض باشد .



- 3 - در شماره اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد .
- در کلیه امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن ، اعم از ایرکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد ، نسبت به اشیاء اموالی که وسیله جرم بوده یا اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود .
- تبصره 1 - متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه میتواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده بشکایت خود را طبق مقررات در دادگاههای جزائی تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید . هرچند قرار با حکم دادگاه نسبت به امر جزائی قابل شکایت نباشد .
- تبصره 2 - مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت بوده یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهائی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری خواهد شد .
- ماده 11 - در مقررات و نظامات دولتی ، مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی باید بموجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعل را نمی توان بعنوان جرم بموجب قانون متاخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی موثر خواهد بود . در صورتیکه بموجب قانون سابق حکم قطعی اجراء نخواهد شد و اگر در جریان اجراء باشد موقوف الاجراء خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین درموردی که حکم قبلاً اجراء شده باشد هیچگونه اثر کیفی بر آن مترتب نخواهد بود این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است اعمال نمی گردد .
- 2 - اگر مجازات جرمی بموجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم علیه میتواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در اینصورت دادگاه صادر کننده حکم و یا دادگاه جانشین با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد .
- 3 - اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق به اقدام تامینی و تربیتی تبدیل گردد فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت .

باب دوم - مجازاتها و اقدامات تامینی و تربیتی

فصل اول - مجازاتها و اقدامات امینی و تربیتی

- ماده 12 - مجازاتهای مقرر در این قانون پنج قسم است -
- 1 - حدود 2 - قصاص 3 - دیات 4 - تعزیرات 5 - مجازاتهای بازدارنده 0
- ماده 13 - حد ، به مجازاتی گفته میشود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است .
- ماده 14 - قصاص ، کیفی است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد .
- ماده 15 - دیه ، مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است .
- ماده 16 - تعزیر ، تادیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و بنظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد .
- ماده 17 - مجازات بازدارنده ، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین میگردد از قبیل حبس ، و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد .
- ماده 17 - مجازات بازدارنده ، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین میگردد از قبیل حبس ، جزای نقدی تعطیل محل کسب ، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن .
- ماده 18 - مدت کلیه حبس ها از روزی شروع میشود که محکوم علیه بموجب حکم قطعی قابل اجراء محبوس شده باشد .
- تبصره - چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم بعثت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد دادگاه پس از تعیین تعزیر ، از مقدار تعزیر تعیین شده یا مجازات بازدارنده به میزان بازداشت قبلی وی کسر میکند .
- ماده 19 - دادگاه میتواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان متمیم حکم



تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید

تبصره - نقاط اقامت اجباری محکومین با توجه به نوع جرائم آنان توسط دادگاهها تعیین می شود.
آئین نامه اجرائی مربوط توسط وزارت دادگستری با هماهنگی وزارت کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضایی می رسد.
آیین نامه اجرایی قانون اصلاح تبصره الحاقی ماده 19 قانون مجازات اسلامی

ماده 1- دادگاه با توجه به علل و جهاتی ارتکاب جرم و شخصیت متهم ، نوع جرم ، میزان محکومیت ، دوری و نزدیکی محل اقامت اجباری با محل ارتکاب جرم ، امکان اشتغال یا عدم امکان اشتغال محکوم علیه در محل و همچنین با در نظر گرفتن نقاطی که از طرف وزارت کشور برای اقامت اجباری مناسب تشخیص داده نشده اند شهری را به عنوان محل اقامت اجباری محکوم علیه معین می نماید

ماده 2- وزارت کشور می تواند نقاطی را که به لحاظ شرایط سیاسی امنیتی ، اجتماعی و غیره برای اقامت اجباری مناسب نمی باشند هر سال یکبار تهیه از طریق وزارت دادگستری به قوه قضائیه جهت ابلاغ به دادگاهها ارسال نماید

ماده 3- چنانچه وزارت کشور تغییر محل اقامت اجباری محکومی را به لحاظ شرایط سیاسی ، امنیتی ، اجتماعی و غیره لازم تشخیص دهد مستدلاً مراتب از طریق وزارت دادگستری به قوه قضائیه جهت ابلاغ به دادگاه اعلام می شود

ماده 4- نقطه نظرات مقامات محلی ، در مورد آثار و تبعات حضور محکومان در محل از طرف آنان مستقیماً به وزارت کشور ارسال می شود تا در هنگام تعیین نقاط اقامت اجباری ، مورد توجه قرار گیرند

ماده 5- دادگاه با بررسی مشکلات ناشی از اجرای حکم ، چنانچه تغییر محل اقامت اجباری را لازم بداند نسبت به تعیین محل دیگر اتخاذ تصمیم می نماید

ماده 6- نظارت بر اجرای صحیح حکم اقامت اجباری توسط دادگاه صادر کننده رای از طریق مرجع مجری حکم به عمل می آید

ماده 7- وزرای دادگستری و شکرو به منظور رفع معضلات اجرائی ناشی از تعیین اقامت اجباری محکومان ، حداقل یکبار در سال جلسه ای تشکیل خواهند داد

ماده 8- این آئین نامه در اجرای قانون اصلاح تبصره الحاقی به ماده 19 قانون مجازات اسلامی ، مصوب 1378/10/27 در 8 ماده توسط وزارت دادگستری با هماهنگی وزارت کشور تهیه و در تاریخ 1380/3/27 به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید

شماره 3/13583/ه ش

حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی

رئیس محترم قوه قضائیه

احتراماً همانگونه که استحضار دارند بر اساس تبصره الحاقی به ماده 19 قانون مجازات اسلامی (مصوب 1377/2/23 مجلس شورای اسلامی) مقرر گردیده بود نقاط اقامت اجباری محکومان توسط وزارت دادگستری و شورای امنیت کشور تعیین و به قوه قضائیه اعلام گردد.

باعنایت به مصوبه فوق الاشاره به پیوست لیست اسامی شهرهای مشمول تبصره که با همکاری و هماهنگی وزارت کشور و وزارت دادگستری تهیه شده و در جلسه مورخ 78/8/11 شورای امنیت کشور مورد تایید قرار گرفته است ، جهت استحضار و صدور دستور لازم ارسال می گردد. ضمناً با توجه به اینکه اوضاع سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی شهرستانها مرتباً در حال تغییر و تحول می باشد پیشنهاد می شود پس از گذشت مدت 10 سال مجدداً تعیین نقاط تجدیدنظر بعمل آید.

شوشتری سید عبدالوهاب موسوی لاری

وزیر دادگستری و زیرکشور و رئیس شورای امنیت کشور



1-ایده	17-دره شهر	33-قائن
2-مسجد سلیمان	18-شیروان وچرداول	34-ابرکوه
3-باغمک	19-دهدشت	35-بافق
4-رامهرمز	20-یاسوج	36-مهریز
5-استهبان	21-دوگنبدان	37-نیک شهر
6-افلید	22-آشتیان	38-میناب
7-فیروزآباد	23-سربند	39-لامرد
8-نی ریز	24-اردل	40-دامغان
9-برازجان	25-لردگان	41-تویسرکان
10-خورموج	26-کلپبر	42-فردوس
11-ازنا	27-گرمی	43-شهر بابک
12-سلسله	28-هریس	44-بافت
13-دلفان	29-مراغه	45-بیجار
14-تکاب	30-طیس	46-دیواندره
15-خدابنده (گرماب)	31-کاشمر	47-سنقر و کلیائی
16-قیدار	32-گناباد	48-سمیرم

ماده 20 - محرومیت از بعضی یا همه حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در نقطه معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین باید متناسب با جرم و خصوصیات مجرم در مدت معین باشد. در صورتیکه محکوم به تبعید یا اقامت اجباری در نقطه ای یا ممنوعیت از اقامت در نقطه معین در اثنای اجرای حکم، محل را ترک کند و یا به نقطه ممنوعه بازگردد، دادگاه میتواند با پیشنهاد دادرسی مجری حکم، مجازات مذکور را تبدیل به جزای نقدی و یا زندان نماید.

ماده 21 - ترتیب اجرای احکام جزائی و کیفیت زندانها به نحوی است که قانون آئین دادرسی کیفری و سایر قوانین و مقررات تعیین می نماید.

فصل دوم - تخفیف مجازات

ماده 22 - دادگاه میتواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازداده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسبتر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارتند از -

1 - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی 0

2 - اظهارات و راهنمایی های متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اشیائی که از جرم تحصیل شده است موثر باشد.

3 - اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تاثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل - رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.

4 - اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که موثر در کشف جرم باشد.

5 - وضع خاص متهم یا سابقه او

6 - اقدام یا کوشش متهم بمنظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.

تبصره 1 - دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحا" قید کند.

تبصره 2 - در مورد تعدد جرم نیز دادگاه میتواند جهات مخففه را رعایت کند.

تبصره 3 - چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد دادگاه نمیتواند بموجب همان جهات



دوباره مجازات را تخفیف دهد .

ماده 23 - در جرائمی که با گذشت متضرر از جرم تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم موقوف میگردد گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق ترتیب اثر داده نخواهد شد همچنین عدول از گذشته مسموع نخواهد بود . هرگاه متضررین از جرم متعدد باشند تعقیب جزائی با شکایت هریک از آنان شروع می شود ولی موقوفی تعقیب ، رسیدگی و مجازات موکول به گذشت تمام کسانی که شکایت کرده اند است .

تبصره - حق گذشت به وراث قانونی متضرر از جرم منتقل و در صورت گذشت همگی وراث تعقیب ، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف میگردد .

ماده 24 - عفو یا تخفیف مجازات محکومان ، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه بلمقام رهبری است .

فصل سوم - تعلیق اجرای مجازات

ماده 25 - در کلیه محکومیت های تعزیری و بازدارنده حاکم میتواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر از دو پنج سال معلق نماید -

الف - محکوم علیه سابقه محکومیت قطعی به مجازاتهای زیر نداشته باشد -

1 - محکومیت قطعی به حد .

2 - محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو

3 - محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یکسال در جرائم عمدی 0

4 - محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دویلمیلیون ریال 0

5 - سابقه محکومیت قطعی دوبار یا بیشتر بعلت جرمهای عمدی با هر میزان مجازات .

ب - دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند .

تبصره - در محکومیتهای غیر تعزیری و بازدارنده تعلیق جایز نیست مگر در مواردی که شرعا" و قانونا" تعیین شده باشد .

ماده 26 - در مواردیکه جزای نقدی با دیگر تعزیرات همراه باشد جزای نقدی قابل تعلیق نیست .

ماده 27 - قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر خواهد شد و مجرمی که اجرای حکم مجازات حبس او تماما" معلق شده اگر بازداشت باشد به دستور دادگاه فوراً آزاد میگردد .

ماده 28 - دادگاه جهات و موجبات تعلیق و دستورهائیکه باید محکوم علیه در مدت تعلیق از آن تبعیت نماید در حکم خود تصریح و مدت تعلیق را نیز بر حسب نوع جرم و حالات شخصی مجرم و با رعایت مدت مذکور در ماده 25 تعیین می نماید .

ماده 29 - دادگاه با توجه به اوضاع و احوال محکوم علیه و محتویات پرونده میتواند اجرای دستور یا دستورهای ذیل را در مدت تعلیق از محکوم علیه بخواهد و محکوم علیه مکلف به اجرای دستوردادگاه میباشد .

1 - مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود .

2 - خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین 0

3 - اشتغال به تحصیل در يك موسسه فرهنگی 0

4 - خودداری از تجاهر به ارتکاب محرمات و ترك واجبات یا معاشرت با اشخاص ك - ه دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می دهد .

5 - خودداری از رفت و آمد به محلهای معین 0

6 - معرفی خود در مدتها معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می کند .

تبصره - اگر مجرمی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستور دادگاه موضوع این ماده تبعیت ننماید بر حسب درخواست دادستان پس از ثبوت مورد در دادگاه صادر کننده حکم تعلیق ، برای بار اول بمدت تعلیق مجازات او یکسال تا دو سال افزوده می شود و برای بار دوم حکم تعلیق لغو و مجازات او معلق به موقع اجراء گذاشته خواهد شد .

ماده 30 - اجرای احکام جزائی زیر قابل تعلیق نیست -



- 1 - مجازات کسانی که به وارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخدر اقدام و یا به نحوی از انحاء با مرتکبین اعمال مذکور معاونت می نمایند .
 - 2 - مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشاء یا کلاهبرداری یا جعل و یا استفاده از سند مجعول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حد نیست یا آدم ربایی محکوم می شوند .
 - 3 - مجازات کسانی که به نحوی از انحاء با انجام اعمال مستوجب حد ، معاونت می نمایند .
- ماده 31 - تعلیق اجرای مجازاتی که با حقوق الناس همراه است تاثیری در حقوق الناس نخواهد داشت و حکم مجازات در این موارد یا پرداخت خسارت به مدعی خصوصی اجراء خواهد شد .
- ماده 32 - هرگاه محکوم علیه از تاریخ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده 25 نشود محکومیت تعلیقی بی اثر محسوب و از سجل کیفری او محو می شود . برای کلیه محکومین به مجازاتهای معلق باید بلافاصله پس از قطعیت حکم از طرف دادسرای مربوط برگ سجل کیفری تنظیم و به مراجع صلاحیتدار ارسال شود و در هر مورد که در مدت تعلیق تغییری داده شود یا حکم تعلیق مجازات الغاء گردد باید مراتب فوراً برای اثبات در سجل کیفری محکوم علیه به مراجع صلاحیت دار مربوط اعلام شود .
- تبصره - در مواردی که بموجب قوانین استخدامی ، حکمی موجب انفصال است شامل احکام تعلیقی نخواهد بود مگر آنکه در قوانین و یا حکم دادگاه قید شده باشد .
- ماده 33 - اگر کسی که اجرای حکم مجازات او معلق شده در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرم جدیدی که مستوجب محکومیت مذکور در ماده 25 است بشود به محض قطعی شدن دادگاهی که حکم تعلیق مجازات سابق را صادر کرده است یا دادگاه جانشین باید الغاء آن را اعلام دارد تا حکم معلق نیز درباره محکوم علیه اجراء گردد .
- ماده 34 - هرگاه بعد از صدور قرار تعلیق معلوم شود که محکوم علیه دارای سابقه محکومیت به جرائم مسؤوب محکومیت مذکور در ماده 25 بوده و دادگاه بدون توجه به آن اجرای مجازات را معلق کرده است دادستان به استناد سابقه محکومیت از دادگاه تقاضای لغو تعلیق مجازات را خواهد نمود و دادگاه پس از احراز وجود سابقه قرار تعلیق را الغاء خواهد کرد .
- ماده 35 - دادگاه هنگام صدور قرار تعلیق آثار عدم تبعیت از دستورهای صادره را صریحاً قید و اعلام میکند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده 25 شود علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات معلق نیز درباره او اجراء خواهد شد .
- ماده 36 - مقررات مربوط به تعلیق مجازات درباره کسانی که به جرائم عمدی متعدد محکوم می شوند قابل اجراء نیست و همچنین اگر درباره یک نفر احکام قطعی متعددی در مورد جرائم عمدی صادر شده باشد که در بین آنها محکومیت معلق نیز وجود داشته باشد دادستان مجری حکم موظف است فسخ قرار یا قرارهای تعلیق را از دادگاه صادر کننده بخواهد دادگاه نسبت به فسخ قرار یا قرارهای مزبور اقدام خواهد نمود .
- ماده 37 - هرگاه محکوم به حبس که در حال تحمل کیفر است قبل از اتمام مدت حبس مبتلا به جنون شود با استعلام از پزشک قانونی در صورت تأیید جنون ، محکوم علیه به بیمارستان روانی منتقل می شود و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محسوب خواهد شد . در صورت عدم دسترسی به بیمارستان روانی به تشخیص دادستان در محل مناسبی نگهداری میشود .

فصل چهارم - آزادی مشروط زندانیان

- ماده 38 - هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مجازات را گذارنده باشد دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی می تواند در صورت وجود شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر نماید :
- 1 - هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمرا حسن اخلاق نشان داده باشد. 2 - هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد .
 - 3 - هرگاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد یا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رئیس حوزه قضایی تربیتی برای پرداخت داده شده باشد .



تبصره 1 - مراتب مذکور در بندهای 1 و 2 باید مورد تایید رییس زندان محل گذران محکومیت و قاضی ناظر زندان یا رییس حوزه قضایی محل قرار گیرد و مراتب مذکور در بند (3) باید به تایید قاضی مجری حکم برسد .
تبصره 2 - در صورت انحلال دادگاه صادر کننده حکم ، صدور حکم آزادی مشروط از اختیارات دادگاه جانشین است .
تبصره 3 - دادگاه ترتیبات و شرایطی را که فرد محکوم باید در مدت آزادی مشروط رعایت کند از قبیل سکونت در محل معین یا خودداری از سکونت در محل معین یا خودداری از اشتغال به شغل خاص یا معرفی نوبه ای خود به مراکز تعیین شده و امثال آن در متن حکم قید می کند که در صورت تخلف وی از شرایط مذکور یا ارتکاب جرم مجدد بقیه محکومیت وی به حکم دادگاه صادر کننده حکم به مرحله اجرا در می آید . اصلاحی مطابق قانون اصلاح دو ماده و الحاق یک ماده و یک تبصره به قانون مجازات اسلامی مصوب 77

ماده 39 - صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندانها و تایید دادستان یا دادیار ناظر خواهد بود .
ماده 40 - مدت آزادی مشروط بنا به تشخیص دادگاه کمتر از یک سال و زیادتر از پنجسال نخواهد بود .

باب سوم - جرائم

فصل اول - شروع به جرم

ماده 41 - هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود .
تبصره 1 - مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست .
تبصره 2 - کسی که شروع به جرمی کرده است ، به میل خود آن را ترک کند و اقدام انجام شده جرم باشد از موجبات تخفیف مجازات برخوردار خواهد شد .

فصل دوم - شرکاء و معاونین جرم

ماده 42 - هر کس عالماً و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت ، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود . در مورد جرائم غیر عمدی (خطای) که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد مجازات هر یک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود .
تبصره - اگر تاثیر مداخله و مباشرت شریکی در حصول جرم ضعیف باشد دادگاه مجازات او را به تناسب تاثیر عمل او تخفیف میدهد .
ماده 43 - اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرائط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تادیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر ، تعزیر می شوند :
1 - هرکس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا بوسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود .
2 - هر کس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد .
3 - هرکس عالماً ، عامداً وقوع جرم را تسهیل کند .
تبصره 1 - برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و توهم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است .
تبصره 2 - در صورتیکه فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد و یا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد ، تاثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت .
ماده 45 - سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت در جرم باشد از علل مشدده مجازات است .



فصل سوم - تعدد جرم

ماده 46 - در جرائم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد مجازات جرمی داده می شود که مجازات آن اشد است .

ماده 47 - درمورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابي مختلف باشد باید برای هر يك از جرائم مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط يك مجازات تعیین میگردد و دراین قسمت تعددجرم می تواند از علل مشدده کیفر باشد و اگر مجموع جرائم ارتكابي در قانون عنوان جرم خاصی داشت باشد مرتكب به مجازات مقرر در قانون محكوم می گردد . تبصره - حکم تعدد جرم در حدود و قصاص و دیات همان است که در ابواب مربوطه ذکر شده است .

فصل چهارم - تکرار جرم

ماده 48 - هر کس بموجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری و یا باز دارنده محكوم شود ، چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتكب جرم قابل تعزیر گردد دادگاه میتواند در صورت لزوم مجازت تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید . تبصره - هرگاه حین صدور حکم محکومیتهاي سابق مجرم معلوم نباشد و بعداً معلوم شود دادستان مراتب را به دادگاه صادر کننده حکم اعلام می کند در اینصورت اگر دادگاه محکومیتهاي سابق را محرز دانست می تواند طبق مقررات این ماده اقدام نماید .

ماده 48 مکرر- کسانی که به دلیل ارتكاب جرم عمدي حداقل دو بار سابقه محکومیت مؤثر داشته باشند در صورت ارتكاب جرم عمدي دیگر، دادگاه رسیدگی کننده ضمن صدور حکم می تواند به تناسب سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی و شخصیت محکومان و علل وقوع جرم، آنان را برای مدتی که از دو سال متجاوز نباشد به اجراء يك یا چند دستور از دستورات موضوع ماده (29) این قانون ملزم نماید.

تبصره 1- دادگاه می تواند اجراء دستورات مورد حکم را حسب مورد به سازمان بهزیستی یا سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی و یا نیروی انتظامی محول نماید.

تبصره 2- در صورتی که محكوم علیه بدون عذر موجه از اجراء دستور دادگاه تخلف نماید در نوبت اول تا شش ماه به مدت اجراء دستور افزوده خواهد شد و در صورت تکرار تخلف، باقیمانده مدت به حبس تبدیل می شود. الحاقی به موجب قانون الحاق يك ماده به قانون مجازات اسلامی در خصوص نحوه نظارت بر مجرمین سابقه دار مصوب 1387

قانون الحاق يك ماده به قانون مجازات اسلامی در خصوص

نحوه نظارت بر مجرمین سابقه دار مصوب 87/2/17

ماده واحده - متن زیر به عنوان ماده (48) مکرر به قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 الحاق میشود.

ماده 48 مکرر - کسانی که به دلیل ارتكاب جرم عمدي حداقل دو بار سابقه محکومیت مؤثر داشته باشند در صورت ارتكاب جرم عمدي دیگر، دادگاه رسیدگی کننده ضمن صدور حکم میتواند به تناسب سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی و شخصیت محکومان و علل وقوع جرم، آنان را برای مدتی که از دو سال متجاوز نباشد به اجراء يك یا چند دستور از دستورات موضوع ماده (29) این قانون ملزم نماید.

تبصره 1 - دادگاه میتواند اجراء دستورات مورد حکم را حسب مورد به سازمان بهزیستی یا سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی و یا نیروی انتظامی محول نماید.

تبصره 2 - در صورتی که محكوم علیه بدون عذر موجه از اجراء دستور دادگاه تخلف نماید در نوبت اول تا شش ماه به مدت اجراء



دستور افزوده خواهد شد و در صورت تکرار تخلف، باقیمانده مدت به حبس تبدیل میشود.
تبصره 3 - دستور دادگاه از حیث قابلیت اعتراض تابع حکم اصلی است.

باب چهارم - حدود مسئولیت جزائی

ماده 49 - اطفال در صورت ارتکاب جرم میرا از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه بعهدہ سرپرست اطفال و عندالافتضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد .

تبصره 1 - منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد .

تبصره 2 - هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان ومصلحت باشد .

ماده 50 - چنانچه غیر بالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب شود عاقله ضامن است لکن در مورد اتلاف مال اشخاص خود طفل ضامن است و اداء آن از مال طفل به عهده ولی طفل می باشد .

ماده 51 - جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است .

تبصره 1 - در صورتیکه تادیب مرتکب موثر باشد به حکم دادگاه تادیب می شود .

تبصره 2 - در جنون ادواری شرط رفع مسئولیت کیفری جنون در حین ارتکاب جرم است .

ماده 52 - هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون بوده و یا پس از حدوث جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت باشد به دستور دادستان تا رفع حالت مذکور در محل مناسبی نگه - داری خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان پذیر است . شخص نگهداری شده و یا کسانش می توانند به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد مراجعه و به این دستور اعتراض کنند ، در اینصورت دادگاه در جلسه اداری با حضور معترض و دادستان و یا نماینده او موضوع را با جلب نظرمتخصص خارج از نوبت رسیدگی کرده و حکم مقتضی در مورد آزادی شخص نگهداری شده یا تایید دستور دادستان صادر می کند . این رای قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا کسانش هرگاه علائم بهبودی را شماهد کرده اند حق اعتراض به دستور دادستان را دارند .

ماده 53 - اگو کسی بر اثر شرب خمر ، مسلوب الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد .

ماده 54 - در جرائم موضوع مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عاده قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد . در این مورد اجبار کننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرایط وامکانات خاطی و دفعات ومراتب جرم ومراتب تادیب ازوعظ و توبیخ و تهدید ودرجات تعزیرمحکوم می گردد .

ماده 55 - هرکس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی ، سیل و طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتکابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد .

تبصره - دیه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثنی است .

ماده 56 - اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب نمی شود .

1 - در صورتی که ارتکاب عمل به امر آمر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد .

2 - در صورتیکه ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم لازم باشد .

ماده 57 - هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند ولی ماموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصویراینکه قانونی است اجراء کرده باشد ، فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد .

ماده 58 - هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر موردخاص ، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی

گردددرمورد ضرر مادی در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتك حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام



شود .

ماده 59 - اعمال زیر جرم محسوب نمی شود :

1 - اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و مجبورین که به منظور تادیب یا حفاظت آنها انجام شود مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف ، تادیب و محافظت باشد .

2 - هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نخواهد بود .

3 - حوادث ناشی از علمیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد .

ماده 60 - چنانچه طبیب قبل از شروع درمان یا اعمال جراحی از مریض یا ولی او برای حاصل نموده باشد ضامن خسارت جانی ، یا مالی نقض عضو نیست و در موارد فوری که اجازه گرفتن ممکن نباشد طبیب ضامن نمی باشد .

ماده 61 - هرکس در مقام دفاع از نفس یا عرض و یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود -

1 - دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد .

2 - عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد .

3 - توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود .

تبصره - وقتی دفاع از نفس و یا ناموس و یا عرض و یا مال و یا آزادی تن دیگری جایز است که او ناتوان از دفاع بوده و نیاز به کمک داشته باشد .

ماده 62 - مقاومت در برابر قوای تأمین و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند ، دفاع محسوب نمی شود ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آن موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد ، در این صورت دفاع جایز است .

3 - متن زیر به عنوان ماده 62 مکرر به قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 اضافه می شود :

ماده 62 مکرر - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به شرح ذیل ، محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می نماید و پس از انقضا مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می گردد :

1 - محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد ، پنج سال پس از اجرای حکم .

2 - محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد ، یک سال پس از اجرای حکم .

3 - محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال ، دو سال پس از اجرای حکم .

تبصره 1 - حقوق اجتماعی عبارتست از حقوقی که قانونگذاری برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو و حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می باشد از قبیل :

الف - حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی و خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن ریاست جمهوری .

ب - عضویت در کلیه انجمنها و شوراهای جمعیتهایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می شوند .

ج - عضویت در هیاتهای منصفه و امانا .

د - اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه نگاری .

هـ - استخدام در وزارتخانه ها ، سازمانهای دولتی ، شرکتها ، موسسات وابسته به دولت شهرداریها ، موسسات مأمور به خدمات عمومی ، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی .

و - وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر یاری .

ز - انتخاب شدن به سمت داور و کارشناسی در مراجع رسمی .

ح - استفاده از نشان و مدالهای دولتی و عناوین افتخاری .

تبصره 2 - چنانچه اجرای مجازات اعدام به جهتی از جهات متوقف شود در این صورت آثار تبعی آن پس از انقضای هفت سال از تاریخ



توقف اجرای حکم رفع می شود .

تبصره 3 - در مورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی اجرای مجازات موقوف شود اثر محکومیت کیفری زایل میگردد .

تبصره 4 - عفو مجرم موجب زوال آثار مجازات نمی شود مگر این که تصریح شده باشد .

تبصره 5 - در مواردی که عفو مجازات آثار کیفری را نیز شامل می شود همچنین در آزادی مشروط ، آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم علیه رفع میگردد . الحاقی مطابق قانون اصلاح دو ماده و الحاق یک ماده و یک تبصره به قانون مجازات اسلامی مصوب 77

کتاب دوم

حدود

باب اول - حد زنا

فصل اول - تعریف وموجبات حد زنا

ماده 63 - زنا عبارت از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در دبر باشد ، در غیر موارد و طی شبهه .

ماده 64 - زنا در صورتی موجب حدمی شود که زانی یا زانیه بالغ و عاقل و مختار بوده و به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشد .

ماده 65 - هرگاه زن یا مردی حرام بودن جماع با دیگری را بداند و طرف مقابل از این امر آگاه نباشد و گمان کند ارتکاب این عمل برای او جائز است فقط طرفی که آگاه بوده است محکوم به حد زنا می شود .

ماده 66 - هر گاه مرد یا زنی که با هم جماع نموده اند ادعای اشتباه و ناآگاهی کند در صورتی که احتمال صدوق مدعی داده شود ، ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته می شود وحد ساقط می گردد .

ماده 67 - هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که به زناکراه شده است ، ادعای او در صورتی که یقین برخلاف آن نباشد قبول می شود .

فصل دوم - راههای ثبوت زنا در دادگاه

ماده 68 - هرگاه مرد یا زنی در چهار بار نزد حاکم اقراریه زنا کند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر می شود .

ماده 69 - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف بلوغ - عقل - اختیار - قصد باشد .

ماده 70 - اقرار باید صریح یا بطوری ظاهر باشد که احتمال عقلایی خلاف در آن داده نشود .

ماده 71 - هر گاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید در صورتی که اقرار به زنائی باشد که موجب قتل یا رجم است با انکار بعدی حد رجم و قتل ساقط می شود ، در غیر این صورت با انکار بعد از اقرار حد ساقط نمی شود .

ماده 72 - هرگاه کسی به زنائی که موجب حد است اقرار کند و بعد توبه نماید ، قاضی میتواند تقاضای عفو او را از ولی امر بنماید و یا حد را بر او جاری نماید .

ماده 73 - زنی که همسر ندارد به صرف بارداری شدن مورد حد قرار نمی گیرد ، مگر آنکه زنی او با یکی از راههای مذکور در این قانون ثابت شود .

ماده 74 - زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم باشد چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می شود .

ماده 75 - در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می شود .

ماده 76 - شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت یک مرد عادل زنا را ثابت نمی کند بلکه در مورد شهود مذکور قذف طبق احکام قذف جاری می شود .

ماده 77 - شهادت شهود باید روشن و بدون ابهام و مستند به مشاهده باشد و شهادت حدسی معتبر نیست .

ماده 78 - هرگاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند این خصوصیات باید از لحاظ زمان و مکان و مانند آنها اختلاف نداشته باشند . در صورت اختلاف بین شهود علاوه بر اینکه زنا ثابت نمی شود شهود نیز به حد قذف محکوم می گردند .

ماده 79 - شهود باید بدون فاصله زمانی یکی پس از دیگری شهادت دهند ، اگر بعضی از شهود شهادت بدهند و بعضی دیگر بلافاصله



برای ادای شهادت حضور پیدانکنند ، یا شهادت ندهند زنا ثابت نمی شود در این صورت شهادت دهنده مورد حد قذف قرار می گیرد .
ماده 80 - حد زنا جز در موارد مذکور در مواد آتی باید فوراً جاری گردد .
ماده 81 - هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید ، حد از اوساقت می شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی شود .

فصل سوم - اقسام حدزنا

ماده 82 - حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن و غیر محصن نیست .

الف - زنا با محارم نسبی 0

ب - زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است .

ج - زنا با غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است .

د - زنا با عفت و اکراه که موجب قتل زانی اکراه کننده است .

ماده 83 - حد زنا در موارد زیر رجم است -

الف - زنا با مرد محصن ، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می تواند به او جماع کند .

ب - زنا با زن محصنه با مرد بالغ ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جمع با شوهر را نیز داشته باشد .

تبصره - زنا با زن محصنه با نابالغ موجب حد تازیانه است .

ماده 84 - بر پیرمرد یا پیرزن زانی که دارای شرایط احسان باشند قبل از رجم ، حد جلد جاری می شود .

ماده 85 - طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایام عده ، مرد یا زن را از احسان خارج نمی کند ولی طلاق بائن آنها را از احسان خارج می نماید .

ماده 86 - زنا با مرد یا زنی که هر یک همسر دائمی دارد ولی به واسطه مسافرت یا حبس و مانند آنها از عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد ، موجب رجم نیست .

ماده 87 - مرد متأهلی که قبل از دخول مرتکب زنا شود به حد جلد و تراشیدن سر و تبعید به مدت یکسال محکوم خواهد شد .

ماده 88 - حد زنا با مردی که واجد شرایط احسان نباشند صد تازیانه است .

ماده 89 - تکرار زنا قبل از اجراء حد در صورتی که مجازاتها از یکنوع باشد موجب تکرار حد نمی شود ولی اگر مجازاتها از یک نوع نباشد مانند آنکه بعضی از آنها موجب جلد بوده و بعضی دیگر موجب رجم باشد ، قبل از رجم زانی حد جلد بر او جاری می شود .

ماده 90 - هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود .

ماده 91 - در ایام بارداری و نفاس زن حد قتل یا رجم بر او جاری نمی شود ، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود حد جاری نمی شود ، ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود حد جاری می گردد .

ماده 92 - هرگاه در اجراء حد جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد اجراء حد تارفع بیم ضرریه تاخیر می افتد .

تبصره - حیض مانع اجراء حد نیست .

ماده 94 - هرگاه امید به بهبودی مریض نباشد یا حاکم شرع مصلحت بداند که در حال مرض حد جاری شود یک دسته تازیانه یا ترکه که مشتمل بر صد واحد باشد ، فقط یکبار به او زده می شود هر چند همه آنها به بدن محکوم نرسند .

ماده 95 - هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی شود .

ماده 96 - حد جلد را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود .

ماده 97 - حد را نمی شود در سرزمین دشمنان اسلام جاری کرد .

فصل چهارم - کیفیت اجراء حد



- ماده 98 - هرگاه شخصی محکوم به چند حد شود اجرای آنها باید به ترتیبی باشد که هیچکدام از آنها زمینه دیگری را از بین نبرد ، بنابراین اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود اول حد جلد وبعد حد رجم را جاری ساخت .
- ماده 99 - هرگاه زناي شخصی که دارای شرایط احسان است با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم ، اول حاکم شرع سنگ می زند بعداً دیگران ، و اگر زناي او به شهادت شهود ثابت شده باشد اول شهود سنگ می زنند بعداً حاکم و سپس دیگران .
- تبصره - عدم حضور یا اقدام حاکم و شهود برای زدن اولین سنگ مانع اجرای حد نیست و در هر صورت حد باید اجراء شود .
- ماده 100 - حد جلد مرد زناي باید ایستاده و در حالی اجراء گردد که پوشاکی جز ساتر عورت نداشته باشد . تازیانه به شدت به تمام بدن وی غیر از سر و صورت و عورت زده می شود تازیانه را به زن زناي در حالی می زنند که زن نشسته و لباسهای او به بدنش بسته باشد .
- ماده 101 - مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجراء حد آگاه سازد و لازم است عده ای از مومنین که سه نفر کمتر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند .
- ماده 102 - مرد را هنگام رجم تانزدیکی کمر و زن را تانزدیکی سینه در گودال دفن می کنند آنگاه رجم می نمایند .
- ماده 103 - هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتی که زناي او به شهادت ثابت شده برای اجرای حد برگردانده می شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی شود .
- تبصره - اگر کسی که محکوم به جلد باشد فرار کند در هر حال برای اجرای حد برگردانده می شود .
- ماده 104 - بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با اصالت يك یا دو عدد شخص کشته شود همچنین کوچکی آن نباید به اندازه ای باشد که نام سنگ بر آن صریح نکند .
- ماده 105 - حاکم شرع می تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند ، اجرای حد در حق الله متوقف به درخواست کسی نیست ولی در حق الناس اجراء حد موقوف به درخواست صاحب حق می باشد .
- ماده 106 - زنا در زمانهای متبرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکانهای شریف چون مساجد علاوه بر حد موجب تعزیر است .
- ماده 107 - حضور شهود هنگام اجرای حد رجم لازم است ولی با غیبت آنان حد ساقط نمی شود اما با فرار آنها حد ساقط می شود .

باب دوم - حد لواط

فصل اول - تعریف و موجبات حد لواط

- ماده 108 - لواط وطی انسان مذکر است چه بصورت دخول باشد یا تفخیز .
- ماده 109 - فاعل و مفعول لواط هر دو محکوم به حد خواهند شد .
- ماده 110 - حد لواط در صورت دخول قتل است و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است .
- ماده 111 - لواط در صورتی موجب قتل می شود که فاعل و مفعول بالغ و عاقل و مختار باشند .
- ماده 112 - هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند فاعل کشته می شود و مفعول اگر مکره نباشد تا 74 ضربه شلاق تعزیری می شود .
- ماده 113 - هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند تا 74 ضربه شلاق تعزیر می شوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد .

فصل دوم - راههای ثبوت لواط در دادگاه

- ماده 114 - حد لواط با چهار بار اقرار نزد حاکم شرع نسبت به اقرار کننده ثابت می شود .
- ماده 115 - اقرار کمتر از چهار بار موجب حد نیست و اقرار کننده تعزیر می شود .
- ماده 116 - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ ، عاقل مختار و دارای قصد باشد .
- ماده 117 - حد لواط با شهادت چهار مرد عادل که آن را مشاهده کرده باشند ثابت می شود .
- ماده 118 - با شهادت کمتر از چهار مرد عادل لواط ثابت نمی شود و شهود به حد قذف محکوم می شوند .



- ماده 119 - شهادت زنان به تنهائي يا به ضميمه مرد ، لواط را ثابت نمي كند .
- ماده 120 - حاكم شرع مي تواند طبق علم خود كه از طرق متعارف حاصل شود ، حكم كند .
- ماده 121 - حد تفخيذ و نظاير آن بين دو مرد بدون دخول براي هر يك صد تازيانه است .
- تبصره - در صورتي كه فاعل غير مسلمان و مفعول مسلمان باشد حداقل قتل است .
- ماده 122 - اگر تفخيذ و نظاير آن سه بار تكرر و بعد از هر بار جاري شود در مرتبه چهارم حد آن قتل است .
- ماده 123 - هرگاه دو مرد كه با هم خويشاوندي نسبي نداشته باشند بدون ضرورت در زير يك پوشش بطور برهنه قرار گيرند هر دو تا 99 ضربه شلاق تعزير مي شوند .
- ماده 124 - هرگاه كسي ديگري را از روي شهوت ببوسد تا 60 ضربه شلاق تعزير مي شود .
- ماده 125 - كسي كه مرتكب لواط يا تفخيذ و نظاير آن شده باشد اگر قبل از شهادت شهود توبه كند حد او ساقط مي شود و اگر بعد از شهادت توبه نمايد حد او ساقط نمي شود .
- ماده 126 - اگر لواط و تفخيذ و نظائر آن با اقرار شخص ثابت شده باشد و پس از اقرار توبه كند قاضي مي تواند از ولي امر تقاضاي عفو نمايد .

باب سوم - مساحقه

- ماده 127 - مساحقه ، همجنس بازي زنان است با اندام تناسلي 0
- ماده 128 - راههاي ثبوت مساحقه در دادگاه همان راههاي ثبوت لواط است .
- ماده 129 - حد مساحقه براي هر يك از طرفين صد تازيانه است .
- ماده 130 - حد مساحقه درباره كسي ثابت مي شود كه بالغ ، عاقل ، مختار و داراي قصد باشد .
- تبصره - در حد مساحقه فرقي بين فاعل و مفعول و همچنين فرقي بين مسلمان و غيرمسلمان نيست .
- ماده 131 - هرگاه مساحقه سه بار تكرر شود و بعد از هر بار حد جاري گردد در مرتبه چهارم حد آن قتل است .
- ماده 132 - اگر مساحقه كننده قبل از شهادت شهود توبه كند حد ساقط مي شود اما توبه بعد از شهادت موجب سقوط حد نيست .
- ماده 133 - اگر مساحقه با اقرار شخص ثابت شود و وي پس از اقرار توبه كند قاضي مي تواند از ولي امر تقاضاي عفو نمايد .
- ماده 134 - هرگاه دو زن كه با هم خويشاوندي نسبي نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زير يك پوشش قرار گيرند به کمتر از صد تازيانه تعزير مي شوند . در صورت تكرر اين عمل و تكرر تعزير در مرتبه سوم به هر يك صد تازيانه زده مي شود .

باب چهارم - قوادي

- ماده 135 - قوادي عبارتست از جمع و مرتبط كردن دو نفر يابيشتر براي زنا يا لواط .
- ماده 136 - قوادي با دو بار اقرار ثابت مي شود به شرط آنكه اقرار كننده بالغ و عاقل و مختار و داراي قصد باشد .
- ماده 137 - قوادي با شهادت دو مرد عادل ثابت مي شود .
- ماده 138 - حد قوادي براي مرد هفتاد و پنج تازيانه و تبعيد از محل به مدت 3 ماه تا يكسال است و براي زن فقط هفتاد و پنج تازيانه است .

باب پنجم - قذف

- ماده 139 - قذف نسبت دادن زنا يا لواط است به شخص ديگري 0
- ماده 140 - حد قذف براي قذف كننده مرد يازن هشتاد تازيانه است .
- تبصره 1 - اجراي حد قذف منوط به مطالبه مقذوف است .
- تبصره 2 - هرگاه كسي امري غير از زنا يا لواط ، مانند مساحقه و ساير كارهاي حرام را به شخصي نسبت دهد به شلاق تا 74 ضربه محكوم خواهد شد .
- ماده 141 - قذف بايد روشن و بدون ابهام بوده و نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه باشد ، گرچه شنونده معنای آن را نداند .



- ماده 142 - هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید تو فرزند من نیستی محکوم به حد قذف می شود همچنین اگر کسی به فرزند مشروع دیگری بگوید تو فرزند او نیستی محکوم به حد قذف خواهد شد .
- تبصره - در موارد ماده فوق هرگاه قرینه ای در بین باشد که منظور قذف نیست حد ثابت نمی شود .
- ماده 143 - هرگاه کسی به شخصی بگوید که تو با فلان زن زنا کرده ای یا با فلان مرد لواط نموده ای نسبت به مخاطب قذف خواهد بود و گوینده محکوم به حد قذف می شود .
- ماده 144 - هرگاه کسی به قصد نسبت دادن زنا به شخصی مثلاً "چنین گوید (زن قحبه) یا خواهر قحبه یا مادر قحبه نسبت به کسی که زنا را به او نسبت داده است محکوم به حد قذف می شود و نسبت به مخاطب که به واسطه این دشنام اذیت شده است تا 74 ضربه شلاق تعزیری می شود .
- ماده 145 - هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی موجب محکومیت گوینده به شلاق تا 74 ضربه می شود .
- ماده 146 - قذف در مواردی موجب حد می شود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد ، در صورتیکه قذف کننده و یا قذف شونده فاقد یکی از اوصاف فوق باشند حد ثابت نمی شود .
- ماده 147 - هرگاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند به نظر حاکم تادیب می شوند و هرگاه يك فرد بالغ و عاقل شخص نابالغ یا غیر مسلمان را قذف کند تا 74 ضربه شلاق تعزیر می شود .
- ماده 148 - اگر قذف به آنچه به او نسبت داده شده است تظاهر نماید قذف کننده حد و تعزیر ندارد .
- ماده 149 - هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد می شوند .
- تبصره - اگر پدر یا جد پدری فرزندش را قذف کند تعزیری می شود .
- ماده 150 - هرگاه مردی همسر متوفی خود را قذف کند و آن زن جز فرزند همان مرد وارثی نداشته باشد حد ثابت نمی شود اما اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد ، حد ثابت می شود .
- ماده 151 - هرگاه شخصی چند نفر را بطور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر يك جداگانه حد بر او جاری می شود خواه همگی با هم مطالبه حد کنند ، خواه بطور جداگانه .
- ماده 152 - هرگاه شخصی چند نفر را به يك لفظ قذف نماید اگر هر کدام از آنها جداگانه خواهان حد شوند برای قذف هر يك از آنها حد جداگانه ای جاری می گردد ولی اگر با هم خواهان حد شوند فقط يك حد ثابت می شود .
- ماده 153 - قذف با دوبرابر اقرار یا با شهادت دو مرد عادل اثبات می شود .
- ماده 154 - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد .
- ماده 155 - تازیانه بر روی لباس متعارف و بطور متوسط زده می شود .
- ماده 156 - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت قذف کننده زد .
- ماده 157 - هرگاه کسی چند بار اشخاص را قذف کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود .
- ماده 158 - هرگاه قذف کننده بعد از اجراء حد بگوید آنچه گفتم حق بوده تا 74 ضربه شلاق تعزیر می شود .
- ماده 159 - هرگاه یک نفر را چند بار به يك سبب مانند زنا قذف کند فقط يك حد ثابت می شود .
- ماده 160 - هرگاه یک نفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف کند چند حد ثابت می شود .
- ماده 161 - حد قذف در موارد زیر ساقط می شود -
- 1 - هرگاه قذف شونده ، قذف کننده را تصدیق نماید .
 - 2 - هرگاه شهود با نصاب معتبر آن به چیزی که مورد قذف است شهادت دهند .
 - 3 - هرگاه قذف شونده یا همه ورثه او قذف کننده را عفو نمایند .
 - 4 - هرگاه مردی زنش را پس از قذف لعان کند .
- ماده 162 - هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانچ و خواه مختلف باشد حد ساقط و هر يك تا 74 ضربه شلاق تعزیر می شوند .
- ماده 163 - حد قذف اگر اجراء یا عفو نشود به وراث منتقل می گردد .



ماده 164 - حق مطالبه حد قذف به همه وارثان بجز زن و وشوهر منتقل مي شوند و هر يك از ورثه مي توانند آن را مطالبه كنند هر چند ديگران عفو کرده باشند .

باب ششم - حد مسكر

فصل اول - موجبات حد مسكر

ماده 165 - خوردن مسكر موجب حد است . اعم از آنكه كم باشد يا زياد ، مست كند يا نكند ، خالص يا مخلوط باشد به حدي كه آنرا از مسكر بودن خارج نكند .

تبصره 1 - آب جو در حكم شراب است ، گرچه مست كننده نباشد و خوردن آن موجب حد است .
تبصره 2 - خوردن آب انگوري كه خود بجوش آمده يا بوسيله آتش يا آفتاب ومانند آن جوشاننده شده است حرام است اماموجب حدنمي باشد .

فصل دوم - شرايط حد مسكر

ماده 166 - حد مسكر بر كسي ثابت مي شود كه بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسكر بودن و حرام بودن آن باشد .
تبصره 1 - در صورتي كه شراب خورده مدعي جهل به حكم يا موضوع باشد و صحت دعواي وي محتمل باشد محكوم به حد نخواهد شد .

تبصره 2 - هرگاه كسي بداند كه خوردن شراب حرام است و آن را بخورد محكوم به حد خواهد شد گرچه نداندكه خوردن آن موجب حدمي شود .

ماده 167 - هرگاه كسي مضطر شود كه براي نجات از مرگ يا جهت درمان بيماري سخت به مقدار ضرورت شراب بخورد محكوم به حد نخواهد شد .

ماده 168 - هرگاه كسي دوبار اقرا ركنند كه شراب خورده است محكوم به حد مي شود .

ماده 169 - اقرار در صورتي نافذ است كه اقراركننده بالغ ، عاقل مختار و داراي قصد باشد .

ماده 170 - در صورتي كه طريق اثبات شرب خمر شهادت باشد ، فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت مي شود .

ماده 171 - هرگاه يكي از دو مرد عادل شهادت دهد كه شخصي شراب خورده وديگري شهادت دهد كه او شراب قي کرده است حد ثابت مي شود .

ماده 172 - درشهادت به شرب مسكر لازم است از لحاظ زمان يا مكان و مانند آن اختلافي نباشد ولي در صورتي كه يكي به شرب اصل مسكرو ديگري به شرب نوعي خاص از آن شهادت دهد حد ثابت مي شود .

ماده 173 - اقرار يا شهادت در صورتي موجب حد مي شود كه احتمال عقلائي بر معذور بودن خورنده مسكر دربين نباشد .

ماده 174 - حد شرب مسكر براي مرد و يا زن ، هشتادتازيانه است .

تبصره - غير مسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسكر به هشتادتازيانه محكوم مي شود .

ماده 175 - هر كس به ساختن ، تهيه ، خريد ، فروش ، حمل و عرضه مشروبات الكلبي مبادرت كند به 6ماه تا 2 سال حبس محكوم مي شود ويا در اثر ترغيب يا تظميع و نيرنگ ، وسايل استفاده از آن را فراهم نمايد در حكم معاون در شرب مسكرات محسوب مي گردد و به تازيانه تا 74 ضربه محكوم مي شود .

فصل سوم - كيفيت اجراء حد

ماده 176 - مرد را در حالي كه ايستاده باشد و پوشاكي غير از ساتر عورت نداشته باشد و زن را در حاليكه نشسته و لباسهايش به بدن او بسته باشد تازيانه مي زنند .

تبصره - تازيانه را نبايد به سر و صورت و عورت محكوم زد .



- ماده 177 - حد وقت جاري مي شود که محکوم از حال مستي بيرون آمده باشد .
- ماده 178 - هرگاه کسی چند بار مسکر بخورد و حد بر او جاري نشود براي همه آنها يك حد کافي است .
- ماده 179 - هرگاه کسی چند بار شرب مسکر بنمايد و بعد از هربار حد بر او جاري شود در مرتبه سوم کشته مي شود .
- ماده 180 - هر گاه محکوم به حد ديوانه يا مرتد شود حد از اوساقت نمي شود .

فصل چهارم - شرايط سقوط حد مسکر يا عفو از آن

- ماده 181 - هرگاه کسی که شراب خورده قبول از اقامه شهادت توبه نمايد حد از او ساقط مي شود ولي توبه بد از اقامه شهادت موجب سقوط حد نيست .
- ماده 182 - هرگاه کسی بعد از اقرار به خوردن مسکر توبه کند قاضي مي تواند از ولي امر تقاضي عفو نمايد يا حد را بر او جاري کند .

باب هفتم - محاربه و افساد في الارض

فصل اول - تعاريف

- ماده 183 - هر کسی که براي ايجاد رعب و هراس و سلب آزادي و امنيت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد في الارض مي باشد .
- تبصره 1 - کسی که به روي مردم سلاح بکشد ولي در اثر ناتواني موجب هراس هيچ فردي نشود محارب نيست .
- تبصره 2 - اگر کسی سلاح خود را با انگيزه عدوات شخصي به سوي يك يا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومي نداشته باشد محارب محسوب نمي شود .
- تبصره 3 - بين سلاح سرد و گرم فرقي نيست .
- ماده 184 - هر فرد يا گروهی که براي مبارزه با محاربان و از بين بردن فساد در زمين دست به اسلحه برند محارب نيستند .
- ماده 185 - سارق مسلح و قطاع الطريق هرگاه با اسلحه امنيت مردم يا جاده را بر هم بزند و رعب و وحشت ايجاد کند محارب است .
- ماده 186 - هر گروه يا جمعيت متشکل که در برابر حکومت اسلامي قيام مسلحانه کند مادام که مرکزيت آنها باقي است تمام اعضا و هوا داران آن ، که موضع آن گروه يا جمعيت يا سازمان را مي دانند و به نحوي در پيشبرد اهداف آن فعاليت و ت - لاش موثر دارند محاربند اگر چه در شاخه نظامي شرکت نداشته باشند .
- تبصره - جبهه متحدي که از گروهها و اشخاص مختلف تشکيل شود ، در حکم يك واحد است .
- ماده 187 - هر فرد يا گروه که طرح براندازي حکومت اسلامي را بريزد و براي اين منظور اسلحه و مواد منفجره تهيه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختيار امکانات مالي موثر و وسايل و اسباب کار و سلاح در اختيار آنها بگذارند محارب و مفسد في الارض مي باشند .
- ماده 188 - هرکس در طرح براندازي حکومت اسلامي خود را نامزد يکي از پستهاي حساس حکومت کودتا نمايد و نامزدي او در تحقق کودتا بنحوي موثر باشد ، (محارب) و (مفسد في الارض) است .

فصل دوم - راههاي ثبوت محاربه و افساد في الارض

- ماده 189 - محاربه و افساد في الارض از راههاي زير ثابت مي شود -
- الف - با يك بار اقرار بشرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و اقرار او با قصد و اختيار باشد .
- ب - با شهادت فقط دو مرد عادل 0
- تبصره 1 - شهادت مردمي که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته اند به نفع همديگر پذيرفته نيست .
- تبصره 2 - هرگاه عده اي مورد تهاجم محاربان قرار گرفته باشند شهادت اشخاصي که بگويند به ما آسيبي نرسيده نسبت به ديگران پذيرفته است .
- تبصره 3 - شهادت اشخاصي که مورد تهاجم قرار گرفته اند اگر بمنظور اثبات محارب بودن مهاجمين باشد و شکايت شخصي نباشد ،



پذیرفته است .

فصل سوم - حد محاربه و افساد في الاررض

ماده 190 - حد محاربه و افساد في الاررض يكي از چهار چيز است .

1 - قتل - 2 - آويختن به دار 3 - اول قطع دست راست و سپس پاي چپ 4 - نفي بلد .

ماده 191 - انتخاب هر يك از اين امور چهارگانه به اختيارقاضي است خواه محارب كسي را كشته يا مجروح کرده يا مال او را گرفته باشد و خواه هيچيك از اين كارها را انجام نداده باشد .

ماده 192 - حد محاربه و افساد في الاررض با عفو صاحب حق ساقط نمي شود .

ماده 193 - مدت تبعيد در هر حال کمتر از يكسال نيست اگر چه بعد از دستگيري توبه نمايد و در صورتي كه توبه نمايد همچنان در تبعيد باقي خواهد ماند .

ماده 195 - مصلوب كردن مفسد و محارب بصورت زير انجام مي گردد -

الف - نحوه بستن موجب مرگ او نگردد .

ب - بيش از سه روز بر صليب نماند ولي اگر در اثناي سه روز بميرد ميتوان او را پائين آورد .

ج - اگر بعد از سه روز زنده بماند نبايد او را كشت .

ماده 196 - بریدن دست راست و پاي چپ مفسد و محارب به همان گونه اي است كه در (حد سرقت) عمل مي شود .

باب هشتم - حد سرقت

فصل اول - تعريف و شرايط

ماده 197 - سرقت عبارت است از ربودن مال ديگري بطور پنهاني 0

ماده 198 - سرقت در صورتي موجب حد مي شود كه داراي كلييه شرايط و خصوصيات زير باشد -

1 - سارق به حد بلوغ شرعي رسیده باشد .

2 - سارق در حال سرقت عاقل باشد .

3 - سارق با تهديد و اجبار وادار به سرقت نشده باشد .

4 - سارق قاصد باشد .

5 - سارق بداند و ملتفت باشد كه مال غير است .

6 - سارق بداند و ملتفت باشد كه ربودن آن حرام است .

7 - صاحب مال ، مال را در حرز قرار داده باشد .

8 - سارق به تنهائي يا با كمك ديگري هتك حرز کرده باشد .

9 - به اندازه نصاب يعني 4/5 نخود طلاي مسكوك كه بصورت پول معامله مي شود يا ارزش آن به آن مقدار باشد در هربار سرقت شود .

10 - سارق مضطربباشد .

11 - سارق پدر صاحب مال نباشد .

12 - سرقت در سال قحطي صورت نگرفته باشد .

13 - حرز و محل نگهداري مال ، از سارق غصب نشده باشد .

14 - سارق مال را به عنوان دزدي برداشته باشد .

15 - مال مسروق در حرز متناسب نگهداري شده باشد .

16 - مال مسروق از اموال دولتي و وقف و مانند آن كه مالك شخصي ندارد نباشد .



- تبصره 1 - حرز عبارت است از محل نگهداری مال بمنظور حفظ از دستبرد .
- تبصره 2 - بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه یا طفل غیر ممیز و حیوانات و امثال در حکم مباشرت است .
- تبصره 3 - هرگاه سارق قبل از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر شود حد بر او جاری نمی شود .
- تبصره 4 - هرگاه سارق پس از سرقت ، مال را تحت ید مالک قرار داده باشد موجب حد نمی شود .

فصل دوم - راههای ثبوت سرقت

فصل 199 - سرقتی که موجب حد است با یکی از راههای زیر ثابت می شود -

- 1 - شهادت دو مرد عادل 0
- 2 - دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی ، بشرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد .
- 3 - علم قاضی 0
- تبصره - اگر سارق یک مرتبه نزد قاضی اقرار به سرقت کند ، باید مال را به صاحبش بدهد اما حد بر او جاری نمی شود .

فصل سوم - شرایط اجرای حد

ماده 200 - در صورتی حد سرقت جاری می شود که شرایط زیر موجود باشد -

- 1 - صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند .
 - 2 - صاحب مال پیش از شکایت سارق را نبخشیده باشد .
 - 3 - صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق نبخشیده باشد .
 - 4 - مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضی ، از راه خرید و مانند آن به ملک سارق در نیاید .
 - 5 - سارق قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد .
- تبصره - حد سرقت بعد از ثبوت جرم با توبه ساقط نمی شود و عفو سارق جایز نیست .

فصل چهارم - حد سرقت

ماده 201 - حد سرقت بشرح زیر است -

- الف - در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن بطوریکه انگشت شست و کف دست او باقی بماند .
 - ب - در مرتبه دوم ، قطع پای چپ سارق از پائین برآمدگی بنحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند .
 - ج - در مرتبه سوم حبس ابد .
 - د - در مرتبه چهارم اعدام ، ولوسرقت در زندان باشد .
- تبصره 1 - سرقتهای متعدد تا هنگامی که حد جاری نشده حکم یکبار سرقت را دارد .
- تبصره 2 - معاون در سرقت موضوع ماده 198 این قانون به یکسال تا سه سال حبس محکوم میشود .
- ماده 202 - هرگاه انگشتان دست سارق بریده شود و پس از اجراء این حد ، سرقت دیگری از او ثابت گردد که سارق قبل از اجراء حد مرتکب شده است پای چپ او بریده می شود .
- ماده 203 - سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد اگرچه شاکي نداشته یا گذشت نموده باشد موجب حبس تعزیری از يك تا پنجسال خواهد بود .
- تبصره - معاونت در سرقت موجب حبس از ششماه تا سه سال میباشد .

کتاب سوم

قصاص



باب اول - قصاص نفس

فصل اول - قتل عمد

- ماده 204 - قتل نفس بر سه نوع است - عمد ، شبه عمد ، خطا
- ماده 205 - قتل عمد برابرمواداین فصل موجب قصاص است وازاولیاء دم می توانند با اذن ولی امر قاتل را با رعایت شرایط مذکور در فصول آتیه قصاص نمایند و ولی امرمی تواند این امر را به رئیس قوه قضائیه یا دیگری تفویض نماید .
- ماده 206 - قتل در موارد زیر قتل عمدی است -
- الف - مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را دارد خواه آن کارنوعاً" کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود .
- ب - مواردی که قاتل عمداً" کاری را انجام دهد که نوعاً" کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد .
- ج - مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعاً" کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعاً" کشنده باشدو قاتل نیز به آن آگاه باشد .
- ماده 207 - هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود ومعاون در قتل عمد به سه سال 15سال حبس محکوم می شود .
- ماده 208 - هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکمی نداشته یا شاکمی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اختلال درنظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از3تا10 سال خواهد بود .
- تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال می باشد .
- ماده 209 - هرگاه مرد مسلمانی عمداً" زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن بابدولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مردرا به او بپردازد .
- ماده 210 - هرگاه کافر ذمی عمداً" کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص میشود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد .

فصل دوم - اکراه در قتل

- ماده 211 - اکراه در قتل و یا دستور به قتل دیگری مجوز قتل نیست ، بنابراین اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند یا دستوره قتل رساندن دیگری را بدهند مرتکب قصاص میشود و اکراه کننده و آمر ، به حبس ابد محکوم میگردند .
- تبصره 1 - اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است .
- تبصره 2 - اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد نباید قصاص شودبلکه باید عاقله او دیه را بپردازد و اکراه کننده نیز به حبس ابد محکوم است .

فصل سوم - شرکت در قتل

- ماده 212 - هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکاً" مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می تواند با اذن ولی امر همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هرکدام از آنها دو ثلث دیه و اگرچهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع دیه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر .
- تبصره 1 - ولی دم می تواند برخی از شرکای در قتل را با پرداخت دیه مذکور در این ماده قصاص نماید و از بقیه شرکاء نسبت به سهم دیه اخذ نماید .
- تبصره 2 - در صورتیکه قاتلان و مقتول همگی از کفار ذمی باشد همین حکم جاری است .
- ماده 213 - در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد .
- ماده 214 - هرگاه دو یا چندنفر جراحتهی بر کسی وارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان و چه در زمانهای متفاوت چنانچه



قتل مستند به جنایت همگی باشد همه آنها قاتل محسوب می شوند و کیفر آنان باید طبق مواد دیگر این قانون با رعایت شرایط تعیین شود .

- ماده 215 - شرکت در قتل ، زمانی تحقق پیدا می کند که کسی در اثر ضرب و جرح عده ای کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر يك به تنهائی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی خواه متفاوت .
- ماده 216 - هرگاه کسی جراحی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان دومی است اگرچه جراحی سابق به تنهائی موجب مرگ می گردید و اولی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه جراحی است که وارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحی خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به دیه می باشد .
- ماده 217 - هرگاه جراحی که نفر اول وارد کرده مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد اولی قصاص می شود و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را می پردازد .
- ماده 218 - هرگاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو شود وهم موجب قتل چنانچه با يك ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو قصاص یا دیه نیست .

فصل چهارم - شرایط قصاص

- ماده 219 - کسی که محکوم به قصاص است باید با اذن ولی دم او را کشت . پس اگر کسی بدون اذن ولی دم او را بکشد مرتکب قتلی شده که موجب قصاص است .
- ماده 220 - پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد .
- ماده 221 - هرگاه دیوانه یا نابالغی عمداً کسی را بکشد خطا محسوب و قصاص نمی شود بلکه باید عاقله آنها دیه قتل خطارابه ورثه مقتول بدهند .
- تبصره - در جرائم قتل نفس یا نقص عضو اگر جرم ارتكابي عمدي باشد و مرتکب صغیر یا مجنون باشد و پس از بلوغ یا افاقه مرتکب ، مجنی علیه در اثر سرایت فوت شود مستوجب قصاص نمی باشد .
- ماده 222 - هرگاه عاقله دیوانه ای را بکشد قصاص نمی شود بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد و در صورتیکه اقدام وی موجب اختلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و یادگیران گردد موجب حبس تعزیری از 3 تا 10 سال خواهد بود .
- ماده 223 - هرگاه بالغ نابالغی را بکشد قصاص می شود .
- ماده 224 - قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی بکلی مسلوب الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد و در صورتیکه اقدام وی موجب اختلال در نظم جامعه و یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و پایگران گردد موجب حبس تعزیری از 3 تا 10 سال خواهد بود .
- ماده 225 - هرگاه کسی در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد قصاص نمی شود فقط به دیه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد .
- ماده 226 - قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند .

فصل پنجم - شرایط دعوی قتل

- ماده 227 - مدعی باید حین اقامه دعوی عاقل و بالغ باشد و چنانچه دعوی مستلزم امر مالی گردد رشد نیز شرط است اما نسبت به مدعی علیه هیچیک از موارد مذکور شرط نمی باشد .
- ماده 228 - مدعی باید نسبت به مورد دعوی جازم باشد و با احتمال و ظن نمی توان علیه کسی اقامه دعوی کرد لکن با وجود اماره و آثار جرم دعوی بدون جزم نیز مسموع است .
- ماده 229 - مدعی علیه باید معلوم و مشخص یا محصور در میان عده ای معین باشد .



ماده 230 - مورد دعوي بايد معلوم باشد و مدعي قتل بايد نوع آن را از لحاظ عمد يا غيرعمد بيان کند و اگر اصل قتل ثابت شود نوع آن اثبات نشود بايد با صلح میان قاتل و اولياء مقتول و عاقله دعوي را خاتمه داد .

فصل ششم - راههاي ثبوت قتل

ماده 231 - راههاي ثبوت قتل در دادگاه عبارتند از -
1 - اقرار 2 - شهادت 3 - قسامه 4 - علم قاضي 0

مبحث اول اقرار

ماده 232 - با اقرار به قتل عمد گرچه يك مرتبه هم باشد قتل عمد ثابت مي شود .
ماده 233 - اقرار در صورتي نافذ است که اقرار کننده داراي اوصاف زیر باشد -
1 - عقل 2 - بلوغ 3 - اختيار 4 - قصد .

بنابراین اقرار دیوانه و مست و کودک و مجبور و اشخاصی که قصد ندارند مانند ساهي و هازل و نائم و بیهوش نافذ نیست .

ماده 234 - اقرار به قتل عمد از کسی که به سبب سفاهت یا افلاس مجبور باشد نافذ و موجب قصاص است .

ماده 235 - اگر کسی به قتل عمدي شخصي اقرار نماید و دیگری به قتل عمدي یا خطائي همان مقتول اقرار کند ولي دم در مراجعه به هر يك از این دو نفر مخیر است که برابر اقرارش عمل نماید و نمی تواند مجازات هر دو را مطالبه کند .

ماده 236 - اگر کسی به قتل عمدي شخصي اقرار کند و پس از آن دیگری به قتل عمدي همان مقتول اقرار نماید در صورتي که اولي از اقرارش برگردد قصاص یا ديه از هر دو ساقط است و ديه از بیت المال پرداخت مي شود و این در حالي است که قاضي احتمال عقلاني ندهد که قضیه توطئه آمیز است .

تبصره - در صورتیکه قتل عمدي بر حسب شهادت شهود یا قسامه یا علم قاضي قابل اثبات باشد قاتل به تقاضي ولي دم قصاص مي شود .

مبحث سوم - قسامه

ماده 239 - هرگاه بر اثر قرائن و اماراتی و یا از هر طریق دیگری از قبیل شهادت يك شاهد یا حضور شخصي همراه با آثار جرم در محل قتل یا وجود مقتول در محل تردد یا اقامت اشخاص معین و یا شهادت طفل ممیز مورد اعتماد و یا امثال آن حاکم به ارتکاب قتل از جانب متهم ظن پیدا کند مورد از موارد لوث محسوب مي شود . **و در صورت نبودن بينه از براي مدعي ، قتل یا جرح یا نوع آنها به وسیله قسامه و به نحو مذکور در مواد بعدي ثابت مي شود.** (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 240 - هرگاه ولي دم ، مدعي قتل عمد شود و یکی از دو شاهد عادل به قتل عمد و دیگری به اصل قتل شهادت دهد و متهم قتل عمد را انکار کند در صورتي که موجب ظن براي قاضي باشد این قتل از باب لوث محسوب مي شود و مدعي بايد قتل عمد را با اقامه قسامه ثابت کند .

ماده 241 - هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت به قتل بوسیله متهم دهد و دیگری به اقرار متهم به قتل شهادت دهد قتل ثابت نمي شود و چنانچه موجب ظن براي قاضي باشد ، مورد از موارد لوث خواهد بود .

ماده 242 - در صورتي که قرائن و نشانه هاي ظني معارض یکدیگر باشند مورد از موارد لوث محسوب نمي گردد .



ماده 243 - مدعي ممکن است مرد یا زن باشد و در هر حال باید از وراثت فعلی مقتول محسوب شود .

ماده 244- اگر مدعي عليه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه منکر باشد و قرائنی که موجب ظن به وقوع قتل توسط وی گردد وجود نداشته باشد لوث محسوب نمی شود. مگر اینکه مدعي بينه اي برحضور او هنگام قتل در محل واقعه اقامه کند و موجب ظن به وقوع قتل توسط او گردد در این صورت لوث ثابت می شود و مدعي باید اقامه قسامه کند و در صورت امتناع از اقامه قسامه می تواند از مدعي عليه مطالبه قسامه کند در این صورت مدعي عليه باید به منظور براءت خود به ترتیب مذکور در ماده (247) عمل نماید. در این حالت اگر مدعي عليه از اقامه قسامه ابا نماید محکوم به پرداخت دیه می شود.

تبصره - در موارد قسامه ، چنانچه براءت مدعي عليه ثابت شود و قاتل مشخص نباشد، دیه مقتول از بیت المال پرداخت می شود.

(اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 245- در صورت نبودن قرائت موجب ظن به انتساب قتل ، صرف حضور مدعي عليه هنگام قتل در محل واقعه از مصادیق لوث محسوب نمی شود و مدعي عليه با ادای يك سوگند تبرئه می گردد. (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 246- هر گاه مدعي عليه برای تبرئه خود بينه اقامه کند لوث محقق نمی شود و تبرئه می گردد. (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 247 - هرگاه مدعي اقامه قسامه نکند می تواند از مدعي عليه مطالبه قسامه نماید و در این صورت مدعي عليه باید برای براءت خود به ترتیب مذکور در ماده 248 به قسامه عمل نماید و چنانچه ابا کند محکوم به پرداخت دیه میشود .

ماده 248- در موارد لوث ، قتل عمد با قسم پنجاه نفر مرد ثابت می شود و قسم خوردندگان باید از خویشان و بستگان نسبی مدعي باشند(اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

تبصره 1 - مدعي و مدعي عليه میتوانند حسب مورد یکی از قسم خوردگان باشند .

تبصره 2- چنانچه تعداد قسم خوردندگان مدعي عليه کمتر از پنجاه نفر باشد، هر يك از قسم خوردندگان مرد می توانند بیش از يك قسم بخورند به نحوی که پنجاه قسم کامل شود.

تبصره 3- چنانچه مدعي عليه نتواند کسی از خویشان و بستگان نسبی خود را برای ادای قسم حاضر کند، می تواند خودش پنجاه قسم بخورد و تبرئه شود. (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 249 - قاضي باید برای قبول تکرار قسم مطمئن شود که مدعي عليه پنجاه نفر خویشان و بستگان نسبی ندارد و یا خویشان و بستگان نسبی او پنجاه نفر یا بیشتر هستند ولي حاضر به قسم خوردن نمی باشند همچنین قاضي باید خویشاوندی نسبی قسم خوردگان را با مدعي یا مدعي عليه احراز نماید . (حذف کلمه مدعی یا - (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 250 - هر يك از قسم خوردندگان باید قاتل و مقتول را بدون ابهام معین و انفرادیاً اشتراك و بامعاونت قاتل یا قاتلان را صریحاً ذکر و نوع قتل را بیان کنند .

تبصره - در صورتی که قاضي احتمال بدهد که قسم خورنده یا قسم خوردگان در تشخیص نوع قتل که عمد یا شبه عمد یا خطاء است دچار اشتباه می باشند باید در مورد نوع قتل از آنها تحقیق نماید .

ماده 251 - قسم خوردندگان باید علم به ارتکاب قتل داشته باشند و از روی جزم قسم بخورند و قسم از روی ظن کفایت نمی کند .

تبصره - در صورتیکه قاضي احراز نماید که تمام یا بعضی از قسم خوردگان از روی ظن قسم می خورند قسمهای مذکور اعتبار ندارد .

ماده 252- در موارد لوث ، چنانچه مدعي متعدد باشد، قسم پنجاه نفر کفایت می کند ولي در صورت تعدد مدعي عليه ، هر يك از آنان می بایست برای براءت خود اجرای قسامه کند و با نداشتن عدد قسامه طبق تبصره (3) ماده (248) هر يك از مدعي عليهم پنجاه قسم خورده و تبرئه می شوند. (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 253- نصاب قسامه در قتل شبه عمد و خطای محض بیست و پنج نفر می باشد و نحوه انجام آن مطابق ماده (248) و تبصره های آن است(اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)



ماده 254- در جراحات ، قصاص با قسامه ثابت نمي شود و فقط موجب پرداخت ديه مي گردد و نصاب قسامه در جراحات بشرح زير است :

الف - در جراحاتي که موجب ديه کامل است ، مجروح با پنج نفر ديگر قسم مي خورند.

ب - در جراحاتي که موجب سه چهارم ديه کامل است ، مجروح با چهارنفر ديگر قسم مي خورند.

ج - در جراحاتي که موجب دو سوم ديه کامل است ، مجروح با دو نفر ديگر قسم مي خورند.

د - در جراحاتي که موجب يك دوم ديه کامل است ، مجروح با دو نفر ديگر قسم مي خورند.

ه - در جراحاتي که موجب يك دوم ديه کامل است ، مجروح با دو نفر ديگر قسم مي خورند.

و - در جراحاتي که موجب يك ششم ديه کامل است ، مجروح به تنهائي قسم مي خورد.

تبصره 1- در مورد هر يك از بندهاي فوق الذكر در صورت نبودن نفرات لازم مجني عليه مي تواند به همان عدد قسم را تکرار کند.

تبصره 2- در مورد هر يك از بندهاي ياد شده در فوق ، چنانچه مقدار ديه بيش از كسر مقرر در آن بند و کمتر از كسر مقرر در بند قبلي بوده باشد، در مقدار قسم نصاب بيشتر لازم است. مثلاً" اگر ديه جراحت به مقدار يك چهارم و يا يك پنجم ديه کامل باشد، براي اثبات

آن ، نصاب يك سوم يعني دو قسم لازم است(اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادي از قانون مجازات اسلامي مصوب 1380)

ماده 255 - هرگاه شخصي در اثر ازدحام كشته شود ويا جسد مقتولي در شارع عام پيدا شود و قرائن ظني براي قاضي بر نسبت قتل او به شخص يا جماعتي نباشد حاكم شرع بايد ديه او را از بيت المال بدهد و اگر شواهد ظني نزد حاكم اقامه شود که آن قتل به شخص يا اشخاص معين منسوب است مورد از موارد لوث خواهد بود .

ماده 256 - هرگاه كسي را در محلي كشته ببيند وولي مقتول مدعي شود که شخص معينی از ساکنان آن محل ويرا به قتل رسانده است مورد از موارد لوث مي باشد در اين صورت چنانچه حضور مدعي عليه هنگام قتل در محل واقعه ثابت شود دعواي ولي با قسامه پذيرفته مي شود .

تبصره - چنانچه مدعي عليه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه انکار نماید ادعای او با سوگند پذيرفته مي شود .

فصل هفتم - كيفيت استيفاء قصاص

ماده 257 - قتل عمد موجب قصاص است لکن با رضایت ولي دم و قاتل به مقدار ديه کامله يا به کمتر يا زيادتر از آن تبديل مي شود .

ماده 258 - هرگاه مردی زني را به قتل رساند ولي دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف ديه رداد و در صورت رضایت قاتل مي تواند به مقدار ديه يا کمتر يا بيشتر از آن مصالحه نماید .

ماده 259 - هرگاه كسي که مرتكب قتل موجب قصاص شده است بميرد قصاص وديه ساقط مي شود .

ماده 260 - هرگاه كسي که مرتكب قتل عمد شده است فرارکند و تا هنگام مردن به او دسترسي نباشد پس از مرگ قصاص تبديل به ديه مي شود که بايد از مال قاتل پرداخت گردد و چنانچه مالي نداشته باشد از اموال نزديکترین خويشان او بنحو ((الاقرب فالاقرب)) پرداخت مي شود و چنانچه نزديکاني نداشته باشد يا آنها تمکن نداشته باشند ديه از بيت المال پرداخت مي گردد .

ماده 261 - اولياءدم که قصاص و عفو در اختيار آنهاست همان ورثه مقتولند ، مگر شوهر يا زن که در قصاص و عفو و اجراءاختياري ندارند .

ماده 262 - زن حامله که محکوم به قصاص است نبايد قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد بايد به تاخير افتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد .

ماده 263 - قصاص با آلت کند و غير برنده که موجب آزار مجرم باشد ممنوع است و مثله او نیز جرم است .

ماده 264 - در صورتي که ولي دم متعدد باشد موافقت همه آنها در قصاص لازم است چنانچه همگي خواهان قصاص قاتل باشند قاتل قصاص مي شود و اگر بعضي از آنها خواهان قصاص و ديگران خواهان ديه ، خواهان قصاص مي توانند قاتل را قصاص کنند لکن بايد سهم ديه ساير اولياءدم را که خواهان ديه هستند بپردازند و اگر بعضي از اولياء دم بطور رایگان عفو کنند ديگران مي توانند بعد از پرداخت سهم عفو کنندگان به قاتل او را قصاص نمایند .

ماده 265 - ولي دم بعد از ثبوت قصاص با اذن ولي امرمي تواندشخصاً" قاتل را قصاص کند و يا وکیل بگیرد .

ماده 266 - اگر مجني عليه ولي نداشته باشد ويا شناخته نشود ويا به او دسترسي نباشد ولي دم او ولي امر مسلمين است و



رئیس قوه قضائیه با استیذان از ولی امر و تفویض اختیار به دادستانهای مربوطه نسبت به تعقیب مجرم و تقاضای قصاص یا دیه حسب مورد اقدام می نماید .

ماده 267 - هرگاه شخص یا اشخاصی محکوم به قصاص را رهائی دهند موظف به تحویل دادن وی می باشند و هرگاه به تشخیص قاضی رسیدگی کننده در انجام وظیفه کوتاهی نماید و حبس وی موثر در الزام یا احضار باشد تا زمان معرفی محکوم به حبس می گردد .

تبصره - چنانچه قاتل قبل از تحویل بمیرد یا به نحو دیگری تحویل وی متعذر شود فردفراری دهند ضامن دیه متقول است .
ماده 268 - چنانچه مجنی علیه قبل از مرگ جانی را از قصاص نفس عفو نماید حق قصاص ساقط می شود و اولیاءدم نمی توانند پس از مرگ او مطالبه قصاص نمایند .

باب دوم - قصاص عضو

فصل اول تعاریف و موجبات قصاص عضو

ماده 269 - قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجنی علیه می تواند با اذن ولی امر جانی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصاص نماید .

تبصره 1 - مجازات معاون جرم موضوع این ماده سه ماه حبس تا یک سال است .

تبصره 2 - در مورد این جرم چنانچه شاکی نداشته و یا شاکی از شکایت خود گذشت کرده باشد یا موجب قصاص نگردیده ولیکن سبب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد موجب حبس تعزیری از سه ماه تا دو سال خواهد بود و معاون جرم به حبس از دو ماه تا یکسال محکوم می شود .

ماده 270 - قطع عضو یا جرح آن سه نوع است -

عمد - شبه عمد - خطاء که احکام دو نوع اخیر در فصل دیات خواهد آمد .

ماده 271 - قطع عضو یا جرح آن در موارد زیر عمدی است -

الف - وقتی که جانی با انجام کاری قصد قطع عضو یا جرح آن را دارد چه آن کار نوعاً موجب قطع یا جرح باشد یا نباشد .

ب - وقتی که جانی عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب قطع یا جرح عضو باشد هرچند قصد یا جرح نداشته باشد .

ج - وقتی که جانی قصد قطع عضو یا جرح را ندارد و عمل اونوعاً موجب قطع یا جرح نمی باشد ولی نسبت به مجنی علیه بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و مانند اینها نوعاً موجب قطع یا جرح باشد و جانی به آن آگاهی داشته باشد .

فصل دوم - شرایط و کیفیت قصاص عضو

ماده 272 - در قصاص عضو علاوه بر شرایط قصاص نفس شرایط زیرباید رعایت شود -

1 - تساوی اعضاء در سالم بودن 0

2 - تساوی در اصلی بودن اعضاء 0

3 - تساوی در محل عضو مجروح یا مقطوع 0

4 - قصاص موجب تلف جانی یا عضو دیگر نباشد .

5 - قصاص پیشتر از اندازه جنایت نشود .

ماده 273 - در قصاص عضو ، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می شود ، مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد .

ماده 274 - عضو سالم در برابر عضو ناسالم قصاص نمی شود و فقط دیه آن عضو پرداخت می شود لکن عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص می شود .

ماده 275 - در قصاص عضو تساوی محل معتبر است و باید در مقابل قطع عضو طرف راست عضو همان طرف و در مقابل طرف چپ



- عضو همان طرف جاني قصاص شود .
- تبصره - در صورتي که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پاي او قطع خواهد شد .
- ماده 276 - جرحي که بعنوان قصاص وارد مي کنند بايد از حيث طول و عرض مساوي با جنایت باشد و در صورت امکان رعایت تساوي در عمق نیز لازم است .
- تبصره - در جراحت موضعه وسمحاق تساوي در عمق شرط نیست و مماثلت عرفي کافيست .
- ماده 277 - هرگاه در قصاص جرح رعایت تساوي ممکن نباشد مانند بعضي از جراحتهاي عميق يا در موارد شکسته شدن استخوانها يا جابجاشدن آنها بطوریکه قصاص موجب تلف جاني يا زياده از اندازه جنایت گردد ديه آن داده شود چه مقدار آن ديه شرعا" معين باشد يا با حکم حاکم شرع معين گردد .
- ماده 278 - قصاص عضو را مي شود فوراً" اجراء نمود و لازم نیست صبر کنند تا وضع جرح روشن شود پس اگر قصاص اجراء شود و جرح منجر به مرگ مجني عليه گردد در صورتيکه جنایت عمدي باشد جاني به قصاص نفس محکوم مي شود لکن قبل از اجراء قصاص نفسش بايد ديه جرحي که قبلاً" بعنوان قصاص عضو بر جاني وارد شده به او پرداخت شود .
- ماده 279 - براي رعایت تساوي قصاص با جنایت بايد حدودجراحت کاملاً" اندازه گيري شود و هر چيزي که مانع از استيفاء قصاص يا موجب ازدياد آن باشد بايد برطرف گردد .
- ماده 280 - اگر در اثر حرکت جاني قصاص بيش از جنایت شود قصاص کننده ضامن نیست و اگر بدون حرکت مجرم قصاص بيش از جنایت شود در صورتيکه اين زياده عمدي باشد قصاص کننده نسبت به مقدار زائد قصاص مي شود و در صورتيکه عمدي نباشد ديه يا ارش مقدار زائد به عهده قصاص کننده مي باشد .
- ماده 281 - اگر گرمي يا سردي هوا موجب سرايت زخم بشود بايد قصاص در هواي معتدل انجام گيرد .
- ماده 282 - ابزار قصاص بايد تيز و غير مسموم و مناسب با اجراء قصاص و قطع و جرح مخصوص باشد و ايداء جاني بيش از مقدار جنایت او ممنوع است .
- ماده 283 - هرگاه شخصي يك چشم کسی را کور کند يادر آورد قصاص مي شود گرچه جاني بيش از يك چشم نداشته باشد و چيزي بعنوان ديه به او داده نمي شود .
- ماده 284 - هرگاه شخصي که داراي دو چشم است چشم کسی را كه فقط داراي يك چشم است در آورد مجني عليه مي تواند يك چشم جاني را قصاص کند و نصف ديه کامل را هم دریافت نماید ، يا از قصاص يك چشم جاني منصرف شود و ديه کامل بگيرد مگر در صورتي که مجني عليه يك چشم خود را قبلاً" در اثر قصاص يا جنایتي که استحقاق ديه آنرا داشته است از دست داده باشد که در اين مورد مي تواند يك چشم جاني را قصاص کند و يا با رضاي جاني نصف ديه کامل دریافت نماید .
- ماده 285 - هرگاه شخصي بدون آسیب به حدقه چشم ديگري بينائي آنرا از بين ببرد فقط بينائي چشم جاني مورد قصاص قرار مي گيرد و اگر بدون آسیب به حدقه چشم جاني قصاص ممکن نباشد جاني بايد ديه آن را بپردازد .
- ماده 286 - چشم سالم در برابر چشم هائي که از لحاظ دين متعارف نیستند قصاص مي شود .
- ماده 287 - هرگاه شخصي مقداري از گوش کسی را قطع کند و مجني عليه قسمت جدا شده را به گوش خود پيوند دهد قصاص ساقط نمي شود و اگر جاني بعد از آنک مقداري از گوش او بعنوان قصاص بريده شده آن قسمت جدا شده را به گوش خود پيوند دهد هيچکس نمي تواند آن را دوباره براي حفظ اثر قصاص قطع کند .
- ماده 288 - قطع لاله گوش که موجب زوال شنوائی بشود دو جنایت محسوب مي شود .
- ماده 289 - هرگاه شخصي بيني کسی را قطع کند مجني عليه مي تواند قصاص نمايد اگر چه بيني مجني عليه داراي حس بويائي نباشد .
- ماده 290 - هرگاه شخصي زبان يا لب کسی را قطع نمايد با رعایت تساوي مقدار و محل مورد قصاص قرار مي گيرد .
- تبصره - در صورتيکه فرد گویا زبان فرد لال را قطع کند قصاص جايز نیست و تبديل به ديه مي شود .
- ماده 291 - هرگاه شخصي دندان کسی را بشکند يا بکند با رعایت شرايط قصاص عضو قصاص مي شود .
- تبصره - در صورتيکه مجني عليه قبل از قصاص دندان درآورد اگر دندان جديد معيوب باشد جاني به پرداخت ارش محکوم ميگردد و اگر



سالم باشد تا 74 ضربه شلاق تعزیر می گردد .

ماده 292 - اگر مجنی علیه طفل باشد باید به مدت متعارف صدور حکم به تاخیر افتد در صورتیکه کودک دندان جدید درآورد مجرم محکوم به ارش وگرنه محکوم به قصاص است .

ماده 293 - اگر مورد جنایت عضو زائد باشد و جانی عضو زائد مشابه نداشته باشد محکوم به دیه است .

کتاب چهارم

دیات

باب اول - تعریف دیه و موارد آن

ماده 294 - دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیاءدم او داده می شود .

ماده 295 - در موارد زیر دیه پرداخت می شود -

الف - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطاء محض واقع می شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه راداشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید .

ب - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطاء شبیه عمد واقع می شود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً "سبب جنایت نمی شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آنکه کسی را به قصد تادیب بنحوی که نوعاً "سبب جنایت نمی شود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد یا طبیعی مباشرتاً" بیماری را بطور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود .

ج - مواردی از جنایت عمدی که قصاص در آنها جایز نیست .

تبصره 1 - جنایتهای عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ بمنزله خطاء محض است .

تبصره 2 - در صورتی که شخص کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود وبعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطاء شبیه عمد است . و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است .

تبصره 3 - هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود بنحوی که اگر آن مقررات رعایت میشد حادثه ای اتفاق نمی افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود .

ماده 296 - در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض محسوب میشود .

باب دوم - مقدار دیه قتل نفس

ماده 297 - دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مخیر می باشد و تلفیق آنها جایز نیست

-

1 - یکصد شتر سالم و بدون عیب که خلیجی لاغر نباشند .

2 - دویست گاو سالم و بدون عیب که خلیجی لاغر نباشند .

3 - یکهزار گوسفند سالم و بدون عیب که خلیجی لاغر نباشند .

4 - دویست دست لباس سالم از حله های یمن 0

5 - یکهزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن 18 نخود است .

6 - ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن 12/6 نخود نقره می باشد .

تبصره 1 - قیمت هر یک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین ویا تعذر همه آنها پرداخت می شود .



تبصره 2- میزان ديه اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با نظر ولی امر است که توسط قوه قضاییه استعلام و به دادگاه‌ها ابلاغ می‌شود. دادگاه‌ها مکلفند مطابق نظر مذکور و با رعایت سایر مقررات این قانون از قبیل جنسیت مجنی علیه و زمان وقوع جنایت رای مقتضی صادر کنند. اصلاحی مطابق قانون الحاق يك تبصره به ماده (297) قانون مجازات اسلامي مصوب 1370 مصوب 1382

ماده 298 - ديه قتل عمد در مواردی که قصاص ممکن نباشد یا ولی مقتول به ديه راضي شود یکی از امور ششگانه فوق خواهد بود لکن در کلیه مواردی که شتر به عنوان ديه تعیین می شود لازم است که سن آن از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد .

ماده 299 - ديه قتل در صورتیکه صدمه و فوت هر دو در یکی از چهارماه حرام (رجب - ذیقعدہ - دیحجه - محرم) و یا در حرم مکه معظمه واقع شود علاوه بر یکی از موارد ششگانه مذکور در ماده 297 به عنوان تشدید مجازات باید يك سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود و سایر امکنة و ازمنه هرچند متبرک باشند دارای این حکم نیستند . تبصره - حکم فوق در مواردی که مقتول از ارقارب قاتل باشد جاری نمی گردد .

قانون حذف تبصره ماده 299 قانون مجازات اسلامي مصوب 1370.5.8

ماده واحده - به موجب این قانون تبصره ماده 299 قانون مجازات اسلامي حذف می‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز سه شنبه سي و یکم فروردین ماه يك هزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامي تصویب و در تاریخ 1372.2.5 به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

ماده 200 - ديه قتل زن مسلمان خواه عمدي خواه غیرعمدين نصف ديه مرد مسلمان است .

ماده 301 - ديه زن و مرد یکسان است تاوقتیکه مقدار ديه به ثلث ديه کامل برسد در آنصورت ديه زن نصف ديه مرد است .

باب سوم - مهلت پرداخت ديه

ماده 302 - مهلت پرداخت ديه در موارد مختلف از زمان وقوع قتل به ترتیب زیر است -

الف - ديه قتل عمد باید در ظرف یکسال پرداخت شود .

ب - ديه قتل شبیهه عمد در ظرف دو سال پرداخت می شود .

ج - ديه قتل خطاء محض در ظرف سه سال پرداخت می شود .

تبصره 1 - تاخیر از این مهلت ها بدون تراضي طرفین جایز نیست .

تبصره 2 - ديه قتل جنین و نیز ديه نقص عضو یا جرح به ترتیب فوق پرداخت میشود .

ماده 303 - اگر قاتل در شبیهه عمد در مدت معین قادر به پرداخت نباشد به او مهلت مناسب داده می شود .

باب چهارم - مسوول پرداخت ديه

ماده 304 - در قتل عمد و شبهه عمد مسوول پرداخت ديه خودقاتل است .

ماده 305 - در قتل خطاي محض در صورتیکه قتل با بینه یا قسامه یا علم قاضي ثابت شود پرداخت ديه به عهده عاقله است و اگر با

اقرار قاتل یا نکول او از سوگندیا قسامه ثابت شده به عهده خود اوست .

ماده 306 - در خطاء محض ديه قتل و همچنین ديه جراحت (موضعه) ودیه جنایاتی زیادتز از آن بعهدہ عاقله می باشد و دي جراحتهاي

کمتر از آن بعهدہ خود جاني است .

تبصره - جنایت عمد و شبهه عمد نابالغ و دیوانه به منزله خطاء محض و بر عهده عاقله می باشد .



ماده 307 - عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث بوطریکه همه کسانیکه حین الفوت می توانند ارث ببرند بصورت مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهند بود .

تبصره - کسی که با عقد ضمان جریره ، دیه جنایت دیگری را به عهده گرفته است نیز عاقله محسوب می شود .

ماده 308 - نابالغ و دیوانه و معسر جزء عاقله محسوب نمی شود و عهده دار دیه قتل خطائی نخواهد بود .

ماده 309 - هرگاه قتل خطائی با گواهی شهود عادل ثالث شود عاقله عهده دار دیه خواهد بود ولی اگر با اقرار جانی ثابت شود خود جانی ضامن است .

ماده 310 - هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی گردد که خطاء انجام شده و عاقله منکر خطائی بودن آن باشد در صورتیکه عاقله سوگند یاد کند قول عاقله مقدم بر قول جانی می باشد .

ماده 311 - عاقله فقط عهده دادر پرداخت خسارتهای حاصل از جنایتهای خطائی محض از قتل ناموضحه است و در موارد ذیل عاقله ضامن نمی باشد -

الف - جنایتهای خطائی که شخص بر خودش وارد آورد .

ب - اتلاف مالی که بطور خطاء محض حاصل شود .

ماده 312 - هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت المال پرداخت می شود .

ماده 313 - دیه عمد و شبه عمد بر جانی است لکن اگر فرار کند مال او گرفته می شود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزدیک او با رعایت الاقرب فالاقرب گرفته می شود و اگر بستگانی نداشت یا تمکن نداشتند دیه از بیت المال داده می شود .

ماده 314 - در موارد قتل خطائی محض دادگاه مکلف است در حین رسیدگی عاقله را دعوت کند تا از خود دفاع نماید ولی عدم دسترسی به عاقله یا عدم حضور آن پس از احضار موجب توقف رسیدگی نخواهد شد .

ماده 315 - اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد با قید قرعه دیه از یکی از آن دو نفر گرفته می شود .

باب پنجم - موجبات ضمان

ماده 316 - جنایت اعم از آنکه به مباشرت انجام شود یا به تسبیب یا به اجتماع مباشر و سبب موجب ضمان خواهد بود .

ماده 317 - مباشرت آنست که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد .

ماده 318 - تسبیب در جنایت آنست که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود بطوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی شود مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند .

ماده 319 - هرگاه طبیعی گرچه حاذق باشد در معالجه هائی که شخصاً انجام می دهد یا دستور آن را صادر می کند هرچند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف جان یا نقص عضو - و یا خسارت مالی شود ضامن است .

ماده 320 - هرگاه ختنه کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشد .

ماده 321 - هرگاه بیطار و دامپزشک گرچه متخصص باشد در معالجه حیوانی هرچند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود ضامن است .

ماده 322 - هرگاه طبیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان برائت حاصل نماید ، عهده دار خسارت پدید آمده نخواهد بود .

ماده 323 - هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلفن یا نقص عضو دیگری شود جنایت او بمنزله خطاء محض بوده و عاقله او عهده دار خواهد بود .

ماده 324 - هرگاه کسی چیزی را همراه خود یا وسیله نقلیه و مانند آن حمل کند و بشخص دیگری برخورد نموده موجب جنایت گردد در صورت عمد یا شبه عمد ضامن می باشد و در صورت خطاء محض ، عاقله او عهده دار می باشد .

ماده 325 - هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا سگی را به سوی او برانگیزد یا هرکار دیگری که موجب هراس او گردد انجام دهد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی که باعث وحشت می شود و بر اثر این ارباب آن شخص بمیرد اگر این عمل نوعاً کشنده



باشد یا با قصد قتل انجام شود گرچه نوعاً" کشنده نباشد ، قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص است و اگر این عمل نه نوعاً" کشنده و نه با قصد قتل انجام بگیرد قتل شبهه عمد محسوب شده و دیه آن بر عهده قاتل است .

ماده 326 - هرگاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد در صورتیکه آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم او گردد ترساننده ضامن است .

ماده 327 - هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیفتد و سبب جنایت گردد در صورتی که قصد انجام جنایت را داشته باشد قتل عمد بوده و قصاص دارد و در صورتی که قصد قتل نداشته ولی قصد پرت شدن را داشته باشد و معمولاً" با آن قتل انجام نمی شود قتل شبهه عمد بوده دیه در مال او خواهد بود همچنان است اگر با وجود قصد پرت شدن بی اختیار پرت شود ولی اگر در اثر لغزش یا علل قهری دیگر و بی اختیار به جایی پرت شود و موجب جنایت گردد خودش ضامن است نه عاقله اش .

ماده 328 - هرگاه کسی به دیگری صدمه وارد کند و یا کسی را پرت کند و او بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد نموده است نوعاً" سبب جنایت باشد شبهه عمد محسوب و عهده دار دیه آن خواهد بود .

ماده 329 - هرگاه کسی دیگری را بر روی شخص ثالث پرت کند و آن شخص ثالث بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد کرده است نوعاً" سبب جنایت باشد شبهه عمد محسوب و عهده دار دیه می باشد .

ماده 330 - هرگاه کسی در ملک خود یا در مکان و راهی که توقف در آن مجاز است توقف کرده یا وسیله نقلیه خود را متوقف کرده باشد و دیگری به او برخورد نماید و مصدوم گردد آن شخص متوقف عهده دار ه بیجگونه خسارتی نخواهد بود .

ماده 331 - هرکس در محل هائی که توقف در آنجا جایز نیست متوقف شده یا شیئی و یا وسیله ای را در این قبیل محلها مستقر سازد و کسی اشتباهاً" و بدون قصد با شخص و یا شیئی یا وسیله مزبور برخورد کند و بمیرد شخص متوقف یا کسی که شیئی یا وسیله مزبور را در محل مستقر ساخته عهده دار پرداخت دیه خواهد بود و نیز اگر توقف شخص مزبور با استقرار شیئی و وسیله مورد نظر موجب لغزش راهگذرو آسیب کسی شود ، مسئول پرداخت دیه صدمه یا آسیب وارده است مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً" قصد برخورد داشته باشد که در این صورت نه فقط خسارتی به او تعلق نمی گیرد بلکه عهده دار خسارت وارده نیز می باشد .

ماده 332 - هر گاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچگونه تخلف از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جزء مواردی که مقتول و یا مصدوم مهذورالدم نبوده دیه به عهده بیت المال خواهد بود .

ماده 333 - در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است اگر عبور نماید و راننده ای که با سرعت مجاز و مطمئنانه در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست .

باب ششم - اشتراك در جنایت

ماده 334 - هر گاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد در صورت شبهه عمد نصف دیه هرکدام از مال دیگری پرداخت می شود و در صورت خطاء محض نصف دیه هرکدام بر عاقله دیگری است .

ماده 335 - هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبهه عمد نصف دیه مقتول بر دیگری است و در صورت خطاء محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است .

تبصره - هرگاه کسی اتفاقاً" و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود خطاء محض میباشد .

ماده 336 - هرگاه در اثر برخورد در سوار ، وسیله نقله آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند در صورتیکه تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچکدام مقصر نباشند هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی یا متفاوت باشد و اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است .

تبصره - تقصیر اعم است از بی احتیاطی ، بی میلانی ، عدم مهارت ، عدم رعایت نظامات دولتی .

ماده 337 - هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبهه عمد راننده هر یک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطاء محض عاقله هر کدام عهده دار نصف دیه تمام سرنشینان



می باشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبه عمد و دیگری خطاء محض باشد ضمان بر حسب مورد پرداخت خواهد شد .
تبصره - در صورتیکه برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده ها باشد مانند آنکه در اثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچگونه ضمانی در بین نیست .
ماده 338 - هرگاه شخصی را که شبانه از منزلش خواده و بیرون برده اند مفقود شود دعوت کنند ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دیگری او را کشته است . و نیز اگر ثابت شود که به مرگ عادی یا علل قهری در گذشته چیزی بر عهده دعوت کننده نیست .
ماده 339 - هرگاه کسی در معبر عام یا هرچای دیگری که تصرف در آن مجاز نباشد چاهی بکند یا سنگ یا چیز لغزنده ای بر سر راه عابران قرار دهد یا هر عملی که موجب آسیب یا خسارت عابران گردد انجام دهد عهده دار دیه یا خسارت خواهد بود ولی اگر این اعمال در ملک خود یا در جائی که تصرفش در آن مجاز است واقع شود عهده دار دیه یا خسارت نخواهد بود .

باب هفتم - تسبیب درجنایت

ماده 340 - هرگاه در ملک دیگری با اذن او یکی از کارهای مذکور در ماده 339 را انجام دهد و موجب آسیب یا خسارت شخص ثالث شود عهده دار دیه یا خسارت نمی باشد .
ماده 341 - هرگاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد مرتکب ضامن دیه و خسارت نخواهد بود .
ماده 342 - هرگاه کسی یکی از کارهای مذکور ماده 339 را در منزل خود انجام دهد و شخصی را که در اثر نابینائی یا تاریکی آگاه به آن نیست به منزل خود بخواند عهده دار دیه و خسارت خواهد بود و اگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد عهده دادر هیچگونه دیه یا خسارت نمی باشد .
ماده 343 - هرگاه در اثر یکی از عوامل طبیعی مانند سیل و غیره یکی از چیزهای فوق حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد هیچکس ضامن نیست گرچه تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشد و اگر سیل یا مانند آن چیزی را به همراه آورد و کسی آن را به جائی مانند محل اول یا بدتر از آن قرار دهد عهده دار دیه و خسارتی وارد خواهد بود و اگر آن را از وسط جاده بردارد و به گوشه ای برای مصلحت عابرین قرار دهد عهده دار چیزی نمی باشد .
ماده 344 - هرگاه کسی در ملک دیگری عدواناً یکی از کارهای مذکور در ماده 339 را انجام دهد و شخص ثالثی که عدواناً وارد آن ملک شده آسیب ببیند عامل عدوانی عهده دار دیه و خسارت می باشد .
ماده 345 - هرگاه کسی کالائی را که به منظور خرید و فروش عرضه می شود یا وسیله نقلیه را در معبر عام قرار دهد و موجب خسارت گردد عهده دار آن خواهد بود مگر آنکه مصلحت عابران ایجاب کرده باشد که آنها را موقتاً در معبر قرار دهد .
ماده 346 - هرگاه کسی چیز لغزنده ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ عاقل یا ممیز عمداً با اینکه می تواند روی آن پا نگذارد به روی آنها پا بگذارد .
ماده 347 - هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قهار دهد و در اثر حوادث پیش بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده دار نخواهد بود مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که عادتاً ساقط می شود .
ماده 348 - هرگاه ناودان یا بالکن منزل و امثال آن که قرارداد آن در شارع عام مجاز نبوده و در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده دار خواهد بود و اگر نصب و قرارداد آن مجاز بوده و اتفاقاً سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت گردد مالک منزل عهده دار آن نخواهد بود .
ماده 349 - هرگاه کسی در ملک خود یا ملک مباح دیگری دیواری را با پایه محکم بنا کرده لکن در اثر حادثه پیش بینی نشده مانند زلزله سقوط کند و موجب خسارت گردد صاحب آن عهده دار خسارت نمی باشد و همچنین اگر آن دیوار را به سمت ملک خود بنا نموده که اگر سقوط کند طبعاً در ملک او سقوط خواهد کرد لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت شود صاحب آن عهده دار چیزی نخواهد بود .
ماده 350 - هرگاه دیواری را در ملک خود بطور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید لکن تدریجاً مایل به سقوط بسمت ملک دیگری شود اگر قبل از آن صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن با اصلاح با سهل انگاری سقوط کند و موجب خسارت شود مالک آن ضامن می باشد .



- ماده 351 - هر گاه کسی دیوار دیگری را منحرف و مایل به سقوط نماید آنگاه دیوار ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد آن شخص عهده دار خسارت خواهد بود .
- ماده 352 - هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زائد بر آن آتش روشن کند و بداند که به جانی سرایت نمی کند و عادتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً بجای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود .
- ماده 353 - هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت می نماید یا بداند که بجای دیگر سرایت خواهد کرد در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز خودش روشن کرده باشد .
- ماده 354 - هرگاه کسی در ملک خود آتشی روشن کند و آتش به جانی سرایت نماید و سرایت به او استناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهای وارده می باشد گرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد .
- ماده 355 - هرگاه کسی در ملک دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معبر عام بدون رعایت صملحت رهگذر آتشی را روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود گرچه او قصد اتلاف یا اضرار رانداشته باشد .
- تبصره - در کلیه مواردی که روشن کننده آتش عهده دار تلف و آسیب اشخاص می باشد باید راهی برای فرار و نجات آسیب دیدگان نباشد وگرنه روشن کننده آتش عهده دار نخواهد بود .
- ماده 356 - هرگاه کسی آتشی را روشن کند و دیگری مال شخصی را در آن بیاندازد و بسوزاند عهده دار تلف یا خسارت خواهد بود و روشن کننده آتش ضامن نیست .
- ماده 357 - صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آن را می داند باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر اهمال و سهل انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده دار می باشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آنکه آگاه باشد ولی توانائی حفظ آن را نداشته باشد و نگرانی او کوتاهی نکند عهده دار خسارتش نیست .
- ماده 358 - هرگاه حیوانی به کسی حمله کند و آن شخص بعنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نماید و همین دفاع موجب مردن یا آسیب دیدن آن حیوان شود شخص دفاع کننده ضامن نمی باشد و همچنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم بعنوان دفاع به مقدار لازم باز دارد و همین کار موجب تلف یا آسیب او شود عهده دار نخواهد بود .
- تبصره - هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم به آن آسیب وارد شود شخص رساننده ضامن می باشد .
- ماده 359 - هرگاه به سهل انگاری و کوتاهی مالک حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده دار خسارت خواهد بود و هرگونه خسارتی بر حیوان حمله کننده و مهاجم وارد شد کسی عهده دار آن نمی باشد .
- ماده 360 - هرگاه کسی با اذن وارد خانه کسی بشود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحب خانه ضامن می باشد خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحب خانه بداند که آن حیوان او را آسیب می رساند و خواه نداند .
- ماده 361 - هرگاه کسی که سوار حیوان است حیوان را در جایی متوقف نماید ضامن تمام خسارتهائی است که آن حیوان وارده می کند .
- ماده 362 - هرگاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زنده عهده دار خسارتهای وارد خواهد بود .

باب هشتم - اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب

ماده 363 - در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد .

ماده 364 - هرگاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی بنحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی بعهد حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود .

ماده 365 - هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود .

ماده 366 - هرگاه بر اثر ایجاد سببی دو نفر تصادم کنند و بعلت تصادم کشته شوند یا آسیب ببینند سبب ضامن خواهد بود .



باب نهم - ديه اعضاء

ماده 367 - هر جنائتي که بر عضو کسي وارد شود و شرعا" مقدار خاصي بعنوان ديه براي آن تعيين نشده باشد جاني بايدارش بپردازد .

فصل اول - ديه مو

- ماده 368 - هرگاه کسي موي سر يا صورت مردی را طوري ببرد که ديگر نرويد عهده دار ديه کامل خواهد بود و اگر دوباره برويد نسبت به موي سرضامن ارش است ونسبت به ريش ثلث ديه کامل را عهده دارخواهد بود .
- ماده 369 - هرگاه موي سر زني را طوري از بين ببرد که ديگر نرويد ضامن ديه کامل زن ميباشد و اگر دوباره برويد عهده دار مهرالمثل خواهد بود و در اين حکم فرقي ميان کوچک و بزرگ نيست .
- تبصره - اگر مهرالمثل بيش از ديه کامل باشد فقط به مقدارديه کامل پرداخت مي شود .
- ماده 370 - هرگاه مقداري از موهاي از بين رفته دوباره برويد مقدار ديگر نرويد نسبت مقداري که نمي رويد با تمام سر ملاحظه مي شود وديه به همان نسبت دريافت مي گردد .
- ماده 371 - تشخيص روئيدن مجدد مو و نروئيدن آن با خبره است و اگر طبق نظر خبره ديه يا ارش پرداخت شده و بعد از آن دوباره روئيد بايد مقدار زائد بر ارش به جاني مسترد شود .
- ماده 372 - ديه موهاي مجموع دوا برو در صورتکيه هرگز نرويد پانصد دينار است وديه هر کدام دويست و پنجاه دينار و ديه هر مقدار از يك ابرو بهمان نسبت خواهد بود واگر دوباره روئيده شود در همه موارد ارش است و اگر مقداري از آن دوباره روئيده شود و مقدار ديگر هرگز نرويد نسبت به آن مقدار که مجددا" روئيده شود ارش است ونسبت به آن مقدار که روئيده نمي شود ديه با احتساب مقدار مساحت تعيين مي شود .
- ماده 373 - از بين بردن موهاي پلک چشم موجب ارش است خواه دوباره برويد خواه نرويد و خواه تمام آن باشد و خواه بعض آن .
- ماده 374 - از بين بردن مو در صورتي موجب ديه يا ارش مي شود که به تنهائي باشد نه با از بين بردن عضو يا کندن پوست ومانند که در اين موارد فقط ديه عضو قطع شده يا مانندآن پرداخت مي گردد .

فصل دوم - ديه چشم

- ماده 375 - از بين بردن دو چشم سالم موجب ديه کامل است و ديه هر کدام از آنها نصف ديه کامل خواهد بود .
- تبصره - تمام چشم هائیکه بينائي دارند در حکم فوق يکسانند گرچه از لحاظ ضعف و بيماري و شبکوري و لوچ بودن با يکديگر فرق داشته باشند .
- ماده 376 - چشمي که در سپاهي آن لکه سفيدي باشد اگر مانع ديدن باشد ديه آن کامل است واگر مانع مقداري از ديدن باشد بطوريکه تشخيص ممکن باشد بهمان نسبت از ديه کاهش مي يابد و اگر بطورکلي مانع ديدن باشد در آن ارش است نه ديه .
- ماده 377 - ديه چشم کسي که داراي يك چشم سالم و بينا باشد و چشم ديگرش نابينا مادرزاد بوده يا در اثر بيماري ياعلل غير جنائي از دست رفته باشد ديه کامل است واگر چشم ديگري را در اثر قصاص يا جنائتي از دست داده باشد ديه آن نصف ديه است .
- ماده 378 - کسي که داراي يك چشم بينا و يك چشم نابينا است ديه چشم نابينا او ثلث ديه کامل است خواه چشم او مادرزاد نابينا بوده است يا در اثر جنائت نابيناشده باشد .
- ماده 379 - ديه مجموع چهار پلک دو چشم ديه کامل خواهد بود و ديه پلکها بالا ثلث ديه کامل وديه پلکهاي پائين نصف ديه کامل است .

فصل سوم - ديه بيني

- ماده 380 - از بين بردن تمام بيني دفعتا" يا نرمة آن که پائين قصب واستخوان بيني است موجب ديه کامل است و از بين بردن مقداري از نرمة بيني موجب همان نسبت ديه ميباشد .
- ماده 381 - از بين بردن مقداري از استخوان بيني بعداز بریدن نرمة آن موجب ديه کامل وارش مي باشد .



ماده 382 - اگر با شکستن یا سوزاندن یا امثال آن بینی را فاسد کنند در صورتی که صالح نشود موجب ديه کامل است و اگر بدون عيب جبران شود موجب یکصد دينار میباشد .

ماده 383 - فلج کردن بینی موجب دو ثلث ديه کامل است و از بین بردن بینی فلج موجب ثلث ديه کامل می باشد .

ماده 384 - از بین بردن هر يك از سوراخهاي بینی موجب ثلث ديه کامل است و سوراخ کردن بینی بطوری که هر دو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود یا آنکه آن را سوراخ نماید در صورتی که باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث ديه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس ديه می باشد .

ماده 385 - ديه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است نصف ديه کامل می باشد .

فصل چهارم - ديه گوش

ماده 386 - از بین بردن مجموع دو گوش ديه کامل دارد و از بین بردن هر کدام نصف ديه کامل و از بین بردن مقداری از آن موجب ديه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام گوش خواهد بود .

ماده 387 - از بین بردن نرمه گوش ثلث ديه آن گوش را ندارد و از بین بردن قسمتی از آن موجب ديه به همان نسبت خواهد بود .

ماده 388 - پاره کردن گوش ثلث ديه دارد .

ماده 389 - فلج کردن گوش دو ثلث ديه و بریدن گوش فلج ثلث ديه را دارد .

تبصره - هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوایی سرایت کند و به آن آسیب رساند یا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن شود برای هر کدام ديه جداگانه ای خواهد بود .

ماده 390 - گوش سالم و شنوا و گوش کر در احکام مذکور درموارد فوق یکسانند .

فصل پنجم ديه لب

ماده 391 - از بین بردن مجموع دو لب ديه کامل دارد و از بین بردن هر کدام از لبها نصف ديه کامل و از بین بردن هر مقداری از لب موجب ديه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام لب خواهد بود .

ماده 392 - جنایتي که لبها را جمع کند و در اثر آن دندانها را نپوشاند موجب مقداری است که حاکم آن را تعیین می نماید .

ماده 393 - جنایتي که موجب سست شدن لبها بشود بطوری که باخنده و مانند آن از دندانها کنار نرود موجب دو ثلث ديه کامل می باشد .

ماده 394 - از بین بردن لبهاي فلج و بی حس ثلث ديه دارد .

ماده 395 - شکافتن يك یا دو لب بطوری که دندانها نمایان شوند موجب ثلث ديه کامل است و در صورت اصلاح و خوب شدن خمس ديه کامل خواهد بود .

فصل ششم - ديه زبان

ماده 396 - از بین بردن تمام زبان سالم یا لال کردن انسان سالم یا ضربه مغزی و مانند آن ديه کامل دارد و بریدن تمام زبان لال ثلث ديه کامل خواهد بود .

ماده 397 - از بین بردن مقداری از زبان لال موجب ديه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام زبان خواهد بود ولی ديه قسمتی از زبان سالم به نسبت از دست دادن قدرت ادای حروف خواهد بود .

ماده 398 - تعیین مقدار ديه جنایتي که بر زبان وارد شده و موجب از بین رفتن حروف نشود لکن باعث عيب گردد بتعیین حاکم خواهد بود .

ماده 399 - هرگاه مقداری از زبان را کسی قطع کند که باعث از بین رفتن قدرت ادای مقداری از حروف باشد و دیگری مقدار دیگر را که باعث از بین رفتن مقداری از باقی حروف گردد ديه به نسبت از بین رفتن قدرت ادای حروف می باشد .



ماده 400 - بریدن زبان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب ديه کامل است .

ماده 401 - بریدن زبان کودکی که به حد سخن گفتن رسیده ولي سخن نمي گوید ثلث ديه دارد و اگر بعداً معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته ديه کامل محسوب و بقيه از جاني گرفته مي شود .

ماده 402 - هرگاه جنایتي موجب لال شدن گردد و ديه کامل از جاني گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگرددو سالم شود ديه مسترد خواهد شد .

فصل هفتم - ديه دندان

ماده 403 - از بين بردن تمام دندانهاي بيست و هشتگانه ديه کامل دارد و به ترتيب زیر توزیع مي شود -

1 - هر يك از دندانهاي جلو که عبارتند از پیش و چهارتائی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا دو عدد درپایین مي روید و جمعا" دوازده تا خواهد بود . پنجاه دينار و ديه مجموع آنها ششصد دينار مي شود .

2 - هر يك از دندانهاي عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پائین در هر کدام يك ضاحك و سه ضرس قرار دارد و جمعا" شانزده تا خواهد بود بيست و پنج دينار و ديه مجموع آنها چهارصددينارمي شود .

ماده 404 - دندانهاي اضافي به هر نام که باشد و بهر طرز که روئیده شود ديه اي ندارد و اگر در کندن آنها نقصي حاصل شودتعيين مقدار ارش آن با قاضي است و اگر هيچگونه نقصي حاصل نشودارش نخواهد داشت ولي بنظر قاضي تا 74 ضربه شلاق محکوم مي شود .

ماده 405 - هرگاه دندانها از بيست و هشت تا کمتر باشد بهمان نسبت از ديه کامل کاهش مي يابد خواه خلقتاً کمتر باشد يا در اثر عارضه اي کم شده باشد .

ماده 406 - فرقي بين دندانهاي که داراي رنگهاي گوناگون مي باشد نيست و اگر دنداني در اثر جنایت سياه شود و نيافتد ديه آن دو ثلث ديه همان دندان است که سالم باشد و ديه دنداني که قبلاً سياه شده ثلث همان دندان سالم است .

ماده 407 - شکاف (اشقاق) دندان که بدون کندن واز بين بردن آن باشد تعيين جريمه مالي آن با حاکم است .

ماده 408 - شکستن آن مقدار از دندان که نمايان است با بقاءريشه ديه کامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسي بقيه را از ريشه بکند جريمه آن با نظر حاکم تعيين مي شود خواه کسي که بقيه را از ريشه کنده همان کسي که مقدار نمايان دندان را شکسته يا ديگري .

ماده 409 - کندن دندان شيري کودک که ديگر بجاي آن دندان نروید ديه کامل آنرا دارد و اگر بجاي آن دندان بروید ديه هر دندان شيري که کنده شد يك شتر مي باشد .

ماده 410 - دنداني که کنده شود ديه کامل دارد گرچه همان را در محلش قرار دهند و دوباره مانند سابق شود .

ماده 411 - هرگاه دندان ديگري بجاي دندان اصلي کنده شودقرار گیرد و مانند دندان اصلي شود کندن آن ديه کامل دارد .

فصل هشتم - ديه گردن

ماده 412 - شکستن گردن بطوريکه گردن کج شود ديه کامل دارد .

ماده 413 - جنایتي که موجب کج شدن گردن شود و همچنين جنایتي که مانع فرو بردن غذا گردد جريمه آن با نظر حاکم تعيين مي شود .

ماده 414 - هرگاه جنایتي که موجب کج شدن گردن و همچنين مانع فرو بردن غذا شده اثر آن زایل گردد ديه ندارد فقط بايد ارش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن بادشوارتي بتواند گردن را مستقيم نگه بدارد يا غذا را فروبرد .

فصل نهم - ديه فك

ماده 415 - از بين بردن مجموع دو فك ديه کامل دارد و ديه هر کدام آنها پانصد دينار مي باشد واز بين بردن مقداري از هر يك موجب ديه مساحت همان مقدار است و ديه از بين بردن يك فك بامقداري از فك ديگر نصف ديه با احتساب ديه مساحت فك ديگر خواهد بود .

ماده 416 - ديه فك مستقل از ديه دندان مي باشد و اگر فك بادندان از بين برود ديه هر يك جداگانه محسوب مي گردد .

ماده 417 - جنایتي که موجب نقص فك شود يا باعث دشوارتي و نقص جویدن گردد تعيين جريمه مالي آن با نظر حاکم است .



فصل دهم - ديه دست و پا

- ماده 418 - از بين بردن مجموع دو دست تا مفصل مچ ديه كامل دارد و ديه هر كدام از دستها نصف ديه كامل است خواه مجني عليه داراي دو دست باشد يا يك دست و دست ديگر را خلقتا" يا در اثر سانحه اي از دست داده باشد .
- ماده 419 - ديه قطع انگشتان هر دست تنها يا تا مچ پانصد دينار است .
- ماده 420 - جريمه مالي بریدن كف دست ك خلقتا" بدون انگشت بوده ويا در اثر سانحه اي بدون انگشت شده است با نظر حاكم تعيين مي شود .
- ماده 421 - ديه قطع دست تا آرنج پانصد دينار است خواه داراي كف باشد و خواه نباشد و همچنين ديه قطع دست تا شانه پانصد دينار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد .
- ماده 422 - ديه دستي كه داراي انگشت است اگر بيش از مفصل مچ قطع شود ويا بالاتر از آرنج قطع گردد پانصد دينار است به اضافه ارش كه با در نظر گرفتن مساحت تعيين مي شود .
- ماده 423 - كسي كه ازمچ يا آرنج يا شانه اش دو دست داشته باشد ديه دست اصلي پانصد دينار است و نسبت به دست زائد قاضي به هر نحو كه مصلحت بدانند نزاع را خاتمه مي دهد .
- تشخيص دست اصلي و زائد بنظر خبره خواهد بود .
- ماده 424 - ديه ده انگشت دو دست و همچنين ديه ده انگشت دو پا ديه كامل خواهد بود ، ديه هر انگشت عشر ديه كامل است .
- ماده 425 - ديه هر انگشت به عدد بندهاي آن انگشت تقسيم مي شود و بریدن هر بندي از انگشتهاي غير شست ثلث ديه انگشت سالم و در شست نصف ديه شست سالم است .
- ماده 426 - ديه انگشت زائد ثلث ديه انگشت اصلي است و ديه بندهاي زائد ثلث ديه بند اصلي است .
- ماده 427 - ديه فلج كردن هر انگشت دو ثلث ديه انگشت سالم است و ديه قطع انگشت فلج ثلث ديه انگشت سالم است .
- ماده 428 - احكام مذکور در مواد اين فصل در پا نيز جاري است .

فصل يازدهم - ديه ناخن

- ماده 429 - كندن ناخن بطوري كه ديگر نرويد يا فاسدوسياه برويد ده دينار واگر سالم و سفيد برويد پنج دينار است .

فصل دوازدهم - ديه ستون فقرات

- فصل 430 - شكستن ستون فقرات ديه كامل دارد خواه اصلا" درمان نشود يا بعد از علاج به صورت كمان و خميدگي درآي يا آنكه بدون عصا نتواند راه برود يا توانائي جنسي او از بين برود يا ميتلا به سلس و ريزيش ادار گردد و نيز ديه جنايتي كه باعث خميدگي پشت شود يا آنكه قدرت نشستن يا راه رفتن را سلب نمايد ديه كامل خواهد بود .
- ماده 431 - هرگاه بعد از شكستن يا جنايت وارد نمودن بر ستون فقرات معالجه موثر شود و اثري از جنايت نماند جاني بايد يكصد دينار بپردازد .
- ماده 432 - هرگاه شكستن ستون فقرات باعث فلج شدن هر دو پا شود براي شكستن ديه كامل و براي فلج دو پا دو ثلث ديه كامل منظور مي گردد .

فصل سيزدهم - ديه نخاع

- ماده 433 - قطع تمام نخاع ديه كامل دارد و قطع بعضي از آن به نسبت مساحت خواهد بود .
- ماده 434 - هرگاه قطع نخاع موجب عيب عضو ديگر شود اگر آن عضو داراي ديه معين باشد بر ديه كامل قطع نخاع افزوده مي گردد و



اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد ارزش آن بر دیه کامل قطع نخاع افزوده خواهد شد .

فصل چهاردهم - دیه بیضه

ماده 435 - قطع دو بیضه دفعتاً" دیه کامل و قطع بیضه چپ دو ثلث دیه و قطع بیضه راست ثلث دیه دارد .
تبصره - فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست .
ماده 436 - دیه ورم کردن دو بیضه چهارصد دینار است و اگر تورم مانع راه رفتن مفید شود دیه آن هشتصد دینار خواهد بود .

فصل پانزدهم - دیه دنده

ماده 437 - دیه هر يك از دنده هائي که در پهلوئي چپ واقع شده و محیط به قلب مي باشد بیست و پنج دینار و دیه هر يك از سایر دنده ها ده دینار است .

فصل شانزدهم - دیه استخوان زیر گردن

ماده 438 - شکستن مجموع دو استخوان ترقوه دیه کامل دارد و شکستن هر کدام از آنها که درمان نشود یا با عیب درمان شود نصف دیه کامل است و اگر بخوبی درمان شود چهل دینار می باشد .

فصل هفدهم - دیه نشیمن گاه

ماده 439 - شکستن استخوان نشیمن گاه (دنبالچه) که موجب شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد دیه کامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط باد نباشد ارزش پرداخت خواهد شد .
ماده 440 - ضربه ای که به حد فاصل بیضه ها و دبر واقع شود و موجب عدم ضبط ادرار یا مدفوع گردد دیه کامل دارد و همچنین اگر ضربه ای به محل دیگری وارد آید که در اثر آن ضبط ادرار و مدفوع در اختیار مجنی علیه نباشد .
ماده 441 - از بین بردن بکارت دختر با انگشت که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن ، مهرالمثل نیز دارد .

فصل هیجدهم - دیه استخوانها

ماده 442 - دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهارپنجم دیه شکستن آن است و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو و در صورت درمان بدون عیب چهارپنجم دیه خرد شدن استخوان می باشد .

ماده 443 - در جدا کردن استخوان از عضو بطوریکه آن عضوی فائده گردد و ثلث دیه همان عضو است و اگر بدون عیب درمان شود ، دیه آن چهارپنجم دیه اصل جداکردن می باشد .

فصل نوزدهم - دیه عقل

ماده 444 - هر جنایتی که موجب زوال عقل گردد دیه کامل دارد و اگر موجب نقصان آن شود ارزش دارد .
ماده 445 - از بین بردن عقل یا کم کردن آن موجب قصاص نخواهد شد .



ماده 446 - هرگاه در اثر جنایتي مانند ضربه مغزي و شکستن سر یا بریدن دست ، عقل زائل شود برای هر کدام ديه جداگانه خواهد بود و تداخل نمي شود .
ماده 447 - هرگاه در اثر جنایتي عقل زایل شود و ديه کامل از جاني دريافت شود و دوباره عقل برگردد ديه مسترد مي شود و ارش پرداخت خواهد شد .
ماده 448 - مرجع تشخيص زوال عقل یا نقصان آن دونفر خبره عادل مي باشد و اگر در اثر اختلاف رای خبرگان زوال یا نقصان عقل ثابت نشود قول جاني با سوگندمقدم است .

فصل بیستم - ديه حس شنوائی

ماده 449 - از بین بردن حس شنوائی مجموع دو گوش ديه کامل و از بین بردن حس شنوائی يك گوش نصف ديه کامل دارد گرچه شنوائی يکي از آن دو قوي تر از ديگري باشد .
ماده 450 - هرگاه کسی فاقد حس شنوائی يکي از گوشها باشد کر کردن گوش سالم او نصف ديه دارد .
ماده 451 - هرگاه معلوم باشد که حس شنوائی بر نمي گردد یا دونفر عادل اهل خبره گواهي دهند که بر نمي گردد ديه مستقر مي شود و اگر اهل خبره امید به برگشت آن را پس از گذشت مدت معيني داشته باشد و با گذشتن آن مدت شنوائی برنگردد ديه استقرار پیدا مي کند و اگر شنوائی قبل از دريافت ديه برگردد ارش ثابت مي شود و اگر بعد از دريافت آن برگردد ديه مسترد نمي شود و اگر مجني عليه قبل از دريافت ديه بميرد ديه ثابت خواهد بود .
ماده 452 - هرگاه با بریدن هر دو گوش شنوائی از بین برود دو ديه کامل لازم است و هرگاه با بریدن يك گوش حس شنوائی بطور كلي از بین برود يك ديه کامل و نصف ديه لازم مي شود اگر با جنایت ديگري حس شنوائی از بین برود هم ديه جنایت لازم است و هم ديه شنوائی .
تبصره - هرگاه دونفر عادل اهل خبره گواهي دهند که شنوائی از بین نرفته ولي در مجرای آن نقصي رخ داده که مانع شنوائی است همان ديه شنوائی ثابت است .
ماده 453 - هرگاه کودکی که زبان باز نکرده در اثر کرشدن نتواند سخن بگوید جاني علاوه بر ديه شنوائی به پرداخت ارش محکوم مي شود .
ماده 454 - هرگاه در اثر جنایتي حس شنوائی و گویایی از بین برود 2 ديه کامل دارد .
ماده 455 - اگر کسی سبب پاره شدن پرده گوش ديگري شود محکوم به پرداخت ارش است .
ماده 456 - در صورت اختلاف جاني و مجني عليه هرگاه با نظر خبره معتمد موضوع روشن نشود مورد از باب لوث است و مجني عليه باقسامه ديه را دريافت خواهد کرد .

فصل بیست و یکم - ديه بینائی

ماده 457 - از بین بردن بینائی هر دو چشم ديه کامل دارد و از بین بردن بینائی يك چشم نصف ديه کامل دارد .
تبصره - فرقی در حکم مذکور بین چشم تیزبین یا لوچ یا شب کور و مانند آن نمي باشد .
ماده 458 - هرگاه با کندن حدقه چشم ، بینائی از بین برود ديه آن بیش از ديه کندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنایت ديگر مانند شکستن سر ، بینائی از بین برود هم ديه جنایت یا ارش آن لازم است و هم ديه بینائی .
ماده 459 - در صورت اختلاف بین جاني و مجني عليه با گواهي دو مرد خبره عادل یا يك خبره مرد و دو زن خبره عادل به اینکه بینائی از بین رفته و ديگر برنمي گردد یا اینکه بگویند امید برگشت آن هست ولي مدت آن را تعيين نکنند ديه ثابت مي شود و همچنین اگر برای برگشت آن مدت متعارفي تعيين نمایند و آن مدت سپري شود و بینائی برنگردد ديه ثابت خواهد بود .
و هرگاه مجني عليه قبل از سپري شدن مدت تعيين شده بميرد ديه استقرار مي یابد و همچنین اگر ديگري حدقه او را بکند ديه بینائی بر جاني اول ثابت خواهد بود .
و هرگاه بینائی برگردد و مشخص ديگري آن چشم را بکند ، بر جاني اول فقط ارش لازم مي باشد .
ماده 460 - هرگاه مجني عليه مدعي شود که بینائی هر دو چشم یا يك چشم او کم شده به ترتیب با آزمایش و سنجش با



همسالان یا با مقایسه با چشم دیگرش به نسبت تفاوت دیه پرداخت می شود در صورتیکه از طریق آزمایش علم حاصل نشود از طریق قسامه اقدام می شود .

ماده 461 - هرگاه مجنی علیه ادعا کند که بینائی او زایل شده و شهادتی از متخصصان در بین نباشد حاکم او را با قسامه سوگند می دهد و به نفع او حکم صادر می کند .
تبصره - قسامه برای کوری دو چشم شش قسم و برای کوری یک چشم سه قسم و برای کم شدن بینائی به نسبت کم شدن آن می باشد اعم از اینکه مدعی به تنهایی قسم یاد کند یا با افراد دیگر.

فصل بیست و دوم - دیه حس بویائی

ماده 262 - از بین بردن حس بویائی هر دو مجرای بینی دیه کامل دارد و در صورت از بین بردن بویائی یک مجری نصف دیه است و قاضی در مورداخیر قبل از صدور حکم باید به طرفین تکلیف صلح بنماید .
ماده 463 - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه هرگاه با آزمایش یا با مراجعه به دو متخصص عادل از بین رفتن حس بویائی یا کم شدن آن ثابت نشود با قسامه (طبق تبصره ماده 461) به نفع مدعی حکم می شود .
ماده 464 - هرگاه حس بویائی قبل از پرداخت دیه برگردد ارش آن پرداخت خواهد شد و اگر بعد از آن برگردد باید مصالحه نمایند و اگر مجنی علیه قبل از سپی شدن مدت انتظار برگشت بویائی بمیرد دیه ثابت می شود .
ماده 465 - هرگاه در اثر بریدن بینی حس بویائی از بین برود دو دیه لازم می شود و اگر در اثر جنایت دیگر بویائی از بین رفت دیه جنایت بر دیه بویائی افزوده می شود و اگر آن جنایت دیه معین نداشته باشد ارش آن بر دیه بویائی اضافه خواهد شد .

فصل بیست و سوم - دیه چشائی

ماده 466 - از بین بردن حس چشائی موجب ارش است .
ماده 467 - هرگاه با بریدن زبان حس چشائی از بین برود بیش از دیه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگری حس چشائی از بین برود دیه یا ارش آن جنایت بر ارش حس چشائی افزوده می گردد .
ماده 468 - در صورتی که حس چشائی برگردد ارش مسترد می شود .
ماده 469 - اگر با مراجعه به دو نفر کارشناس عادل مقدار جنایت روشن شود طبق آن عمل می شود وگرنه در صورت لوٹ ، باقسامه مدعی حسب مورد حکم به نفع او صادر خواهد شد .

فصل بیست و چهارم - دیه صورت و گویایی

ماده 470 - از بین بردن صوت شخص بطور کامل که نتواند صدایش را آشکار کند دیه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند .
ماده 471 - از بین بردن گویائی بطور کامل که نتواند اصلاً سخن بگوید نیز دیه کامل دارد .
ماده 472 - در جنایتی که موجب نقصان صوت شود ارش است .
ماده 473 - ارش جنایتی که باعث از بین رفت صوت نسبت به بعضی از حروف شود باید با مصالحه معلوم گردد .

فصل بیست و پنجم - دیه زوال منافع

ماده 474 - جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار شود به ترتیب زیر ارزش دارد -
الف - در صورت دوام آن در کلیه ایام تا پایان هر روز دیه کامل دارد .
ب - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا نیمه از هر روز دو ثلث دیه دارد .
ج - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا هنگام برآمدن روز ثلث دیه دارد .



تبصره - هرگاه سلس و ریزش ادرار در بعضی از روزها بود و بعداً" خوب شود جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود .

ماده 475 - اعمال ارتكابي زیر باعث ارش است -

الف - باعث از بین رفتن انزال شود .

ب - قدرت تولید مثل و بارداری را از بین ببرد .

ج - لذت مقاربت را از بین ببرد .

ماده 476 - جنایتي که باعث از بین رفتن توان مقاربت بطور کامل شود دیه کامل دارد .

ماده 477 - در هر جنایتي که موجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد مانند خواب - لمس یا موجب پدید آمدن بعضی از بیماریها شود و

دیه آن معین نشده باشد ارش تعیین می شود .

ماده 478 - هرگاه آلت رجولیت مرد از محل ختنه گاه و یا پیشتر قطع شود . دیه کامل دارد و کمتر از ختنه گاه به نسبت مساحت ختنه

گاه احتساب می گردد و به همان نسبت از دیه پرداخت خواهد شد .

ماده 479 - هر گاه آلت زنانه کلاً" قطع شود دیه کامل دارد و هر گاه يك طرف آن قطع شود نصف دیه دارد .

باب دهم - دیه جراحات

فصل اول - دیه جراحی سر و صورت

ماده 480 - دیه جراحی سر و صورت به ترتیب زیر است -

1 - حارصه - خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود - يك شتر

2 - دامیه - خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد کم یا زیاد - دو شتر.

3 - متلاحمه - جراحی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد - سه شتر.

4 - سمحاق - جراحی که از گوشت بگذرد و به پوست نازک روی استخوان برسد - چهار شتر.

5 - موضعه - جراحی که از گوشت بگذرد و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کرده - پنج شتر

6 - هاشمه - عملی که استخوان را بشکند گرچه جراحی را تولید نکرده باشد - ده شتر.

7 - منقله - جراحی که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان میسر نباشد پانزده شتر.

8 - مامومه - جراحی که به کیسه مغز برسد ثلث دیه کامل و یا 33 شتر دیه دارد .

9 - دامغه - جراحی که کیسه مغز را پاره کند غیر از ثلث دیه کام ارش بر او افزوده می گردد .

تبصره - دیه جراحات گوش و بینی و لب در حکم جراحات سرو صورت می باشد .

ماده 481 - هرگاه یکی از جراحیهای مذکور در بندهای 1 تا 5 در غیر سر و صورت واقع شود در صورتیکه آن عضو دارای دیه معینی

باشد باید نسبت دیه آن را با دیه کامل سنجید آنگاه به مقدار همان نسبت دیه جراحیهای فوق را که در غیر سر و صورت واقع می شود

تعیین گردد و در صورتی که آن عضو دارای دیه معین نباشد دادن ارش لازم است .

تبصره - جراحات وارده به گردن در حکم جراحات بدن می باشد .

فصل دوم - دیه جراحی که به درون بدن انسان وارد می شود

ماده 282 - دیه جراحی که به درون بدن انسان وارد می شود به ترتیب زیر است -

الف - جائفه - جراحی که با هر وسیله و از هر جهت به شکم یا سینه یا پشت و یا پهلوئی انسان وارد شود ثلث دیه کامل است .

ب - هرگاه وسیله ای از يك طرف بدن فرو رفته و از طرف دیگر بیرون آمده باشد دو ثلث دیه کامل دارد .

تبصره - وسیله وارد کننده جراحی اعم از سلاح سرد و گرم است .



فصل سوم - ديه جراحتي که در اعضاء انسان فرو مي رود .
ماده 483 - هرگاه نيزه يا گلوله يا مانند آن در دست يا پا فرو رود در صورتيکه مجني عليه مرد باشد ديه آن يکصد دينار و در صورتي که زن باشد دادن ارش لازم است .

باب يازدهم - ديه جنائتي که باعث تغيير رنگ پوست يا تورم ميشود .

ماده 484 - ديه ضربتي که در اثر آن رنگ پوست متغير گردد به قرار زير است -

الف - سياه شدن صورت بدون جراحت و شکستگي شش دينار0

ب - کبود شدن صورت سه دينار0

ج - سرخ شدن صورت يك دينار و نيم 0

د - در ساير اعضاء بدن در صورت سياه شدن سه دينار و در صورت کبود شدن يك دينار و نيم و در صورت سرخ شدن سه ربع دينار است .

تبصره 1 - فرقي در حکم مذکور بين زن و مرد و کوچک و بزرگ نيست و همچنين فرقي بين تغيير رنگ تمام صورت يا قسمتي از آن و نيز فرقي بين آنکه اثر جنائيت مدتي بماند يا زائل گردد نمي باشد .

تبصره 2 - جنائتي که باعث تغيير رنگ پوست سر شود دادن ارش لازم است .

ماده 485 - جنائتي که موجب تورم شود دادن ارش لازم است و اگر موجب تورم و تغيير رنگ ارش آن بر ديه که قبلاً بيان شد افزوده مي شود .

ماده 486 - ديه فلج کردن هر عضوي که ديه معين دارد دو ثلث ديه همان عضو است و ديه قطع کردن عضو فلج ثلث ديه همان عضو است .

باب دوازدهم - ديه سقط جنين

ماده 487 - ديه سقط جنين به ترتيب زير است -

1 - ديه نطفه که در رحم مستقر شده بيست دينار0

2 - ديه علقه که خون بسته است چهل دينار0

3 - ديه مضغه که بصورت گوشت درآمده است شصت دينار0

4 - ديه جنين در مرحله اي که بصورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروئیده است هشتاد دينار.

5 - ديه جنين که گوشت و استخوان بندي آن تمام شده و هنوز روح در آن پيدا نشده يکصد دينار.

تبصره - در مراحل فوق هيچ فرقي بين دختر و پسر نمي باشد .

6 - ديه جنين که روح در آن پيدا شده است اگر پسر باشد ديه کامل و اگر دختر باشد نصف ديه کامل و اگر مشتبّه باشد سه ربع ديه کامل خواهد بود .

ماده 488 - هرگاه در اثر کشتن مادر ، جنين بميرد و يا سقط شود ديه جنين در هر مرحله اي که باشد بايد بر ديه مادر افزوده شود .

ماده 489 - هرگاه زني جنين خود را سقط کند ديه آن را در هر مرحله اي که باشد بايد پردازد و خود از آن ديه سهمي نمي برد .

ماده 490 - هرگله چند جنين در يك رحم باشند بعدد هر يك از آنها ديه جداگانه خواهد بود .

ماده 491 - ديه اعضاء جنين و جراحت آن به نسبت ديه همان جنين است .

ماده 492 - ديه سقط جنين در موارد عمد و شبه عمد بر عهده جاني است و در موارد خطاي محض بر عاقله اوست خواه روح پيدا کرده باشد و خواه نکرده باشد .

ماده 493 - اگر در اثر جنائيت چيزي از زن ساقط شود که منشاء انسان بودن آن طبق نظر پزشک متخصص ثابت نباشد ديه وارش ندارد لکن اگر در اثر آن صدمه اي بر مادر وارد شده باشد بر حسب مورد جاني محکوم به پرداخت ديه يا ارش خواهد بود .



باب سیزدهم - دیه جنایتی که بر مرده واقع می شود

ماده 494 - دیه جنایتی که بر مرده مسلمان واقع می شود به ترتیب زیر است -

الف - بریدن سر یکصد دینار

ب - بریدن هر دو دست یا هر دو پا یکصد دینار و بریدن یک دست یا یک پا پنجاه دینار و بریدن یک انگشت از دست یا یک انگشت از پده دینار و قطع یا نقص سایر اعضا - آء و جوارح به همین نسبت ملحوظ می گردد .

تبصره - دیه مذکور در این ماده به عنوان میراث به ورثه نمی رسد بلکه مال خود میث محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت می گردد و در راههای خیر صرف می شود .

ماده 495 - در کلیه مواردی که بموجب مقررات این قانون ارش منظور گردیده با در نظر گرفتن دیه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت میزان خسارت وارده طبق نظر کارشناس تعیین می شود .

ماده 496 - در این قانون مواردی از دیات که دیه بر حسب دینار یا شتر تعیین شده است شتر و دینار موضوعیت ندارد و منظور نسبت مشخص از دیه کامله است و جانی در انتخاب نوع آن مخیر می باشد .

کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده)

فصل اول - در جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور

ماده 498 - هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.

ماده 499 - هر کس در یکی از دستهها یا جمعیتها یا شعب جمعیتهای مذکور در ماده 1 عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است.

ماده 500 - هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.

ماده 501 - هر کس نقشهها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالمأ و عامداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می شود.

ماده 502 - هر کس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم جاسوسی شود به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده 503 - هر کس به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذیصلاح در حال نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوع دستگیر شوند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می شوند.

ماده 504 - هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می شود و الاچنانچه اقدامات وی مؤثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه ساله حبس محکوم می شود.

ماده 505 - هر کس با هدف بر هم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه بندی شده را با پوشش مسئولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود.

ماده 506 - چنانچه مأمورین دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده می باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بی مبالائی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم



می‌شوند.

ماده 507 - هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته‌باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب بامأمورین دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.

ماده 508 - هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد.

ماده 509 - هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می‌گردد.

ماده 510 - هر کس به قصد بر هم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مأمور تفتیش یا وارد کردن هر گونه لطمه به کشور بوده‌اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آن‌ها بشود به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود.

تبصره - هر کس بدون آن که جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید، افرادی را به هر نحو شناسایی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود.

ماده 511 - هر کس به قصد بر هم زدن امنیت کشور و تشویق اذهان عمومی تهدید به بمب‌گذاری هواپیما، کشتی و وسائل نقلیه عمومی نماید یا ادعای نماید که وسایل مزبور بمب‌گذاری شده است علاوه بر جبران خسارت وارده به دولت و اشخاص به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌گردد.

ماده 512 - هر کس مردم را به قصد بر هم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرف‌نظر از این که موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد.

تبصره - در مواردی که احراز شود متهم قبل از دستیابی نظام توبه لئوده باشد مشمول مواد (11) و (12) و (15) نمی‌شود.

فصل دوم - در اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی

ماده 513 - هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهریین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم سباب‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده 514 - هر کس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی رضوان... علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده 515 - هر کس به جان رهبر و هر یک از رؤسای قوای سه‌گانه و مراجع بزرگ تقلید، سوء قصد نماید چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

فصل سوم - در سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی

ماده 516 - هر کس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید به مجازات مذکور در ماده (18) محکوم می‌شود مشروط بر این که در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود والا اگر مجازات خفیف‌تر اعمال گردد به همان مجازات محکوم می‌شود.

تبصره - چنانچه سوء قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد.

ماده 517 - هر کس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به یک تا سه ماه حبس محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود.

تبصره - اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی‌علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضای تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد.

فصل چهارم - در تهیه و ترویج سکه قلب

ماده 518 - هر کس شبیه هر نوع مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی از قبیل سکه بهار آزادی، سکه‌های حکومت‌های قبلی ایران، لیره و نظایر آن را از پول‌ها و ارزهای دیگر که مورد معامله واقع می‌شود، بسازد یا عالماً داخل کشور نماید یا مورد خرید و فروش قرار



دهد یا ترویج سکه قلب نماید به حبس از يك تا ده سال محکوم می‌شود.

ماده 519 - هر کس به قصد تقلب به هر نحو از قبیل تراشیدن، بریدن و نظایر آن از مقدار مسکوکات طلا یا نقره ایرانی یا خارجی بکاهد یا عالمماً عامداً ترویج این قبیل مسکوکات شرکت یا آن را داخل کشور نماید به حبس از يك تا سه سال محکوم می‌شود.

ماده 520 - هر کس شبیه مسکوکات رایج داخلی یا خارجی غیر از طلا و نقره را بسازد یا عالمماً عامداً آنها را داخل کشور نماید یا در ترویج آنها شرکت کند یا مورد خرید و فروش قرار دهد به حبس از يك تا سه سال محکوم می‌شود.

ماده 521 - هر گاه اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد (21) و (22) و (23) می‌شوند قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأمورین دولت را به نحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رییس حوزه قضایی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف می‌شوند مگر آن که احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده‌اند که در این صورت از کلیه مجازات‌های مذکور معاف خواهند شد.

ماده 522 - علاوه بر مجازات‌های مقرر در مواد (21) و (22) و (23) کلیه اموال تحصیلی از طریق موارد مذکور نیز به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می‌شود.

فصل پنجم - جعل و تزویر

ماده 523 - جعل و تزویر عبارت‌اند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب.

ماده 524 - هر کس احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام رهبری و یا رؤسای سه قوه را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد.

ماده 525 - هر کس یکی از اشیای ذیل را جعل کند یا به علم به جعل یا تزویر استعمال کند یا داخل کشور نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از يك تا ده سال محکوم خواهد شد:

- 1 - احکام یا امضاء یا مهر یا دستخط معاون اول رییس جمهور یا وزراء یا مهر یا امضای اعضای شورای نگهبان یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان یا قضات یا یکی از رؤسا یا کارمندان و مسئولین دولتی از حیث مقام رسمی آنان.
- 2 - مهر یا تمبر یا علامت یکی از شرکت‌ها یا مؤسسات یا ادارات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی.
- 3 - احکام دادگاه‌ها یا اسناد یا حواله‌های صادره از خزانه دولتی.
- 4 - منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره به کار می‌رود.
- 5 - اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی.

تبصره - هر کس عمداً و بدون داشتن مستندات و مجوز رسمی داخلی و بین‌المللی و به منظور القاء شبهه در کیفیت تولیدات و خدمات از نام و علائم استاندارد ملی یا بین‌المللی استفاده نماید به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

ماده 526 - هر کس اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی و نیز اسناد یا اوراق بهادار یا حواله‌های صادره از خزانه را به قصد اخلاف در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید یا با علم به مجعول بودن استفاده کند چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می‌شود.

ماده 527 - هر کس مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ‌التحصیلی یا تأییدیه یا ریز نمرات تحصیلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی داخل یا خارج از کشور یا ارزشنامه‌های تحصیلات خارجی را جعل کند یا با علم به جعلی بودن آن را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت، به حبس از يك تا سه سال محکوم خواهد شد.

در صورتی که مرتکب، یکی از کارکنان وزارتخانه‌ها یا سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی باشد یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدارک و اوراق جعلی شرکت داشته باشد به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد.



- ماده 528 - هر کس مهر یا منگنه یا علامت یکی از ادارات یا مؤسسات یا نهادهای عمومی غیر دولتی مانند شهرداریها را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.
- ماده 529 - هر کس مهر یا منگنه یا علامت یکی از شرکت‌های غیر دولتی که مطابق قانون تشکیل شده است یا یکی از تجارخانه‌ها را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.
- ماده 530 - هر کس مهر یا نمبر یا علامت ادارات یا شرکت‌ها یا تجارخانه‌های مذکور در مواد قبل را بدون مجوز به دست آورد و به طریقی که به حقوق و منافع آنها ضرر وارد آورد استعمال کند یا سبب استعمال آن گردد علاوه بر جبران خسارت وارده به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد.
- ماده 531 - اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد قبل شده‌اند هر گاه قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را در صورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب وسایل دستگیری آنها را فراهم نمایند حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده می‌شود و یا از مجازات معاف خواهند شد.
- ماده 532 - هر یک از کارمندان و مسئولان دولتی که در اجرای وظیفه خود در احکام و تقریرات و نوشته‌ها و اسناد و سجلات و دفاتر و غیر آنها از نوشته‌ها و اوراق رسمی تزویر کند اعم از این که امضا یا مهری را ساخته یا امضا یا مهر یا خطوط را تحریف کرده یا کلمه‌ای الحاق کند یا اسامی اشخاص را تغییر دهد علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا به پرداخت شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.
- ماده 533 - اشخاصی که کارمند یا مسئول دولتی نیستند هر گاه مرتکب یکی از جرایم مذکور در ماده قبل شوند علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال یا سه تا هیجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.
- ماده 534 - هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از این که موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار شده است اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.
- ماده 535 - هر کس اوراق مجعول مذکور در مواد (35)، (36) و (37) را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال یا سه تا هیجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.
- ماده 536 - هر کس در اسناد یا نوشته‌های غیر رسمی جعل یا تزویر کند یا با علم به جعل و تزویر آنها را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا دو سال یا سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.
- ماده 537 - عکسبرداری از کارت شناسایی، اوراق هویت شخصی و مدارک دولتی و عمومی و سایر مدارک مشابه در صورتی که موجب اشتباه با اصل شود باید ممهور به مهر یا علامتی باشد که نشان دهد آن مدارک رونوشت یا عکس می‌باشد، در غیر این صورت عمل فوق جعل محسوب می‌شود و تهیه‌کنندگان این گونه مدارک و استفاده‌کنندگان از آنها به جای اصلی عالماً عامداً علاوه بر جبران خسارت به حبس از شش ماه تا دو سال و یا سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.
- ماده 538 - هر کس شخصاً یا توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به دادگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به حبس از شش ماه تا یک سال یا سه تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.
- ماده 539 - هر گاه طبیب تصدیق‌نامه بر خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و هر گاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اذمالم یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد.
- ماده 540 - برای سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آن که خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا (74) ضربه یا به دو بیست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.
- ماده 541 - هر کس به جای داوطلب اصلی هر یک از آزمون‌ها اعم از کنکور ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، دانشگاه‌ها و



مؤسسات آموزش عالی، دانشسراها، مراکز تربیت معلم، اعزام دانشجویان به خارج از کشور یا امتحانات داخلی و نهایی واحدهای مزبور یا امتحانات دبیرستانها، مدارس راهنمایی و هنرستانها و غیره در جلسه امتحان شرکت نماید حسب مورد مرتکب و داوطلب علاوه بر مجازات اداری و انتظامی به دوست هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده 542 - مجازات شروع به جعل و تزویر در این فصل حداقل مجازات تعیین شده همان مورد خواهد بود.

فصل ششم - در محو یا شکستن مهر و پلمب و سرقت نوشتهها از اماکن عمومی

ماده 543 - هر گاه محلی یا چیزی بر حسب امر مقامات صالح رسمی مهر یا پلمب شده باشد و کسی عالمی و عامداً آنها را بشکند یا محو نماید یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمب تلقی شود مرتکب به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. در صورتی که مستحفظ آن مرتکب شده باشد به حبس از یک تا دو سال محکوم می شود و اگر ارتکاب به واسطه اهمال مستحفظ واقع گردد مجازات مستحفظ یک تا شش ماه حبس یا حداکثر (74) ضرب شلاق خواهد بود.

ماده 544 - هر گاه بعضی یا کل نوشتهها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب یا بر خلاف مقررات معدوم شود دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاص که به واسطه اهمال آنها جرم مذکور وقوع یافته است، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

ماده 545 - مرتکبین هر یک از انواع و اقسام جرمهای مشروح در ماده فوق به حبس از سه تا شش سال محکوم خواهند گردید و اگر امانتدار یا مستحفظ مرتکب یکی از جرایم فوق الذکر شود به سه تا ده سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده 546 - در صورتی که مرتکب به عنف مهر یا پلمب را محو نماید یا بشکند یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمب تلقی شود یا نوشته یا اسناد را برباید یا معدوم کند حسب مورد به حداکثر مجازاتهای مقرر در مواد قبل محکوم خواهد شد و این مجازات مانع از اجرای مجازات جرایمی که از قهر و تشدد حاصل شده است نخواهد بود.

فصل هفتم - در فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین

ماده 547 - هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا (74) ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره - زندانیانی که مطابق آیین نامه زندانها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی نمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می گردند.

ماده 548 - هر گاه مأموری که موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت متهم یا فرد زندانی بوده در انجام وظیفه مسامحه و اهمالی نماید که منجر به فرار وی شود به شش ماه تا سه سال حبس یا جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده 549 - هر کسی که مأمور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شدهای باشد و مساعدت در فرار نماید یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تبانی و مواضعه نماید به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

الف - اگر توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن اعدام یا حبس است و یا زندانی به یکی از این مجازاتها محکوم شده باشد به سه تا ده سال حبس و اگر محکومیت محکوم علیه حبس از ده سال به بالا باشد و یا توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن حبس از ده سال به بالا است به یک تا پنج سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا اتهام توقیف شده غیر از موارد فوق الذکر باشد به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ب - اگر زندانی محکوم به قصاص یا توقیف شده متهم به قتل مستوجب قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می شود و تا تحویل وی در زندان باقی می ماند و چنانچه متهم غیاباً محاکمه و برائت حاصل کند و یا قتل شبه عمد یا خطئی تشخیص داده شود عامل فرار به مجازات تعیین شده در ذیل بند (الف) محکوم خواهد شد و اگر فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود چنانچه محکوم به قصاص باشد فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ج - اگر متهم یا محکومی که فرار کرده محکوم به امر مالی یا دیه باشد عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین شده در ذیل بند الف ضامن پرداخت دیه و مال محکوم به نیز خواهد بود.

ماده 550 - هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که طبق قانون مأمور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه دستگیری مسامحه



و اهمال کرده باشد به پرداخت یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مسامحه و اهمال به قصد مساعدت بوده که منجر به فرار وی شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود.

ماده 551 - اگر عامل فرار از مأمورین مذکور در ماده (52) نباشد و عمداً موجبات فرار اشخاصی که قانوناً زندانی یا دستگیر شده‌اند را فراهم آورد به طریق ذیل مجازات خواهد شد:

الف - چنانچه زندانی محکوم به اعدام یا حبس دائم یا رجم یا صلب بوده مجازات او یک تا سه سال حبس و اگر زندانی متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است مجازات از شش ماه تا دو سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا مجازات قانونی توقیف شده غیر از موارد فوق‌الذکر باشد مجازات او سه ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

ب - اگر زندانی محکوم به قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند. چنانچه فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود فراری‌دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.

ماده 552 - هر کس به شخص زندانی یا توقیف شده برای مساعدت به فرار اسلحه بدهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.

ماده 553 - هر کس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع بد بوده مجازات مخفی‌کننده یا کمک‌کننده او در فرار، حبس از یک تا سه سال است و اگر محکوم به حبس دائم یا متهم به جرمی بود که مجازات آن اعدام یا صلب است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد شد و در سایر حالات مجازات مرتکب یک ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

تبصره - در صورتی که احراز شود فرد فراری‌دهنده مخفی‌کننده یقین به بی‌گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد.

ماده 554 - هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

تبصره - در موارد مذکور در ماده (56) و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.

فصل هشتم - غصب عناوین و مشاغل

ماده 555 - هر کس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشکری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد یا معرفی نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده است، مجازات جعل را نیز خواهد داشت.

ماده 556 - هر کس بدون مجوز و به صورت علنی لباس‌های رسمی مأموران نظامی یا انتظامی جمهوری اسلامی ایران یا نشان‌ها، مدال‌ها یا سایر امتیازات دولتی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود مورد استفاده قرار دهد در صورتی که عمل او به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از سه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.

و در صورتی که از این عمل خود سوءاستفاده کرده باشد به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره - استفاده از البسه و اشیاء مذکور در این ماده در اجرای هنرهای نمایشی مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

ماده 557 - هر کس علنی و به صورت غیر مجاز لباس‌های رسمی یا متحدالشکل مأموران کشورهای بیگانه یا نشان‌ها یا مدال‌ها یا سایر امتیازات دولتی‌های خارجی در ایران را مورد استفاده قرار دهد به شرط معامله متقابل و یا در صورتی که موجب اختلال در نظم عمومی گردد مشمول مقررات ماده فوق است.

فصل نهم - در تخریب اموال تاریخی، فرهنگی

ماده 558 - هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، یا تزیینات، ملحقات تأسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور، که



مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی- تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از يك الي ده سال محکوم می‌شود.

ماده 559 - هر کس اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار فرهنگی - تاریخی را از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن که تحت حفاظت یا نظارت دولت است سرقت کند یا با علم به مسروقه بودن اشیاء مذکور را بخرد یا پنهان دارد در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت نگردد علاوه بر استرداد آن به حبس از يك تا پنج سال محکوم می‌شود.

ماده 560 - هر کس بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور، یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی - تاریخی مذکور در این ماده مبادرت به عملیاتی نماید که سبب تزلزل بنیان آن‌ها شود، یا در نتیجه آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارت وارده به حبس از يك تا سه سال محکوم می‌شود.

ماده 561 - هر گونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هر چند به خارج کردن آن نیا انجامد قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال به حبس از يك تا سه سال و پرداخت جریمه معاد دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می‌گردد. تبصره - تشخیص ماهیت تاریخی - فرهنگی به عهده سازمان میراث فرهنگی کشور می‌باشد.

ماده 562 - هر گونه حفاری و کاوش به قصد به دست آوردن اموال تاریخی - فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و ضبط اشیاء مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور و آلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می‌شود. چنانچه حفاری در اماکن و محوطه‌های تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است، یا در بقاع متبرکه و اماکن مذهبی صورت گیرد علاوه بر ضبط اشیاء مکشوفه و آلات و ادوات حفاری مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود.

تبصره 1 - هر کس اموال تاریخی - فرهنگی موضوع این ماده را حسب تصادف به دست آورد و طبق مقررات سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به تحویل آن اقدام ننماید به ضبط اموال مکشوفه محکوم می‌گردد.

تبصره 2 - خری و فروش اموال تاریخی - فرهنگی حاصله از حفاری غیر مجاز ممنوع است و خریدار و فروشنده علاوه بر ضبط اموال فرهنگی مذکور، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شوند. هر گاه فروش اموال مذکور تحت هر عنوان از عناوین به طور مستقیم یا غیر مستقیم به اتباع خارجی صورت گیرد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود.

ماده 563 - هر کس به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده و مالک خصوصی نداشته باشد تجاوز کند به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود مشروط بر آن که سازمان میراث فرهنگی کشور قبلاً حدود مشخصات این قبیل اماکن و مناطق را در محل تعیین و علامت‌گذاری کرده باشد.

ماده 564 - هر کس بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی و بر خلاف ضوابط مصوب اعلام شده از سوی سازمان مذکور به مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزیینات اماکن فرهنگی - تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی مبادرت نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال و پرداخت خسارت وارده محکوم می‌گردد.

ماده 565 - هر کس بر خلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار ملی اموال فرهنگی - تاریخی غیر منقول ثبت شده در فهرست آثار ملی را با علم و اطلاع از ثبت آن به نحوی به دیگران انتقال دهد و به حبس از سه ماه تا يك سال محکوم می‌شود.

ماده 566 - هر کس نسبت به تغییر نحوه استفاده از ابنیه، اماکن و محوطه‌های مذهبی فرهنگی و تاریخی که در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند، برخلاف شئون اثر و بدون مجوز از سوی سازمان میراث فرهنگی کشور، اقدام نماید علاوه بر رفع آثار تخلف و جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم می‌شود.

ماده 567 - در کلیه جرائم مذکور در این فصل، سازمان میراث فرهنگی یا سایر دوایر دولتی بر حسب مورد شکای یا مدعی خصوصی محسوب می‌شود.

ماده 568 - در مورد جرایم مذکور در این فصل که به وسیله اشخاص حقوقی انجام شود هر يك از مدیران و مسئولان که دستور دهنده باشند، بر حسب مورد به مجازات‌های مقرر محکوم می‌شوند.

تبصره - اموال فرهنگی - تاریخی حاصله از جرائم مذکور در این فصل تحت نظر سازمان میراث فرهنگی کشور توقیف و در کلیه مواردی که حکم به ضبط و استرداد اموال، وسائل، تجهیزات و خسارات داده می‌شود به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور مورد حکم قرار خواهد گرفت.

ماده 569 - در کلیه موارد این فصل در صورتی که ملک مورد تخریب، ملک شخصی بوده و مالک از ثبت آن به عنوان آثار ملی بی‌اطلاع



باشد از مجازات‌های مقرر در مواد فوق معاف خواهد بود.

فصل دهم - در تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی

ماده 570 - هر يك از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حكومتي كه برخلاف قانون، آزادي شخصي افراد ملت را سلب كند يا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران محروم نمايد علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت يك تا پنج سال از مشاغل حكومتي به حبس از دو ماه تا سه سال محكوم خواهد شد. (اصلاحی به موجب قانون اصلاح ماده 570 قانون مجازات اسلامی مصوب 81/10/11)

متن ماده سابق: هر يك از مقامات و مأمورین دولتي كه بر خلاف قانون آزادي شخصي افراد ملت را سلب كند يا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسي محروم نمايد علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتي به حبس از شش ماه تا سه سال محكوم خواهد شد.

ماده 571 - هر گاه اقداماتی كه بر خلاف قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران مي‌باشد بر حسب امضاي ساختگي وزير يا مأمورین دولتي به عمل آمده باشد، مرتكب و كسانی كه عالمأ آن را به كار برده باشند به حبس از سه ماه تا ده سال محكوم خواهند شد.

ماده 572 - هر گاه شخصي بر خلاف قانون حبس شده باشد و در خصوص حبس غير قانوني خود شكايي به ضابطین دادگستري يا مأمورین انتظامي نموده و آنان شكایت او را استماع نكرده باشند و ثابت نمایند كه تظلم او را به مقامات ذیصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته‌اند به انفصال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتي به مدت سه تا پنج سال محكوم خواهند شد.

ماده 573 - اگر مسئولین بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحیتدار شخصي را به نام زندانی بپذیرند به دو ماه تا دو سال حبس محكوم خواهند شد.

ماده 574 - اگر مسئولین و مأمورین بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها از ارائه دادن یا تسلیم كردن زندانی به مقامات صالح قضايي یا از ارائه دادن دفاتر خودبه اشخاص مزبور امتناع كنند یا از رسانیدن تظلمات محبوسین به مقامات صالح ممانعت یا خودداري نمایند مشمول ماده قبل خواهند بود مگر این كه ثابت نمایند كه به موجب امر كتبي رسمي از طرف رییس مستقیم خود مأمور به آن بوده‌اند كه در این صورت مجازات مزبور درباره امر مقرر خواهد شد.

ماده 575 - هر گاه مقامات قضايي یا دیگر مأمورین ذیصلاح بر خلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزايي یا قرار مجرمیت كسي را صادر نمایند به انفصال دائم از سمت قضايي و محرومیت از مشاغل دولتي به مدت پنج سال محكوم خواهند شد.

ماده 576 - چنانچه هر يك از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتي و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی كه باشند از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر كتبي دولتي یا اجرای قوانین مملكتي و یا اجرای احكام یا اوامر مقامات قضايي یا هر گونه امری كه از طرف مقامات قانوني صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتي از يك تا پنج سال محكوم خواهد شد.

ماده 577 - چنانچه مستخدمین و مأمورین دولتي اعم از استانداران و فرمانداران و بخشداران یا معاونان آن‌ها و مأمورین انتظامي در غير موارد حكمت در اموري كه در صلاحیت مراجع قضايي است دخالت نمایند و با وجود اعتراض متداعیین یا یکی از آنها یا اعتراض مقامات صلاحیتدار قضايي رفع مداخله نمایند به حبس از دو ماه تا سه سال محكوم خواهند شد.

ماده 578 - هر يك از مستخدمین و مأمورین قضايي یا غير قضايي دولتي برای این كه متهمی را مجبور به اقرار كند او را اذیت و آزار بدني نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محكوم می‌گردد و چنانچه كسي در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محكوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت كند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

ماده 579 - چنانچه هر يك از مأمورین دولتي محكومي را سخت‌تر از مجازاتی كه مورد حكم است مجازات كند یا مجازاتی كند كه مورد حكم نبوده‌است به حبس از شش ماه تا سه سال محكوم خواهد شد و چنانچه این عمل به دستور فرد دیگری انجام شود فقط آمر به مجازات مذکور محكوم می‌شود و چنانچه این عمل موجب قصاص یا دیه باشد مباشر به مجازات آن نیز محكوم می‌گردد و اگر اقدام مزبور متضمن جرم دیگری نیز باشد مجازات همان جرم حسب مورد نسبت به مباشر یا آمر اجرا خواهد شد.

ماده 580 - هر يك از مستخدمین و مأمورین قضايي یا غير قضايي یا كسي كه خدمت دولتي به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانوني به منزل كسي بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از يك ماه تا يك سال محكوم خواهد شد مگر ابي كه ثابت نماید به امر یکی از رؤساي خود كه صلاحیت حكم را داشته است مكره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است كه در این صورت



- مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.
- ماده 581 - هر يك از صاحب منصبان و مستخدمين و مأمورين دولتي كه با سوءاستفاده از شغل خود به جبر و قهر مال يا حق كسي را بخرد يا بدون حق بر آن مسلط شود يا مالك را اكراه به فروش به دیگری كند علاوه بر رد عين مال يا معادل نقدي قيمت مال يا حق، به مجازات حبس از يك سال تا سه سال يا جزاي نقدي از شش تا هیجده ميليون ريال محکوم مي‌گردد.
- ماده 582 - هر يك از مستخدمين و مأمورين دولتي، مراسلات يا مخابرات يا مكالمات تلفني اشخاص را در غير مواردی كه قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح يا توقيف يا معدوم يا بازرسي يا ضبط يا استراق سمع نماید يا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نماید به حبس از يك سال تا سه سال و يا جزاي نقدي از شش تا هیجده ميليون ريال محکوم خواهد شد.
- ماده 583 - هر كس از مقامات يا مأمورين دولتي يا نيروهاي مسلح يا غير آنها بدون حكمي از مقامات صلاحيتدار در غير مواردی كه در قانون جلب يا توقيف اشخاص را تجويز نموده، شخصي را توقيف يا حبس كند يا عنفاً در محلي مخفي نماید به يك تا سه سال حبس يا جزاي نقدي از شش تا هیجده ميليون ريال محکوم خواهد شد.
- ماده 584 - كسي كه با علم و اطلاع براي ارتكاب جرم مذکور در ماده فوق مكاني تهيه كرده و بدین طريق معاونت با مرتكب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا يك سال يا جزاي نقدي از يك ميليون و پانصد هزار ريال تا شش ميليون ريال محکوم خواهد شد.
- ماده 585 - اگر مرتكب يا معاون قبل از آن كه تعقيب شود شخص توقيف شده را رها كند يا اقدام لازم جهت رها شدن وي به عمل آورد در صورتي كه شخص مزبور را زياده از پنج روز توقيف نكرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود.
- ماده 586 - هر گاه مرتكب براي ارتكاب جرايم مذکور در ماده (86) اسم يا عنوان مجعول يا اسم و علامت مأمورين دولت يا لباس منتسب به آنان رابه تزوير اختيار كرده يا حكم جعلي ابراز نموده باشد، علاوه بر مجازات ماده مزبور به مجازات جعل يا تزوير محکوم خواهد شد.
- ماده 587 - چنانچه مرتكب جرايم مواد قبل توقيف شده يا محبوس شده يا مخفي شده را تهديد به قتل نموده يا شكنج و آزار بدني وارد آورده باشد علاوه بر قصاص يا پرداخت ديه حسب مورد به يك تا پنج سال حبس و محروميت از خدمات دولتي محکوم خواهد شد. فصل يازدهم - در ارتشاء و ربا و كلاهدرداري
- ماده 588 - هر يك از داوران و مميزان و كارشناسان اعم از اين كه توسط دادگاه معين شده باشد يا توسط طرفين، چنانچه در مقابل اخذ وجه يا مال به نفع يكي از طرفين اظهار نظر يا اتخاذ تصميم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال يا مجازات نقدي از سه تا دوازده ميليون ريال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مودي به نفع دولت ضبط خواهد شد.
- ماده 589 - در صورتي كه حكام محاكم به واسطه ارتشاء حكم به مجازاتي اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند علاوه بر مجازات ارتشاء حسب مورد به مجازات مقدار زائدي كه مورد حكم واقع شده محکوم خواهند شد.
- ماده 590 - اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد بلكه مالي بلاعوض يا به مقدار فاحش ارزان تر از قيمت معمولي يا ظاهراً به قيمت معمولي و واقعاً به مقدار فاحشي كمتر از قيمت به مستخدمين دولتي اعم از قضايي و اداري به طور مستقيم يا غير مستقيم منتقل شود يا براي همان مقاصد مالي به مقدار فاحشي گران تر از قيمت از مستخدمين يا مأمورين مستقيم يا غير مستقيم خريداري گردد، مستخدمين و مأمورين مزبور مرتشي و طرف معامله راشي محسوب مي‌شود.
- ماده 591 - هر گاه ثابت شود كه راشي براي حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه يا مالي بوده تعقيب كيفري ندارد و وجه يا مالي كه داده به اومستد مي‌گردد.
- ماده 592 - هر كس عالماً و عامداً براي اقدام به امري يا امتناع از انجام امري كه از وظائف اشخاص مذکور در ماده (3) قانون تشديد مجازات مرتكبين ارتشاء، اختلاس و كلاهدرداري مصوب 1367.9.15 مجمع تشخيص مصلحت نظام مي‌باشد وجه يا مالي يا سند پرداخت وجه تسليم مالي رامستقيم يا غير مستقيم بدهد در حكم راشي است و به عنوان مجازات علاوه بر ضبط مال، ناشي از ارتشاء به حبس از شش ماه تا سه سال و يا تا (74) ضربه شلاق محکوم مي‌شود.
- تبصره - در صورتي كه رشوه دهنده براي پرداخت رشوه مضطر بوده و يا پرداخت آن را گزارش دهد يا شكايه نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وي مسترد مي‌گردد.
- ماده 593 - هر كس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشاء از قبيل مذاكره، جلب موافقت يا وصول و ايصال وجه يا مال سند پرداخت



وجه رافراهم نماید به مجازات راشی بر حسب مورد محکوم می‌شود.

ماده 594 - مجازات شروع به عمل ارتشاء در هر مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد است.

ماده 595 - هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل وموزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید، ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا (74) ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.

تبصره 1 - در صورت معلوم نبودن صاحب مال، مال مورد ربا از مصادیق اموال مجهول‌المالک بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت. تبصره 2 - هر گاه ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد. تبصره 3 - هر گاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

ماده 596 - هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیر تجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب و یا هر گونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا برائت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر می‌شود به هر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارت مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومیت بر آن شخص داشته باشد، مجازات وی علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.

فصل دوازدهم - در امتناع از انجام وظایف قانونی

ماده 597 - هر یک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی بود آنها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را بر خلاف قانون به تأخیر اندازد یا بر خلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیبه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

فصل سیزدهم - در تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت

ماده 598 - هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراهای و یا شهرداریها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت و یانهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یادارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیر رسمی و جوجه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیر مجاز قرار دهد بدون آن که قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیر قانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا (74) ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع‌شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تقصیر موجب تضییع اموال و جوجه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زائد بر اعتبار مصرف نموده باشد.

ماده 599 - هر شخصی عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر یک از ادارات و سازمانها و مؤسسات مذکور در ماده (101) بوده است به واسطه تدریس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده 600 - هر یک از مسئولین دولتی و مستخدمین و مأمورینی که مأمور تشخیص یا تعیین یا محاسبه یا وصول وجه یا مالی به نفع دولت است برخلاف قانونی یا زیاده بر مقررات قانونی اقدام و وجه یا مالی اخذ یا امر به اخذ آن نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. مجازات مذکور در این ماده در مورد مسئولین و مأمورین شهرداری نیز مجری است و در هر حال آنچه بر خلاف قانون و مقررات اخذ نموده است به ذیحق مسترد می‌گردد.



ماده 601 - هر يك از مستخدمين و مأمورين دولتي كه بر حسب مأموريت خود اشخاص را اجير يا استخدام کرده يا مباشرت حمل و نقل اشيائي رانموده باشد و تمام يا قسمتي از اجرت اشخاص يا اجرت حمل و نقل را كه توسط آنان به عمل آمده است به حساب دولت آورده ولي نپرداخته باشد به انقصال موقت از سه ماه تا سه سال محكوم مي‌شود و همين مجازات مقرر است درباره مستخدميني كه اشخاص را به بيگاري گرفته و اجرت آنها را خود برداشته و به حساب دولت منظور نموده است و در هر صورت بايد اجرت مأخوذه را به ذيق مسترد نمايد.

ماده 602 - هر يك از مستخدمين و مأمورين دولتي كه بر حسب مأموريت خود حق داشته است اشخاصي را استخدام و اجير كند و بيش از عده‌اي كه اجير يا استخدام کرده است به حساب دولت منظور نمايد يا خدمه شخصي خود را جزو خدمه دولت محسوب نمايد و حقوق آنها را به حساب دولت منظور بدارد به شلاق تا (74) ضربه و تأديه مبلغي كه به ترتيب فوق به حساب دولت منظور داشته است محكوم خواهد گرديد.

ماده 603 - هر يك از كارمندان و كاركنان و اشخاص عهده‌دار وظيفه مديريت و سرپرستي در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌هاي مذكور در ماده (101) كه بالمباشره يا به واسطه در معاملات و مزايده‌ها و مناقصه‌ها و تشخيصات و امتيازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنواني اعم از كميسيون يا حق الزحمه و حق العمل يا پاداش براي خود يا ديگري نفعي در داخل يا خارج كشور از طريق توافق يا تفاهم يا ترتيبات خاص يا ساير اشخاص يا نمايندگان و شعب آنها منظور دارد يا بدون مأموريت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آن چيزي بخرد يا بسازد يا در موقع پرداخت وجوهي كه حسب وظيفه به عهده او بوده يا تفرغ حسابي كه بايد به عمل آورد براي خود يا ديگري نفعي منظور دارد به تأديه دو برابر وجوه و منافع حاصله از اين طريق محكوم مي‌شود و در صورتي كه عمل وي موجب تغيير در مقدار يا كيفيت مورد معامله يا افزايش قيمت تمام شده آن گردد به حبس از شش ماه تا پنج سال و يا مجازات نقدي از سه تا سي ميليون ريال نيز محكوم خواهد شد.

ماده 604 - هر يك از مستخدمين دولتي اعم از قضايي و اداري نوشته‌ها و اوراق و اسنادي را كه حسب وظيفه به آنان سپرده شده يا براي انجام وظيفشان به آنها داده شده است را معدوم يا مخفي نمايد يا به كسي بدهد كه به لحاظ قانون از دادن به آن كس ممنوع مي‌باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا يك سال محكوم خواهد شد.

ماده 605 - هر يك از مأمورين ادارات و مؤسسات مذكور در ماده (101) كه از روي غرض و بر خلاف حق درباره يكي از طرفين اظهار نظر يا اقدامي کرده باشد به حبس تا سه ماه يا مجازات نقدي تا مبلغ يك ميليون و پانصد هزار ريال و جبران خسارت وارده محكوم خواهد شد.

ماده 606 - هر يك از رؤسا يا مديران يا مسئولين سازمان‌ها و مؤسسات مذكور در ماده (101) كه از وقوع جرم ارتشاء يا اختلاس يا تصرف غيرقانوني يا كلاهبرداري يا جرايم موضوع مواد (102) و (106) در سازمان يا مؤسسات تحت اداره يا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحيتدار قضايي يا اداري اعلام ننمايد علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انقصال موقت از شش ماه تا دو سال محكوم خواهد شد.

فصل چهاردهم - در ترمذ نسبت به مأمورين دولت

ماده 607 - هر گونه حمله يا مقاومتي كه با علم و آگاهي نسبت به مأمورين دولت در حين انجام وظيفه آنان به عمل آيد ترمذ محسوب مي‌شود و مجازات آن به شرح ذيل است:

1 - هر گاه متمرذ به قصد تهديد اسلحه خود را نشان دهد حبس از شش ماه تا دو سال.

2 - هر گاه متمرذ در حين اقدام دست به اسلحه برد، حبس از يك تا سه سال.

3 - در ساير موارد حبس از سه ماه تا يك سال.

تبصره - اگر متمرذ در هنگام ترمذ مرتكب جرم ديگري هم بشود به مجازات هر دو جرم محكوم خواهد شد.

فصل پانزدهم - در هتك حرمت اشخاصي

ماده 608 - توهين به افراد از قبيل فحاشي و استعمال الفاظ ركيك چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (74) ضربه و يا پنجاه هزار تا يك ميليون ريال جزاي نقدي خواهد بود.

ماده 609 - هر كس با توجه به سمت، يكي از رؤساي سه قوه يا معاونان رييس جمهوري يا وزرا يا يكي از نمايندگان مجلس شوراي اسلامي يا نمايندگان مجلس خبرگان يا اعضاي شوراي نهبان يا قضات يا اعضاي ديوان محاسبات يا كاركنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و



شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نمایند به سه تا شش ماه حبس و یا تا (74) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتك حرمت مندرج در مقررات جزائی مواد (513)، (514)، (608) و (609) قانون مجازات اسلامی و بندهای (7) و (8) ماده (6) و مواد (26) و (27) قانون مطبوعات موضوع استفسار :

آیا منظور از عبارت (اهانت، توهین و یا هتك حرمت) مندرج در مقررات جزائی از جمله مواد (513)، (514)، (608) و (609) قانون مجازات اسلامی و بندهای (7) و (8) ماده (6) و مواد (26) و (27) قانون مطبوعات عبارت است از بکار بردن الفاظی که دلالت صریح بر فحاشی و سب و لعن دارد یا خیر؟ و در صورت عدم صراحت مطلب و انکار متهم بر قصد اهانت و هتك حرمت آیا موضوع از مصادیق مواد مورد ذکر می‌باشد یا خیر؟
نظر مجلس :

ماده واحده - از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و ... عبارت است از بکار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ چهارم دی ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ 1379.10.10 به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

فصل شانزدهم - در اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم

ماده 610 - هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن رافراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.

ماده 611 - هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی بنمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.
فصل هفدهم - در جرایم علیه اشخاص و اطفال

ماده 612 - هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکعی نداشته یا شاکعی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید.

تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود.

ماده 613 - هر گاه کسی شروع به قتل عمد نماید ولی نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد.

ماده 614 - هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی‌علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.

تبصره - در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده 615 - هر گاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت‌کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند:

- 1 - در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال.
- 2 - در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال.
- 3 - در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال.



- تبصره 1 - در صورتی که اقدام شخص، دفاع مشروع تشخیص داده شود، مشمول این ماده نخواهد بود.
- تبصره 2 - مجازات‌های فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد.
- ماده 616 - در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر این که خطای محض باشد.
- تبصره - مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی نمی‌گردد.
- ماده 617 - هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (7) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
- ماده 618 - هر کس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیر متعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (74) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
- ماده 619 - هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (74) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
- ماده 620 - هر گاه جرایم مذکور در مواد (119) و (120) و (121) در نتیجه توطئه قبلی و دسته‌جمعی واقع شود هر یک از مرتکبین به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهند شد.
- ماده 621 - هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.
- تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.
- ماده 622 - هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.
- ماده 623 - هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر این که ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.
- ماده 624 - اگر طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.
- ماده 625 - قتل و جرح و ضرب هر گاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود با رعایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمی‌شود مشروط بر این که دفاع متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید می‌کرده است.
- تبصره - مقررات این ماده در مورد دفاع از مال غیر در صورتی قابل اجرا است که حفاظت مال غیر به عهده دفاع‌کننده بوده یا صاحب مال استمداد نماید.
- ماده 626 - در مورد هر فعلی که مطابق قانون جرم بر نفس یا عرض یا مال محسوب می‌شود ولو این که از مأمورین دولتی صادر گردد هر گونه مقاومت برای دفاع از نفس یا عرض یا مال جایز خواهد بود.
- ماده 627 - دفاع در مواقعی صادق است که:
- الف - خوف برای نفس یا عرض یا ناموس یا مال مستند به قرائن معقول باشد.
- ب - دفاع متناسب با حمله باشد.
- ج - توسل به قوای دولتی یا هر گونه وسیله آسان‌تری برای نجات میسر نباشد.



- ماده 628 - مقاومت در مقابل نیروهای انتظامی و دیگر ضابطین دادگستری در موقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند دفاع محسوب نمی‌شود ولی هر گاه اشخاص مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و بر حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا مال گردد در این صورت دفاع در مقابل آنها نیز جایز است.
- ماده 629 - در موارد ذیل قتل عمدی به شرط آن که دفاع متوقف به قتل باشد مجازات نخواهد داشت:
- الف - دفاع از قتل یا ضرب و جرح شدید یا آزار شدید یا دفاع از هتك ناموس خود و اقارب.
- ب - دفاع در مقابل کسی که درصدد هتك عرض و ناموس دیگری به اکراه و عنف برآید.
- ج - دفاع در مقابل کسی که درصدد سرقت و ربودن انسان یا مال او برآید.
- ماده 630 - هر گاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تکمیل زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.
- ماده 631 - هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده، مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.
- ماده 632 - اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند امتناع کند به مجازات از سه ماه تا شش ماه حبس یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.
- ماده 633 - هر گاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد در محلی که خالی از سکنه است رهانماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود، رهاکننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارض نیز محکوم خواهد شد.
- ماده 634 - هر کس بدون مجوز مشروع نبش قبر نماید به مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم می‌شود و هر گاه جرم دیگری نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد.
- ماده 635 - هر کس بدون رعایت نظامات مربوط به دفن اموات جنازه‌ای را دفن کند یا سبب دفن آن شود یا آن را مخفی نماید به جزای نقدی از یکصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.
- ماده 636 - هر کس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل از اینکه به اشخاصی که قانوناً مأمور کشف و تعقیب جرایم هستند خبر دهد آنرا دفن نماید به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم خواهد شد.
- فصل هجدهم - جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی
- ماده 637 - هر گاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود.
- ماده 638 - هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (74) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (74) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
- تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.
- ماده 639 - افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند "الف" علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظردادگاه بسته خواهد شد:
- الف - کسی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کند
- ب - کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.
- تبصره - هر گاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد.
- ماده 640 - اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا (74)



ضربه شلاق یا به يك یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد:

- 1 - هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذار یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاهدارد.
- 2 - هر کس اشیاء مذکور را به منظور اهداف فوق شخصاً یا به وسیله دیگری وارد یا صادر کند و یا به نحوی از انحاء متصدی یا واسطه تجارت و یا هر قسم معامله دیگر شود یا از کرایه دادن آنها تحصیل مال نماید.
- 3 - هر کس اشیاء فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید یا آنها را به معرض انظار عمومی بگذارد.
- 4 - هر کس برای تشویق به معامله اشیاء مذکور در فوق و یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل بدست آوردن آن را معرفی نماید.

تبصره 1 - مفاد این ماده شامل اشیایی نخواهد بود که با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلایی دیگر تهیه یا خرید و فروش و مورد استفاده متعارف علمی قرار می‌گیرد.

تبصره 2 - اشیاء مذکور ضبط و محو آثار می‌گردد و جهت استفاده لازم به دستگاه دولتی ذیربط تحویل خواهد شد.

ماده 641 - هر گاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.

فصل نوزدهم - در جرایم بر ضد حقوق تکالیف خانوادگی

ماده 642 - هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید.

ماده 643 - هر گاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد نماید به حبس از شش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا (74) ضربه شلاق محکوم می‌شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید.

ماده 644 - کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند:

1 - هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد دیگری درآورد در صورتی که منجر به واقعه نگردد.

2 - هر کسی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود ترویج نماید در صورتی که منتهی به واقعه نگردد.

ماده 645 - به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است، چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یکسال محکوم می‌گردد.

ماده 646 - ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده (1041) قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.

ماده 647 - چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تکمیل مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.

فصل بیستم - در قسم و شهادت دروغ و افشاء سر

ماده 648 - اطباء و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

ماده 649 - هر کس در دعوی حقوقی یا جزایی که قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده 650 - هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره - مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است.



فصل بیست و یکم - در سرقت و ربودن مال غیر

ماده 651 - هر گاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا (74) ضربه شلاق محکوم می‌گردد:

- 1 - سرقت در شب واقع شده باشد.
 - 2 - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.
 - 3 - يك یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند.
 - 4 - از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا این که عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا بر خلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشند.
 - 5 - در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.
- تبصره - منظور از سلاح مذکور در این بند موارد ذیل می‌باشد:

- 1- انواع اسلحه گرم از قبیل تفنگ و نارنجک.
- 2- انواع اسلحه سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه بوکس.
- 3- انواع اسلحه سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یا مشابه آنها و سرنیزه‌های قابل نصب بر روی تفنگ.
- 4- انواع اسلحه شکاری شامل تفنگهای ساچمه‌زنی، تفنگهای مخصوص بیهوش کردن جانداران و تفنگهای ویژه شکار حیوانات آبري. (الحاقی به موجب قانون اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب 1387/8/22)

ماده 652 - هر گاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (74) ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد.

ماده 653 - هر کس در راه‌ها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا (74) ضربه محکوم می‌شود.

ماده 654 - هر گاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقین دو نفر یا بیشتر باشند و لاقفل يك نفر از آنان حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد در صورتی که بر حامل اسلحه عنوان محارب صدق نکند جزای مرتکب یا مرتکبان حبس از پنج تا پانزده سال و شلاق تا (74) ضربه می‌باشد.

ماده 655 - مجازات شروع به سرقت‌های مذکور در مواد قبل تا پنج سال حبس و شلاق تا (74) ضربه می‌باشد.

ماده 656 - در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (74) ضربه شلاق محکوم می‌شود:

- 1 - سرقت در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن یا در محل‌های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر این‌ها واقع شده باشد.
- 2 - سرقت در جایی واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد.
- 3 - در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد.
- 4 - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.
- 5 - سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آن جا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یا در محلی که معمولاً محل کار وی بوده از قبیل خانه، دکان، کارگاه، کارخانه و انبار سرقت نموده باشد.
- 6 - هر گاه اداره‌کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان و به طور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند.

ماده 657 - هر کس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف‌زنی - جیب‌بری و امثال آن شود به حبس از يك تا پنج سال و تا (74) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده 658 - هر گاه سرقت در مناطق سیل یا زلزله‌زده یا جنگی یا آتش‌سوزی یا در محل تصادف رانندگی صورت پذیرد و حائز شرایط حد نباشد مرتکب به مجازات حبس از يك تا پنج سال و تا (74) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.



- ماده 659 - هر کس وسائل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی که به هزینه دولت یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیر دولتی یا به وسیله نهادها و سازمان‌های عمومی غیر دولتی یا مؤسسات خیریه ایجاد یا نصب شده مانند تأسیسات بهره‌برداري آب و برق و گاز و غیره را سرقت نماید به حبس از يك تا پنج سال محکوم می‌شود و چنانچه مرتکب از کارکنان سازمان‌های مربوطه باشد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.
- ماده 660 - هر کس بدون پرداخت حق انشعاب آب و فاضلاب و برق و گاز و تلفن مبادرت به استفاده غیرمجاز از آب و برق و تلفن و گاز و شبکه فاضلاب نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به پرداخت جزای نقدی از يك تا دو برابر خسارت وارده محکوم خواهد شد. چنانچه مرتکب از مأمورین شرکتهای مذکور باشد به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد. (اصلاحی به موجب قانون اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب 1387/8/22)
- متن ماده 660 سابق: هر کس بدون پرداخت حق انشعاب و اخذ انشعاب آب و برق و گاز و تلفن مبادرت به استفاده غیر مجاز از آب و برق و تلفن و گاز نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به تحمل تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.
- ماده 661 - در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و يك روز تا دو سال و تا (74) ضربه شلاق خواهد بود.
- ماده 662 - هر کس با علم و اطلاع یا با وجود فرائین اطمینان‌آور به این که مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (74) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
- در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد.
- ماده 663 - هر کس عالماً در اشیاء و اموالی که توسط مقامات ذیصلاح توقیف شده است و بدون اجازه دخالت یا تصرفی نماید که منافعی با توقیف باشد ولو مداخله‌کننده یا متصرف مالک آن باشد به حبس از سه ماه تا يك سال محکوم خواهد شد.
- ماده 664 - هر کس عالماً عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتکاب جرم بسازد، یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا يك سال و تا (74) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
- ماده 665 - هر کس مال دیگری را برباید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا يك سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه‌ای به مجنی علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.
- ماده 666 - در صورت تکرار جرم سرقت، مجازات سارق حسب مورد حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود. تبصره - در تکرار جرم سرقت در صورتی که سارق سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد دادگاه نمی‌تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده نماید.
- ماده 667 - در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود.
- فصل بیست و دوم - تهدید و اکراه
- ماده 668 - هر کس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء یا مهر نماید و یا سند و نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد به حبس از سه ماه تا دو سال و تا (74) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
- ماده 669 - هر گاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سري نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترك فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (74) ضربه یا زندان از دوماه تا دو سال محکوم خواهد شد.
- فصل بیست و سوم - ورشکستگی
- ماده 670 - کسانی که به عنوان ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شوند به مجازات حبس از يك تا پنج سال محکوم خواهند شد.
- ماده 671 - مجازات ورشکسته به تقصیر از شش ماه تا دو سال حبس است.
- ماده 672 - هر گاه مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی بین طلبکاران و تاجر ورشکسته مستقیماً یا مع‌الواسطه از طریق عقد قرارداد یا به طریق دیگر تبانی نماید به شش ماه تا سه سال حبس و یا به جزای نقدی از سه تا هیجده میلیون ریال محکوم می‌گردد.
- فصل بیست و چهارم - خیانت در امانت



ماده 673 - هر کس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق به دست آورده سوءاستفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده 674 - هر گاه اموال منقول یا غیر منقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت‌یابی اجرت به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آن‌ها را به ضرر مالکین یا متصرفین آن‌ها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

فصل بیست و پنجم - احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات

ماده 675 - هر کس عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معد برای سکونی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.

تبصره 1 - اعمال فوق در این فصل در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت.

تبصره 2 - مجازات شروع به جرائم فوق شش ماه تا دو سال حبس می‌باشد.

ماده 676 - هر کس سایر اشیاء منقول متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده 677 - هر کس عمداً اشیاء منقول و یا غیر منقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده 678 - هر گاه جرایم مذکور در مواد (179) و (180) به وسیله مواد منفجره واقع شده باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس است.

ماده 679 - هر کس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آن‌ها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده 680 - هر کس بر خلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده نماید به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده 681 - هر کس عالماً دفاتر و قباله‌ها و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا به هر نحو دیگری تلف کند به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد.

ماده 682 - هر کس عالماً هر نوع اسناد یا اوراق تجارتي و غیر تجارتي غیر دولتی را که اتلاف آن‌ها موجب ضرر غیر است بسوزاند یا به هر نحو دیگر کشف کند به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده 683 - هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از سه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود چنانچه محارب شناخته نشوند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده 684 - هر کس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضییع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیاندازد به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا (74) ضربه محکوم می‌شود.

ماده 685 - هر کس اصله نخل خرما را به هر ترتیب یا هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد یا قطع نماید به سه تا شش ماه حبس یا از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده 686 - هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالماً عامداً و بر خلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن‌ها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده 687 - هر کس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات) و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آن‌ها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله‌کشی و نیروگاه‌های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات (کابل‌های هوایی یا زمینی یا نوری) و دستگاه‌های تولید و توزیع و انتقال آن‌ها که به



هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیر دولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علائم راهنمایی و رانندگی و سایر علائمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تأسیسات فوق یا شوارع و جاده‌ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آن که منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

تبصره 1 - در صوتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت.

تبصره 2 - مجازات شروع به جرائم فوق یک تا سه سال حبس است.

ماده 688 - هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازشدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

تبصره 1 - قانون اصلاح تبصره (1) ماده (688) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب 1375.3.2

ماده واحده - تبصره (1) ماده (688) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب 1375.3.2 مجلس شورای اسلامی به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

تبصره 1 - تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

تاریخ تصویب 1376.5.8

تاریخ تأیید شورای نگهبان 1376.5.19

متن تبصره سابق : تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود یا خیر و نیز اعلام جرم مذکور به عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد.

تبصره 2 - منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

ماده 689 - در تمام موارد مذکور در این فصل هر گاه حرق و تخریب و سایر اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

فصل بیست و ششم - در هتك حرمت منازل و املاك غير

ماده 690 - هر کس به وسیله صحنه‌سازی از قبیل پی‌کنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل، امحای مرز، کرت‌بندی، نهرکشی، حفر چاه، غرس اشجار و زارعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی، جنگل‌ها و مراتع ملی شده، کوهستان، باغ‌ها، قلمستان‌ها، منابع آب، چشمه‌سارها، انهار طبیعی و پارک‌های ملی، تأسیسات کشاورزی و دامداری و

دامپروری و کشت و صنعت و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاك متعلق به دولت یا شرکت‌های وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا اوقاف و همچنین اراضی و املاك و موقوفات و محبوسات و اثلا باقیه که برای مصارف عام‌المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذیحق معرفی کردن خود یا دیگری، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذیصلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هر گونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود. دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید.

تبصره 1 - رسیدگی به جرائم فوق‌الذکر خارج از نوبت به عمل می‌آید و مقام قضایی با تنظیم صورت‌مجلس دستور متوقف ماندن عملیات متجاوز راتا صدور حکم قطعی خواهد داد.



تبصره 2 - در صورتی که تعداد متهمان سه نفر یا بیشتر باشد و قرائن قوی بر ارتکاب جرم موجود باشد قرار بازداشت صادر خواهد شد، مدعی می‌تواند تقاضای خلع ید و قلع بنا و اشجار و رفع آثار تجاوز را بنماید.

ماده 691 - هر کس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است اعم از آن که محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود. هر گانه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.

ماده 692 - هر گاه کسی ملک دیگری را به قهر و غلبه تصرف کند علاوه بر رفع تجاوز به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده 693 - اگر کسی به موجب حکم قطعی محکوم به خلع ید از مال غیر منقولی یا محکوم به رفع مزاحمت یا رفع ممانعت از حق شده باشد، بعد از اجرای حکم مجدداً مورد حکم را عدواناً تصرف یا مزاحمت یا ممانعت از حق نماید علاوه بر رفع تجاوز به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده 694 - هر کس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می‌شوند. ماده 695 - چنانچه جرائم مذکور در مواد (195) و (196) در شب واقع شده باشد مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌شود.

ماده 696 - در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید در صورت تقاضای محکوم له دادگاه با فروش اموال محکوم علیه به جز مستثنیات دین حکم را اجرا یا تا استیفاء حقوق محکوم له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود.

تبصره - چنانچه محکوم علیه مدعی اعسار شود تا صدور حکم اعسار و یا پرداخت به صورت تقسیط بازداشت ادامه خواهد داشت. فصل بیست و هفتم - در افتراء و توهین و هتك حرمت

ماده 697 - هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (74) ضربه شلاق و یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد.

تبصره - در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.

ماده 698 - هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (74) ضربه محکوم شود.

ماده 699 - هر کس عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام اومی گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به او است بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام براءت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (74) ضربه شلاق محکوم می‌شود.

ماده 700 - هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید به حبس از یک تا شش ماه محکوم می‌شود.

فصل بیست و هشتم - تجاهر به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی و ولگردی

ماده 701 - هر کس متجاهراً و به نحو علنی در اماکن و معابر و مجامع عمومی مشروبات الکلی استعمال نماید، علاوه بر اجرای حد شرعی شربخمر به دو تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌شود.



ماده 702 - هرکس مشروبات الکلی را بسازد یا بخرد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا حمل یا نگهداری کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به شش ماه تا یک سال حبس و تا هفتاد و چهار (74) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای کلاه شده محکوم می شود. (اصلاحی به موجب قانون اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب 1387/8/22)

متن ماده 702 سابق : هر کس مشروبات الکلی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند به سه تا شش ماه حبس و یا تا (74) ضربه شلاق محکوم می شود.

ماده 703 - وارد نمودن مشروبات الکلی به کشور قاچاق محسوب می گردد و واردکننده صرف نظر از میزان آن به شش ماه تا پنج سال حبس و تا هفتاد و چهار (74) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان ده برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یاد شده محکوم می شود. رسیدگی به این جرم در صلاحیت محاکم عمومی است.

تبصره 1- در خصوص مواد (702) و (703)، هرگاه مشروبات الکلی مکشوفه به میزان بیش از بیست لیتر باشد، وسایلی که برای حمل آن مورد استفاده قرار می گیرد چنانچه با اطلاع مالک باشد به نفع دولت ضبط خواهد شد در غیر این صورت مرتکب به پرداخت معادل قیمت وسیله نقلیه نیز محکوم خواهد شد. آلات و ادواتی که جهت ساخت یا تسهیل ارتکاب جرائم موضوع مواد مذکور مورد استفاده قرار می گیرد و وجوه حاصله از معاملات مربوط به نفع دولت ضبط خواهد شد.

تبصره 2- هرگاه کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی و شرکتهای یا مؤسسات وابسته به دولت، شوراها، شهرداریها یا نهادهای انقلاب اسلامی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین اعضاء نیروهای مسلح و مأموران به خدمات عمومی در جرائم موضوع مواد (702) و (703) مباشرت، معاونت یا مشارکت نمایند علاوه بر تحمل مجازاتهای مقرر، به انفصال موقت از یک سال تا پنج سال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

تبصره 3- دادگاه نمی تواند تحت هیچ شرایطی حکم به تعلیق اجراء مجازات مقرر در مواد (702) و (703) صادر نماید. (اصلاحی به موجب قانون اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب 1387/8/22)

متن ماده 703 سابق : هر کس مشروبات الکلی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و تا (74) ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی یا یک یا دو مورد از آنها محکوم می شود.

ماده 704 - هر کس محلی را برای شرب خمر دایر کرده باشد یا مردم را به آنجا دعوت کند به سه ماه تا دو سال حبس و (74) ضربه شلاق و یا از یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو آنها محکوم خواهد شد و در صورتی که هر دو مورد را مرتکب شود به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

ماده 705 - قمار بازی با هر وسیله ای ممنوع و مرتکبین آن به یک تا شش ماه حبس و یا تا (74) ضربه شلاق محکوم می شوند و در صورت تهاجر به قمار بازی به هر دو مجازات محکوم می گردند.

ماده 706 - هر کس آلات و وسایل مخصوص به قمار بازی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند به یک تا سه ماه حبس یا تا پانصد هزار تا یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می شود.

ماده 707 - هر کس آلات و وسایل مخصوص به قمار بازی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود.

ماده 708 - هر کس قمارخانه دایر کند یا مردم را برای قمار به آنجا دعوت نماید به شش ماه تا دو سال حبس و یا از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود.

ماده 709 - تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می شود.

ماده 710 - اشخاصی که در قمارخانه یا اماکن معد برای صرف مشروبات الکلی موضوع مواد (204) و (208) قبول خدمت کنند یا به نحوی از انحاء به دایرکننده این قبیل اماکن کمک نمایند معاون محسوب می شوند و مجازات مباشر در جرم را دارند ولی دادگاه می تواند نظر به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون مجازات را تخفیف دهد.

ماده 711 - هر گاه یکی از ضابطین دادگستری و سایر مأمورین صلاحیتدار از وجود اماکن مذکور در مواد (207) و (208) و (211) یا اشخاص مذکور در ماده (213) مطلع بوده و مراتب را به مقامات ذیصلاح اطلاع ندهند یا بر خلاف واقع گزارش نمایند در صورتی که به



- موجب قانوني ديگرمجازات شديدتري نداشته باشند به که سه تا شش ماه حبس يا تا (74) ضربه شلاق محکوم مي‌شوند.
- ماده 712 - هر کس تکدي يا کلاشي را پيشه خود قرار داده باشد و از اين راه امرا معاش نمايد يا ولگردي نمايد به حبس از يك تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالي مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کليه اموالي که از طريق تکدي و کلاشي به دست آورده است مصادره خواهد شد.
- ماده 713 - هر کس طفل صغير يا غير رشيدي را وسيله تکدي قرار دهد يا افراي را به اين امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کليه اموالي که از طريق به دست آورده است محکوم خواهد شد.
- فصل بيست و نهم - در جرايم ناشي از تخلفات رانندگي
- ماده 714 - هر گاه بي احتياطي يا بي مبالاتي يا عدم رعايت نظامات دولتي بغير مهارت راننده (اعم از وسائط نقليه زميني يا آبي يا هوايي) يا متصدي وسيله موتوري منتهي به قتل غير عمدي شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نيز به پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحيه اولياي دم محکوم مي‌شود.
- ماده 715 - هر گاه يکي از جهات مذکور در ماده (217) موجب مرض جسمي يا دماغي که غير قابل علاج باشد و يا از بين رفتن يکي از حواس يا از کار افتادن عضوي از اعضاء بدن که يکي از وظيف ضروري زندگي انسان را انجام مي‌دهد يا تغيير شکل دائمي عضو يا صورت شخص يا سقط جنين شود مرتکب به حبس از دو ماه تا يك سال و به پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحيه مصدوم محکوم مي‌شود.
- ماده 716 - هر گاه يکي از جهات مذکور در ماده (217) موجب صدمه بدني شود که باعث نقصان يا ضعف دائم يکي از منافع يا يکي از اعضاي بدن شود و يا باعث از بين رفتن قسمتي از عضو مصدوم گردد، بدون آن که عضو از کار بيافتد يا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبيعي شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحيه مصدوم محکوم خواهد شد.
- ماده 717 - هر گاه يکي از جهات مذکور در ماده (217) موجب صدمه بدني شود مرتکب به حبس از يك تا پنج ماه و پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحيه مصدوم محکوم مي‌شود.
- ماده 718 - در مورد مواد فوق هر گاه راننده يا متصدي وسايل موتوري در موقع وقوع جرم مست بوده يا پروانه نداشته يا زيادتر از سرعت مقرر حرکت مي‌کرده است يا آن که دستگاه موتوري را با وجود نقص و عيب مکانیکی مؤثر در تصادف به کار انداخته يا در محل‌هايي که براي عبور پياده روعلامت مخصوص گذارده شده است، مراعات لازم ننمايد و يا از محل‌هايي که عبور از آن ممنوع گرديده است رانندگي نموده به بيش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد. دادگاه مي‌تواند علاوه بر مجازات فوق مرتکب را براي مدت يك تا پنج سال از حق رانندگي يا تصدي وسايل موتوري محروم نمايد.
- تبصره - اعمال مجازات موضوع مواد (217) و (221) اين قانون از شمول بند (1) ماده (2) قانون وصول برخي از درآمدهاي دولت و مصرف آن در موارد معين مصوب 1373.12.28 مجلس شوراي اسلامي مستثني مي‌باشد.
- ماده 719 - هر گاه مصدوم احتياج به کمک فوري داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درماني و يا استمداد از مأمورين انتظامي از اين کار خودداري کند و يا به منظور فرار از تعقيب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بيش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (217) و (218) و (219) محکوم خواهد شد. دادگاه نمي‌تواند در مورد اين ماده اعمال کيفيت مخففه نمايد.
- تبصره 1 - راننده در صورتي مي‌تواند براي انجام تکاليف مذکور در اين ماده وسيله نقليه را از صحنه حادثه حرکت دهد که براي کمک رسانيدن به مصدوم توسل به طريق ديگر ممکن نباشد
- تبصره 2 - در تمام موارد مذکور هر گاه راننده مصدوم را به نقايي براي معالجه و استراحت برساند و يا مأمورين مربوطه را از واقعه آگاه کند و يا به هر نحوي موجبات معالجه و استراحت و تخفيف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفيف را درباره او رعايت خواهد نمود.
- ماده 720 - هر کس در ارقام و مشخصات پلاک وسايل نقليه موتوري زميني، آبي يا کشاورزي تغيير دهد و يا پلاک وسيله نقليه موتوري ديگري را به آن الصاق نمايد يا براي آن پلاک تقليمي به کاربرد يا چنين وسايلي را با علم به تغيير و يا تعويض پلاک تقليمي مورد استفاده قرار دهد و همچنين هر کس به نحوي از انحاء در شماره شاسي، موتور يا پلاک وسيله نقليه موتوري و يا پلاکهاي موتور و شاسي که از طرف کارخانه سازنده حک يا نصب شده بدون تحصيل مجوز از راهنماي و رانندگي تغيير دهد و آن را از صورت اصلي کارخانه خارج کند به حبس از شش ماه تا يك سال محکوم خواهد شد.



ماده 721 - هر کس بخواهد وسیله نقلیه موتوری را اوراق کند مکلف است مراتب را با تعیین محل توقف وسیله نقلیه به راهنمایی و رانندگی محل اطلاع دهد، راهنمایی و رانندگی محل باید ظرف مدت یک هفته اجازه اوراق کردن وسیله نقلیه را بدهد و اگر به دلایلی با اوراق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف همان مدت با ذکر دلیل به متقاضی ابلاغ نماید، هر گاه راهنمایی و رانندگی هیچگونه اقدامی در آن مدت نکرد اوراق کردن وسیله نقلیه پس از انقضای مدت مجاز است. تخلف از این ماده برای اوراق کننده موجب محکومیت از دو ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

ماده 722 - چنانچه وسیله موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود، شخصی که وسیله در اختیار و تصرف او بوده است اعم از آن که مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیکترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید، متخلف از این ماده به جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده 723 - هر کس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است، بنماید و همچنین هر کس به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد به رانندگی وسایل مزبور مبادرت ورزد برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.

ماده 724 - هر راننده وسیله نقلیه ای که در دستگاه ثبت سرعت وسیله نقلیه عمداً تغییری دهد که دستگاه سرعتی کمتر از سرعت واقعی نشان دهد و یا با علم با این که چنین تغییری در دستگاه مزبور داده شده با آن وسیله نقلیه رانندگی کند برای بار اول به حبس از ده روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال و یا هر دو مجازات و در صورت تکرار به دو تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.

ماده 725 - هر یک از مأمورین دولت که متصدی تشخیص مهارت و دادن گواهینامه رانندگی هستند اگر به کسی که واجد شرایط رانندگی نبوده پروانه بدهند به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال و به پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و پروانه صادره نیز ابطال می گردد.

ماده 726 - هر کس در جرائم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می شود.
ماده 727 - جرائم مندرج در مواد 61، 62، 63، 64، 65، 66، 67، 68، 69، قسمت اخیر ماده 99، 111، 125، 135، 136، 145، 151، 171، 172، 179، 180، 182، 185، 187، 188، 193، 195، 197، 200، 201، 202 و 203 جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر نماید.

ماده 728 - قاضی دادگاه می تواند با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم و در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازات های تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده نماید.
ماده 729 - کلیه قوانین مغایر با این قانون ملغی است.

- کلیه قوانین مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات عمومی مصوب سال 1304 و اصلاحات و الحاقات بعدی آن ملغی است. (اصلاحی به موجب قانون اصلاح دو ماده و الحاق یک ماده و یک تبصره به قانون مجازات اسلامی مصوب 77/3/27)

ماده 730 - این قانون به عنوان کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات های بازدارنده به قانون مجازات اسلامی مصوب آذر ماه 1370 الحاق می گردد و شماره مواد 1 تا 233 آن به 498 تا 730 اصلاح می گردد.

قانون فوق مشتمل بر دویست و سی و سه ماده و چهل و چهار تبصره در جلسه روز چهارشنبه دوم خرداد ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ 1375.3.6 به تأیید شورای نگهبان رسیده است.